





ویژه نامه بزرگداشت

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری

سال دوازدهم • دی ماه ۹۸ • شماره ۱۴۲

مدیر مسئول: سید محمد جواد شوشتری

سر دبیر: معصومه صبور

مدیر اجرایی: محمد حاتمی

دبیر تحریریه: مرضیه منگلی

مدیر هنری: علیرضا عبادی

عکس:

علی عظیمی، طاهره بابایی

سید احمد رضا طاهری، مهسا مطیع

و با تشکر از گروه عکس شعب اصفهان

و خراسان رضوی ایکننا

ویراستار: مهدیه موحدی فر

حروف چین: مصطفی عسگر

همکاران این شماره:

فاطمه یختبازی خواه، زهرا ابرجی

مریم روزبیهانی، وهاب خدابخش

یاسر مختاری، محمد ضیائی

مجتبی اصغری

با تشکر از همکاران شعبه اصفهان ایکننا

این شماره از رایحه

خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکننا)

به سفارش بنیاد خیریه راهبری آلاء

منتشر شده است.

روایتی از تلافی امید و پلاس برای دوست و دشمن

روز وداع باشکوه با «حاج شیخ مهدی»

بیکر مطهر مرد نباش و خدمت، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری ۲۳ دی ماه ۱۳۹۶ بر دوش انبوه مردمان سرزمین زاینده رود تشییع شد و در گلستان شهدای تخت فولاد جایی که سال‌ها محل برگزاری مجالس دعای ایشان بود آرام گرفت. حجت الاسلام والمسلمین حاج علی دایم، نوه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، درباره تشییع بیکر ایشان و ترس‌هایی که می‌توان از آن گرفت بر ایمان سخن گفت.

یکی از دستورات اسلام، شرکت افراد در تشییع جنازه است و برای این عمل، نواب زبانی در نظر گرفته شده، مثلاً در احادیث هست که انسان وقتی در تشییع جنازه شرکت می‌کند، همه گناهان او آمرزیده و توفیق شفاعت کردن در قیامت به او داده

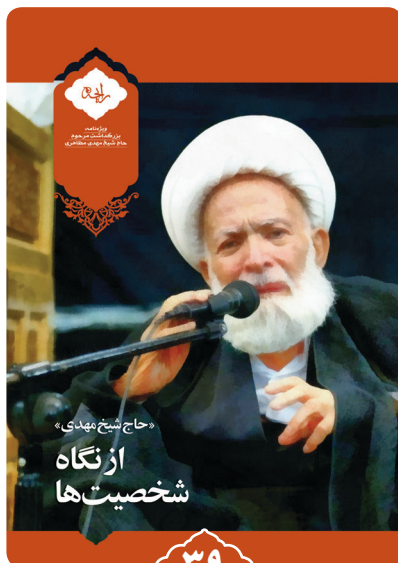
به واسطه آن مشنه کردند. اصفاً تشییع جنازه موجب تنبه است، رنگ پیدایش و درس اخلاق است و جامعه و مردمی که در تشییع جنازه شرکت کنند، مسلمانان نورانیت بیشتری بر خودار می‌شوند. خصوصاً اگر عالمی از دنیا برود، بسیار بجاست که از او در تشییع جنازه اکرام شود چون در اسلام بسیار به احترام و احترام دادن عالم تأکید شده است و وقتی عالمی از دنیایی رود اگر اثر ادر تشییع جنازه او شرکت کنند، به چند هدف می‌رسد، یک هدف، تشییع جنازه است که در اسلام به آن سفارش شده و هدف مهم‌تر از آن، تکریم عالم است که باز هم در اسلام به آن یاد سفارش شده است. الحمد لله تشییع بیکر مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در اصفهان بسیار با عظمت برگزار شد و وجود پربرکت و با معنویت ایشان حتی بعد از مرگ هم برای مردم اصفهان نورانیت ایجاد کرد. افراد بسیار زیادی در تشییع جنازه ایشان شرکت کردند و خیابان‌هایی که در مسیر

حرکت تشییع بیکر ایشان قرار داشت موقتاً بسته شد.

نماز میت مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری را آیت‌الله العظمی حاج شیخ حسین مظاهری، رئیس حوزه علمیه اصفهان، اقامه کردند. سپس تشییع جنازه آغاز شد که مسیر آن چندین کیلومتر بود یعنی جمعیت بسیار زیادی از «مسجد سید» در خیابان مسجد سید اصفهان به حرکت درآمد و خود را پس از چند ساعت با پای پیاده به گلستان شهدا رساند. پیمون چنین مسافتی برای مردم خصوصاً پیران، زنان و کودکان سخت بود اما با این حال، به صورت باشکوهی در تشییع جنازه شرکت کردند و روزی به باماندنی را برای اصفهان رقم زدند. تشییع بیکر ایشان مردم را به یاد مجالس دعای با معنویتشان می‌انداخت طبیعی بود که عشق مردم به آن مجالس معنوی باعث شد که سختی پیمون مسیر با پای پیاده را تحمل کنند و حضوری با عظمت در تشییع جنازه

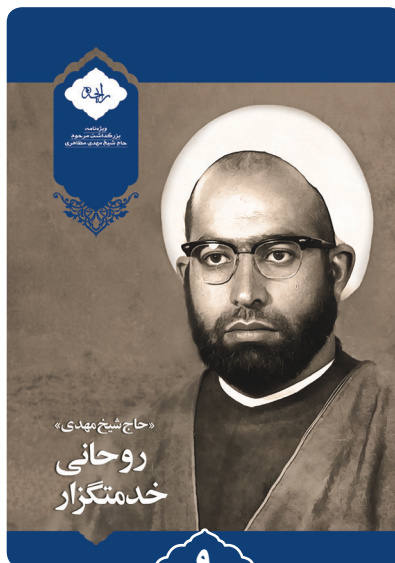


از نگاه شخصیت‌ها



۳۹

روحانی خدمتگزار



۹



۴۶



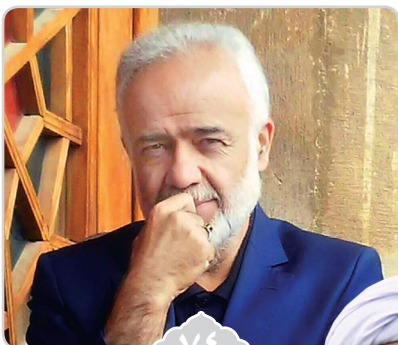
۲۲



۵۲



۵۰



۷۴



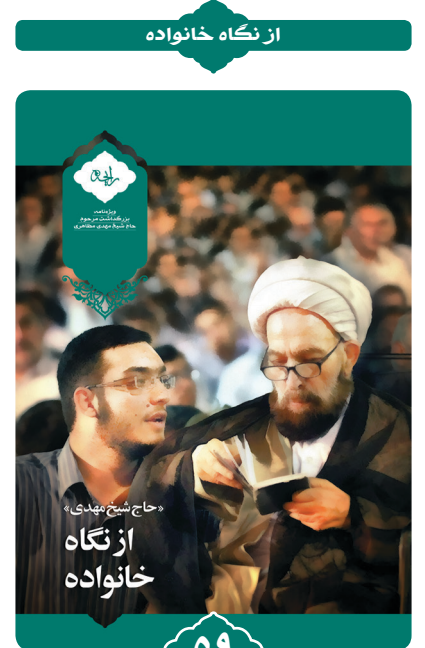
۵۸



۴۸



۵۲



۵۹

یگویند که مردم باید راه این مرد خدا را با دعا، مناجات و خدمت به مردم ادامه دهند. از طرف دیگر، طلاب و علما هم از ایشان الگو بگیرند و در کنار طلب علم و ترویج معنویت، خدمات مردمی هم داشته باشند.

مجالس ختم و تشییع پیکر ایشان برای دشمنان مایوس کننده بود. زیرا ایشان داد که هنوز بحمدالله علمای راستین در بین مردم محبوب هستند و مردم علمای راستین و عامل به دستور قرآن و اهل بیت(ع) را دوست دارند و دشمنان چنین چیزی را نمی خواهند. دشمنان می خواهند میان مردم و علما فاصله بیندازند و القا کنند که روحانیت محبوبیت خود را از دست داده است. از طرفی همان ناظر که روز تشییع و تدفین ایشان برای دشمنان، روز یاس و تأمیدی بود، برای دوستان روز امید و نشاط معنوی بود. دوستان را این از آنکه جامعه ما هنوز علاقه مند به معنویت و علمای دین هستند، خشنود شدند و شکر خداوند را بجا می آوردند.

۴۴

مجالس ختم و تشییع پیکر ایشان برای دشمنان مایوس کننده بود. زیرا ایشان داد که هنوز بحمدالله علمای راستین در بین مردم محبوب هستند و مردم علمای راستین و عامل به دستور قرآن و اهل بیت(ع) را دوست دارند و دشمنان چنین چیزی را نمی خواهند. دشمنان می خواهند میان مردم و علما فاصله بیندازند و القا کنند که روحانیت محبوبیت خود را از دست داده است. از طرفی همان ناظر که روز تشییع و تدفین ایشان برای دشمنان، روز یاس و تأمیدی بود، برای دوستان روز امید و نشاط معنوی بود. دوستان را این از آنکه جامعه ما هنوز علاقه مند به معنویت و علمای دین هستند، خشنود شدند و شکر خداوند را بجا می آوردند.

است. همانند مجالس ختم ایشان هم باشکوه بود. مجالس تجلیه و تجدید خاطره با مجالس معنوی دعا و عظم حاج شیخ مهدی مظاهری بود و طلاب جوان از آن شخصیت ارزشمند الگوبرگیزی کردند. در شهرهای مختلفی از جمله مشهد، قم، تهران، اهواز و بعضی از شهرهای اطراف اسفهان مراسم ختم برای مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری برگزار شد که پرشور و با عظمت بود و علاوه بر حضور آحاد مردم، شخصیت های کشوری لشکری هم عاشقانه در آن شرکت کردند. بسیاری از علما و مراجع معظم تقلید در مجلس ختمی که در مسجد اعظم قم برای ایشان گرفته شد، شرکت کردند و یاد ایشان را گرامی داشتند. این در حالی است که برای مجلس ختم در مسجد اعظم قم، اولین شکوهی، معمولاً تنها برای مراجع تقلید، سابقه داشته است. در حقیقت، مراجع معظم تقلید با حضور خود خواستند

از نگاه خانواده



«حاج شیخ مهدی»
از نگاه
خانواده

۱۳۳۷.ش

برنامه ریزی برای کمک به
شیعیان لبنان و آغاز تحت نظر
قرار گرفتن از سوی ساواک و
در ادامه، فعالیت های انقلابی و
مبارزه با رژیم شاه

۱۳۲۵.ش

فراغت از دروس دبستانی و ورود
به حوزه های علمیه اصفهان و قم
پهره مندی از دروس آیات:
حاج شیخ محمد حسن نجف
آبادی، حاج شیخ عباسعلی
ادب، حاج شیخ علی مشکینی،
سید محمد باقر سلطانی
طباطبایی و...

۱۳۱۰.ش

تولد در خانواده ای مذهبی،
عالم و ساده ز یست در شهر
اصفهان، رشد و نمود در
سایه پدرشان حاج شیخ
محمد حسین کرونی و برادر
بزرگترشان، حاج آقا رضا
مظاهری

۱۳۳۰.ش

حفظ دعای کمیل و آغاز
جلسات عمومی قرائت این
دعا و سه سال بعد، آغاز
جلسات قرائت دعای ابو حمزه
و ترویج فعالیت های اجتماعی
در حاشیه این جلسات

تأسیس انجمن صرع با توصیه
دکتر اعتمادی فرو در ادامه،
تأسیس انجمن خیریه بیماران
ام اس و پایه گذاری مرکز
آموزشی، تحقیقاتی و درمانی
ام اس اصفهان

ارتحال در شب جمعه، شامگاه
۲۱ دی ماه پس از تحمل سال ها
بیماری و داغ همسر و فرزند
و سرانجام، دفن در گلستان
شهدای اصفهان به درخواست
برخی خانواده های شهدا

۱۳۸۳.ش

تأسیس بنیاد خیریه
راهبری آلاء با پنج مرکز
تخصصی: کنترل و
پیشگیری از سرطان (مکسا)،
پرورش و استعداد سلاله،
جامعه المرفعی مددکاری
کوثر و آستان مقدس حضرت
زینب بنت موسی بن جعفر (ع)

۱۳۹۶.ش

تأسیس دارالقرآن الکریم با
بیش از ۱۵۰ شعبه و هشت
مدرسه در سطح استان
اصفهان و در ادامه، پایه گذاری
دانشگاه معارف قرآن و عترت
و سال ها ریاست بر آن

۱۳۶۷.ش

۱۳۸۸.ش

ویژه نامه بزرگداشت
مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری

ش. ۱۳۴۴ هـ

مشارکت در تأسیس مدرسه
اسلامی احمدیه بامحوریت
جمعی از علما و خیران از جمله
مرحوم آیت الله خادمی

ش. ۱۳۴۸ هـ

تأسیس مؤسسه آموزشی
ابابصیر برای کمک آموزشی،
مالی و فرهنگی به نایبانیان
باهمراهی جمعی از علما
و خیرین از جمله مرحوم
آیت الله شمس آبادی

ش. ۱۳۴۹ هـ

تأسیس انجمن مددکاری امام
زمان (عج) به پیشنهادایی
حضرت آیت الله خامنه ای
باهمراهی جمعی از علما
و خیرین از جمله مرحوم
آیت الله شمس آبادی

ش. ۱۳۵۷ هـ

بازداشت و حبس در
زندانی های ستم شاهی به
جهت حمایت از نهضت
امام خمینی (ره) و پرورش
نبروهای انقلابی

تأسیس مؤسسه همیاری
جهیزیه صاحب الزمان (عج)
به همراهی جمعی از علما
و خیران به منظور کمک به
دختران نیازمند به جهیزیه

ش. ۱۳۵۸ هـ

آغاز سال ها حمایت مادی
و معنوی از جبهه های دفاع
مقدس از طریق جمع آوری
کمک های مالی در جلسات
دعاخوانی و تشویق برای
حضور جوانان در جبهه

ش. ۱۳۵۹ هـ



زمزمه های خورشید

خاک زر خیز اصفهان همانند گوشه گوشه تربت پاک ایران مزین به قدوم اوتاد است و آسمان پرستاره اش، ستارگانی دنباله دار دارد، «حاج شیخ مهدی مظاهری» یکی از این ستاره هاست که دنباله خدماتش، پهنه تاریخ اصفهان را در بر خواهد گرفت. مردی الهی اما آنچنان ساده و صمیمی و آنقدر از جنس زندگی که می توانی به راحتی روحی افلاکی را در کالبد پاک خاکی اش ببینی.

مردی از جنس مردم، در بین آن ها و با خودشان. عاشقی که زمزمه های خورشید را تجسمی زمینی داد و به تبعیت از مولا و مقتدای خود امیرالمؤمنین علی (ع) که ابوتراب بود بر خاک، همان زمین های خاکی تخت فولاد، می نشست و پیام انبیاء و اولیاء را که آسمانی ترین حرف های عالم هستند، برای مردمان زمین نقل می کرد. به روایت خود، عهد پدر با اباعبدالله الحسین (ع) به این مرتبه اش رسانده و عشقی ناب راهنمای دلش شده بود.

اولین دعای کمیل را با همراهانی که شاید به عدد انگشتان دست نیز نمی رسید آغاز کرد، سخنش سوز دل داشت و زود بر دل ها می نشست و روزگاری رسید که هزاران عاشق مشتاق، زمزمه گریه امون خورشید وجودش شدند. از مسجد آقا سید محمود و زمین های خاکی تخت فولاد اصفهان، تا صحرای عرفات و منا، چه صاحب دلانی که به نوای او دل باختند و چه جوانان بسیاری که بابرکت وجود او به صراط مستقیم هدایت شدند.

روایتگر کمیل و ابوحزمه ثمالی، پس از رصد احوال مردم و نیازهای جامعه، پای به

عرصه خدمات عملی، اجتماعی و فرهنگی گذاشت؛ با مشارکت در تأسیس مدرسه احمدیه، کودکان و نوجوانان اصفهانی را به دنیای علم و دین پیوند داد و با تأسیس مؤسسه آموزشی ابابصیر، دست مبلغان اجنبی را از سر روشن دلان کوتاه کرد. با تأسیس انجمن مددکاری امام زمان (عج)، بر سر کودکان یتیم اصفهان دست محبت کشید شد و با ایجاد مؤسسه همیاری جهیزیه صاحب الزمان (عج) امیدی برای خوشبختی جوانان نیازمند دم بخت پدید آورد. جلسات دعایش را به کانونی برای حمایت از جبهه های نبرد حق علیه باطل تبدیل کرد و بزرگترین مجموعه قرآنی اصفهان را با تأسیس دارالقرآن الکریم و دانشگاه معارف قرآن و عترت پدید آورد.

به دستی انجمن خیریه کمک به بیماران صرع را پایه گذاری کرد و به دستی دیگر، انجمن خیریه و مرکز درمانی و تحقیقاتی ام اس را. در اواخر عمر محل سکونت خود را به حوزه علمیه حضرت صاحب الامر (عج) تبدیل کرد و با تأسیس بنیاد خیریه راهبری آلاء، خلأ نگاه راهبردی در امور خیر کشور را مرتفع ساخت و تمام این ها به جز ده ها مسجد و مدرسه و حسینیه و بیمارستانی است که مراحل ساخت و بازسازی آن ها را به همراهی خود مردم انجام داد.

این عالم ربانی، شامگاه ۲۱ دی ماه سال ۱۳۹۶ دعوت حق را لبیک گفت و به دیدار معبود شتافت. این روزها که به سالگرد عروجش نزدیک می شویم زمزمه هایش، زمزمه هایی از جنس خورشید وجودش، هنوز گرمابخش وجودمان هست.

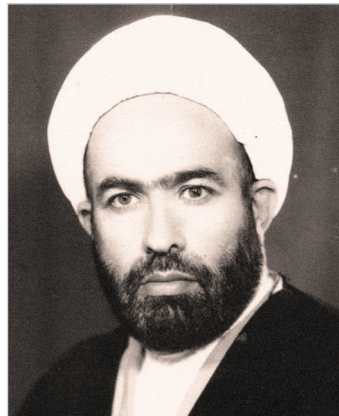
سوره

ویژه‌نامه
بزرگداشت مرحوم
حاج شیخ مهدی مظاهری



«حاج شیخ مهدی»

روحانی
خدمتگزار



مروری بر زندگانی حاج شیخ مهدی مظاهری

روایت علم و عمل

در زندگانی تمام مردان خدا، علم و عمل حرف اول را می زند؛ حاج شیخ مهدی مظاهری نیز که به گواه مردمان، علما و بزرگان یکی از انسان های الهی و اوتاد روزگار ما بود، از این قاعده مستثنا نیست. زندگی ایشان مشحون از خدمات گسترده و مردم داری و انسان سازی بود که همگی در پر تو صبر و استقامت او در راه خدا حاصل شد، مروری بر زندگانی این مرد، روایتی از هم نشینی مبارک علم و عمل است که در شخصیت حاج شیخ مهدی مظاهری گرد آمده بود.

پس حاج شیخ مهدی مظاهری به یکی از یاران حلقه اول و حواریون آیت الله شمس آبادی (که نماینده آیت الله العظمی خوئی در اصفهان بود) تبدیل شدند.

حاج شیخ مهدی مظاهری در سال ۱۳۳۰ ظرف شش روز دعای کمیل را حفظ کردند و در مسجد آقا سید محمود امام (مسجد عساری)، اولین دعای کمیل خود را با حدود هفت هشت نفر از حفظ خواندند. بعد از مدت کوتاهی به علت استقبال زیاد مردم، مکان دعا به مسجد سلام منتقل شد. ایشان در حدود سال ۱۳۳۳ قرائت دعای ابو حمزه ثمالی را به صورت عمومی آغاز کردند. بعد از مدتی حاج شیخ مهدی، تکیه کوهی در تخت فولاد را برای برگزاری مراسم دعای کمیل انتخاب کردند، در حالی که هیچ امکاناتی نداشتند و مردم روی خاک می نشستند. اما کم کم به جایی رسید که چندین هزار نفر در نیمه های شب جمعه در این مراسم شرکت می کردند. بعد از انقلاب مراسم

حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، اولین چهره ماندگار تبلیغ اصفهان، در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در یک خانواده روحانی ساده زیست چشم به دنیا گشودند. پدرشان، حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حسین کُرّونی، از روحانیون محترم و زاهد و استاد فقه و اخلاق در محله مسجد سید اصفهان بودند. حاج شیخ مهدی مظاهری پس از فراغت از تحصیلات دبستانی در سال ۱۳۲۵ تحصیلات حوزوی را در اصفهان آغاز کردند. از جمله اساتید ایشان در آن برهه می توان به حضرات آیات: حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، حاج شیخ عباس علی ادیب و حاج شیخ علی مشکات اشاره کرد. حاج شیخ مهدی مظاهری در سال ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل حوزوی به شهر مقدس قم رفتند و از دروس آیت الله علی مشکینی و آیت الله سلطانی طباطبایی بهره بردند. ایشان پس از بازگشت از قم در درس مرحوم آیت الله شمس آبادی شرکت کردند. از آن



حاج شیخ

مهدی

مظاهری در

سال ۱۳۳۰

ظرف شش روز

دعای کمیل را

حفظ کردند و

در مسجد آقا

سید محمود

امام (مسجد

عساری)، اولین

دعای کمیل

خود را با حدود

هفت هشت

نفر از حفظ

خواندند

دعای کمیل به مسجد جامع اصفهان منتقل شد که همچنان پس از سال ها ادامه دارد. به گفته بعضی شرکت کنندگان، بعضی از شب های ماه مبارک رمضان که دعای ابو حمزه از سوی حاج شیخ مهدی مظاهری در مسجد جامع قرائت می شد، حدود صد هزار نفر در شبستان ها و خیابان های اطراف حاضر می شدند. ایشان خود در خاطراتشان درباره دعاخوانی گفته بودند: «آن زمان خواندن دعای کمیل مرسوم بود و افراد زیادی بودند که در شهر اصفهان مراسم دعا را برگزار می کردند. دعای ابو حمزه هم در ماه مبارک رمضان به صورت محدود، مثلاً هفته ای یک یا دو بار برگزار می شد، ولی ما شروع کردیم هر ۳۰ شب ماه رمضان مراسم دعا را برگزار می کردیم و هر شب همه دعا خوانده می شد و جلسات بسیار با معنویت برگزار می شد. بسیاری از افراد بودند که در این جلسات مسیر زندگی شان عوض شد و متحول شدند. مثلاً اول انقلاب جوانی نامه ای به من داد

جلسات حاصل می شد اضافه کرد. از جمله آنکه در حاشیه دعای ندبه و در سال ۱۳۵۷ هسته اولیه تشکیل مؤسسه همیاری جهیزیه صاحب الزمان (عج) به همت حاج شیخ مهدی تشکیل شد. ایشان همچنین از دوران جوانی نسبت به حج تمتع اهتمام داشتند و در طول ۳۰ سفر حج خود از ظرفیت آن برای هدایت و تنبه انسان ها، جلب مشارکت خیران به نفع محرومان استفاده می کردند. هنوز هم افراد زیادی از خاطرات شیرین و معنوی دعاخوانی حاج شیخ مهدی که در مسجد الحرام و سرزمین عرفات برگزار می شد یاد می کنند، از جمله اینکه می گویند محدوده چادر کاروان ایشان در شب و روز عرفه جای سوزن انداختن نداشت، چرا که بسیاری از زائران از کاروان های دیگر خود را به آن محدوده می رساندند.

حاج شیخ مهدی مظاهری در کنار مبارزات خود با جریان های انحرافی مثل بهائیت و صوفی گری، از حامیان اصلی نهضت امام خمینی (ره) در اصفهان بودند. اسناد ساواک نشان می دهد حتی چند سال پیش از قیام ۱۵ خرداد، از حدود سال ۱۳۳۸ شمسی در دایره اطلاعاتی ساواک قرار گرفتند و چندین بار احضار و مدتی ممنوع المنبر و از کشور ممنوع الخروج شدند. ایشان در سال ۱۳۵۷ بازداشت شدند و مدتی را در زندان رژیم ستم شاهی سپری کردند. در برخی از اسناد ساواک، نام ایشان به عنوان یکی از افراد اصلی روحانیت انقلابی در اصفهان قید شده است. حاج شیخ مهدی در نخستین ماه های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به همراه جمعی از اعضای مؤسسه ابابصیر به دیدار امام خمینی (ره) در قم شتافتند و با مراد و مقتدای خود دیدار کردند. ایشان در دوران جنگ تحمیلی، یکی از بزرگترین مشوقان مردم اصفهان برای حمایت از جبهه ها بودند، آن گونه که کمک های مالی فراوان و اعزام بسیاری از جوانان به جبهه ها در جلسات وعظ و دعاخوانی حاج شیخ مهدی انجام می گرفت.

حاج شیخ مهدی مظاهری از دوران طلبگی، ارادت وافری به مرحوم آیت الله شمس آبادی داشتند و ایشان را مدافع حریم ولایت می دانستند. حاج شیخ مهدی پس از شهادت ناجوانمردانه ایشان، همواره یاد آن شخصیت



با علما و خیران رایزنی می کردند. فقدان اراده حاکمیت وقت برای کمک به نابینایان، بی توجهی مردم (حتی بسیاری از متدینان) به وضعیت نابینایان و تلاش گروه های تبلیغی مسیحی برای کمک غرض ورزانه به نابینایان، حاج شیخ مهدی مظاهری را به این اقدام واداشته بود. سرانجام تلاش های ایشان و تعدادی از علما و خیران با حمایت آیت الله شمس آبادی به بار نشست و مؤسسه آموزشی ابابصیر، در سال ۱۳۴۸ برای کمک به نابینایان در اصفهان تأسیس شد. همین گروه یک سال بعد با همت حاج شیخ مهدی، انجمن مددکاری امام زمان (عج) ویژه کمک به ایتم را تأسیس کرد. حاج شیخ مهدی مظاهری از اوایل دهه ۵۰ شمسی قرائت عمومی دعای ندبه را نیز آغاز کردند و گامی جدید در احیای فرهنگ دعاخوانی برداشتند. اضافه شدن مراسم دعای ندبه به جلسات دعاخوانی حاج شیخ مهدی، بر ظرفیت خدمات اجتماعی که در پرتو این

و گفت من و دوستانم کمونیست شده بودیم اما وقتی در جلسات دعای شما شرکت کردیم، از مسیر غلظمان دست برداشتیم. بسیاری از افراد بودند که دچار انحرافات فکری، اخلاقی و... شده بودند و به فیض جلسات دعا به راه راست هدایت شدند.»

حاج شیخ مهدی مظاهری خیلی زود از فرصت دعاخوانی و محافل پر جمعیت دعای کامل و ابو حمزه برای فعالیت های خیر و خدمات اجتماعی استفاده کردند. در اواسط دهه ۴۰ شمسی عده ای از علما و خیران اصفهان با محوریت مرحوم آیت الله خادمی تصمیم به احداث مدرسه ای با شاخصه های اسلامی گرفتند تا در فضای طاغوت بتوانند سبک زندگی دینی را برای دانش آموزان نهادینه کنند. حاج شیخ مهدی مظاهری در تأسیس این مدرسه، که «احمدیه» نام گرفت، نقش محوری داشتند. در همان سال ها حاج شیخ مهدی برای تأسیس مرکزی به منظور آموزش به نابینایان



**حاج شیخ
مهدی
مظاهری در
کنار مبارزات
خود با
جریان های
انحرافی مثل
بهائیت و
صوفی گری، از
حامیان اصلی
نهضت امام
خمینی (ره) در
اصفهان بودند**

یکی از واپسین خدمات اجتماعی حاج شیخ مهدی تأسیس بنیاد خیریه راهبری آلاء در سال ۱۳۸۸ بود که اکنون به مجموعه‌ای سترگ تبدیل شده است. مشارکت در ساخت و بازسازی ده‌ها مدرسه، بیمارستان، مسجد و حسینیه در استان اصفهان و برخی شهرهای کشور از دیگر خدمات ایشان است.

حاج شیخ مهدی مظاهری، که برای سال‌های متمادی در عرصه وعظ و خطابه و دعا و مناجات و خدمات اجتماعی توفیقات فراوانی داشتند و شخصیتی منحصر به فرد در این عرصه‌ها محسوب می‌شدند، در سال ۱۳۸۹ به عنوان «چهره ماندگار تبلیغ» در استان اصفهان معرفی شدند و در همایش‌هایی مجزا و با عظمت در مدرسه‌های «فیضیه» و «دارالشفاء» قم مورد تجلیل قرار گرفتند.

ایشان ۱۵ سال پایانی عمر بابرکت خود را به تحمل بیماری حرکتی گذراندند، به گونه‌ای که رفته‌رفته قدرت حرکت و سرانجام تکلم ایشان، که زبان گویای اسلام در اصفهان محسوب می‌شد، سخت شد. همچنین وفات ناگهانی حاج محمد محسن مظاهری، فرزند ارشد ایشان، در سال ۱۳۹۴ آزمونی دیگر برای این مرد بزرگ بود که ایوب‌وار در مقابل سختی‌های روزگار صبر داشت. این عالم خدوم سرانجام پس از عمری مجاهدت، در شب جمعه به تاریخ ۲۱ دی‌ماه ۱۳۹۶ در یکی از بیمارستان‌های اصفهان دعوت حق را بلیک و به دیار باقی شتافتند.

ایشان در یکی از مصاحبه‌هایشان به اختصار درباره زندگی خود بیان کرده‌اند: «براساس آنچه در شناسنامه من ذکر شده است در سال ۱۳۱۰ در خانه یک روحانی ساده‌زیست و متدین که عموم مردم اصفهان در آن زمان، ایشان را به نیکی یاد می‌کردند به نام شیخ محمدحسین کرونی به دنیا آمدم. پدر من از علمای زمان خود بودند و در اصفهان تدریس می‌کردند، هم امام جماعت بودند و هم گاهی برای مردم سخنرانی می‌کردند. جد پدری من مرحوم شیخ ملا میرزا یکی از اوتاد و علمای خوب منطقه کرون بودند. عموی من مرحوم حاج میرزا حسن شریعتی از شاگردان ارزشمند میرزا هاشم خوانساری (برادر آیت‌الله میرزا محمد باقر؛ صاحب روضات) بودند و از ایشان اجازه اجتهاد داشتند که در اصفهان تحصیل کردند و بعد در کرون مقیم شدند. ما



▲ از راست حجج الاسلام شیخ حسین یزدی، شیخ مهدی مظاهری، شیخ رضا یزدی



▲ از چپ به راست حجج الاسلام و آیات شیخ مهدی مظاهری، حاج آقا کمال فقیه ایمانی، شهید دکتر بهشتی، حسین خادمی



▲ سید محمدحسین طباطبایی در کنار حاج شیخ مهدی مظاهری

حاج شیخ
مهدی مظاهری
در امتداد
خدمات
اجتماعی خود،
در سال ۱۳۶۷
دارالقرآن
اصفهان را
پایه‌گذاری
کردند و در سال
۱۳۷۰ هسته
اولیه دانشگاه
قرآن را تشکیل
دادند

و عترت اصفهان شد. حاج شیخ مهدی در اوائل دهه ۸۰ انجمن خیریه کمک به بیماران ام‌اس را پایه‌گذاری کردند که چند سال بعد از آن منجر به تأسیس مرکز درمانی و تحقیقاتی ام‌اس نیز شد. ایشان همچنین از اواسط دهه ۸۰ شمسی منزل محل سکونت خود را به حوزه علمیه حضرت صاحب‌الامر (عج) تبدیل و در سال ۸۳ انجمن صرع را راه‌اندازی کردند.

را زنده نگاه می‌داشتند و از عاملان و مسببان حذف ایشان برائت می‌جستند. حاج شیخ مهدی مظاهری در امتداد خدمات اجتماعی خود، در سال ۱۳۶۷ دارالقرآن الکریم اصفهان را پایه‌گذاری کردند و در سال ۱۳۷۰ هسته اولیه دانشگاه قرآن را تشکیل دادند. اقدامی که در اواسط دهه ۷۰ شمسی منجر به ایجاد دانشکده و سپس دانشگاه معارف قرآن



▲ آیت الله شیخ مهدی نجفی در کنار حاج شیخ مهدی مظاهری



▲ ایستاده از راست حجج الاسلام و آیات محمد مظاهری، مشکات، مهدی مظاهری، حسین یزدی، قوام نیا، مستجاب الدعواتی



▲ از راست حجج الاسلام و آیات حاج شیخ مهدی مظاهری، مجتبی بهشتی، زاهد نجفی، مستجاب الدعواتی

دیگری مانند ساخت مساجد و مدرسه را با کمک مردم انجام دادیم که مورد استقبال مردم قرار گرفت. این اواخر، دارالقرآن را راه اندازی کردیم که اکنون در اصفهان ۱۵۰ شعبه دارد، در خارج از اصفهان هم شعبه دارد و خیلی برای مردم و انس مردم با قرآن مفید است. غیر از این ها دانشکده علوم قرآن را درست کردیم که الحمدلله مورد علاقه مردم قرار گرفت.»

فرهنگی و خدماتی انجام می دادم، مثلاً در کنار منبر رفتن تشکیلاتی به نام انجمن مددکاری امام زمان (عج) که چندین هزار یتیم را تحت پوشش قرار می دهد راه اندازی کردیم. مردم کمک کردند و این انجمن را درست کردیم. غیر از انجمن مددکاری، صندوق جهیزیه صاحب الزمان (عج) را برای کمک به نیازمندان در جهیزیه درست کردیم. همچنین کارهای

چهار برادر بودیم و سه خواهر که من فرزند آخر خانواده بودم. برادر اول و بزرگتر به نام حاج آقا مرتضی در کارخانه صنایع، منشی (نویسنده) بودند و برادر دیگر حاج آقا محمد هم مغازه ساعت فروشی داشتند و یکی دیگر از برادرانم حاج آقا رضا مظاهری اهل منبر و محراب بودند. مرحوم آیت الله طیب اصفهانی، صاحب تفسیر اطیب البیان، در همسایگی ما سکونت داشتند و مسجد ایشان (مسجد طیب) در نزدیکی منزل ما بود. پدرم همیشه به بچه ها توصیه می کردند که پای منبر ایشان برویم و می گفتند که بچه ها! پای منبر آقای طیب بروید، من می دانم ایشان چه گوهر گران بها و چه مرد بزرگی است، از نماز شان استفاده کنید و از منبر شان بهره ببرید. در آن زمان تحصیل، هم به صورت مکتب بود و هم مدرسه دولتی و من تحصیلات ابتدایی را در دبستان اقدسیه که یک دبستان دولتی بود به پایان رساندم و پس از آن وارد حوزه شدم. من از منابر علما علاقه مند شدم تا روحانی بشوم. پدرم نیز علاقه داشت ما روحانی بشویم، ولی برخی نزدیکان به خاطر مشکلات آن زمان، موافق این کار نبودند و می گفتند: «توانش را ندارد»، ولی پدرم می گفت من دوست دارم که این بچه نوکر امام حسین (ع) بشود و خدا توان می دهد. ایشان اصرار زیادی داشت که طلبه بشوم لذا با اصرار پدر طلبه شدم و در مدرسه میرزا حسین (جنب مسجدسید) مشغول تحصیل شدم. البته خودم هم دوست داشتم که طلبه باشم و راه پدرم را ادامه بدهم کما اینکه بنده زاده ما نیز علاقه مند شد و در این مسیر قدم گذاشت. در حوزه اصفهان از درس مرحوم آیت الله احمد مقدس که خیلی باسواد بودند، در ادبیات، بهره بردم، ایشان سه رشته معانی بیان، صرف و نحو را در مسجد میرزا باقر تدریس می کردند. شاگردان آقا احمد مقدس از بهترین شاگردان آن زمان بودند. البته از تدریس مرحوم آیت الله حاج آقا حسن مدرس، که اکنون جنب مرحوم علامه مجلسی دفن هستند، مرحوم حاج شیخ محمدحسن نجف آبادی که از علمای ارزشمند و بزرگان بودند و مرحوم آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب نیز کسب علم کردم... من، هم در اصفهان و هم در شهرهای مجاور مثل خمینی شهر و نجف آباد و جاهای دیگر منبر می رفتم و در کنار منبر فعالیت هایی در زمینه

یکی از واپسین خدمات اجتماعی حاج شیخ مهدی تأسیس بنیاد خیریه راهبری الاء در سال ۱۳۸۸ بود که اکنون به مجموعه ای سترگ تبدیل شده است

(روایتی از همنشین همیشگی جلسات دعای «ماج شیخ مهدی»

برکت صدایش گره باز می کرد

با شخصیتی به گفت و گو نشستیم که بیش از سی سال در مجالس دعای حاج شیخ مهدی مظاهری، همراه ایشان به دعاخوانی و ذکر مصیبت اهل بیت (ع) می پرداخت. حاج سیده مهدی هرنیدی، از مداحان مخلص و پیشکسوت اصفهانی است که جوان های خوش صدای امروزی به گرد پایش نمی رسند. از او درباره مرادش، حاج شیخ مهدی، پرسیدیم؛ اینکه چگونه توانست فرهنگ دعاخوانی را احیا کند و در پرتو آن به خدمات گسترده اجتماعی اقدام نماید، بارها چشمانش از اشک پر و خالی شد تا توانستیم این جملات را از ایشان ثبت کنیم.

● از چه زمانی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری را شناختید و با ایشان مأنوس بودید؟

از جوانی، آن ایام ما علاقه مند به جلسات ایشان بودیم، گاه و بی گاه به مساجد و مجالس دعای ایشان مشرف می شدیم و از سبک و سیره ایشان لذت می بردیم. تقریباً از سال ۵۶ یا ۵۷ بود که ایشان شبها در مسجدی که پدرم نماز می خواندند، دعای ابو حمزه بر پا کردند. اسم پدرم، آیت الله حاج سید رضا هرنیدی بود که ماجرای تشریف ایشان به محضر صاحب الزمان (عج) در اصفهان معروف است. من توفیق داشتم که از طفولیت پای منبر بخوانم. خداوند عطیه ای فرموده و لحن خوبی به من داده است. در همان ایام جوانی یک شب مورد لطف آقای مظاهری قرار گرفتم و به من اجازه دادند که چند خط از دعا را کنار ایشان بخوانم. خیلی خوششان آمد و گفتند شبهای دیگر هم بخوانم. بعد از آن همیشه کنارشان بودم و تا زمانی که دعا می خواندند، قسمتی از دعا را من می خواندم.

● ویژگی جلسات دعاخوانی ایشان چه بود که همواره برای مردم گیرایی داشت؟

جلسات دعای ایشان هر شب تازگی داشت، برای اینکه اولاً دعای ابو حمزه، کلام معصوم و فرمایش امام زین العابدین (ع) است. ثانیاً ایشان هر شب از آیات قرآن، احادیث، روایات، اخبار، حکایات و اشعار مناسب در دعای خود استفاده می کردند. همچنین توسلات خیلی جانسوزی داشتند که برای همه تازگی داشت و کلامشان هم نافذ بود. حتی در حالت بکا و توسل هم امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمی کردند. نکته دیگر هم این بود که در دعا واقعاً حال خودشان منقلب می شد. در سجده های نماز هم گاهی گریه می کردند. تغییر حالت ایشان موقع دعا برای خودشان و دیگران محسوس بود. خلاصه اینکه مبلغی حقیقی بودند، هم در عمل و هم در افعال و اقوال.

● به نظر شما چه برکاتی از این جلسات عاید مردم می شد؟

از برکات این جلسات شاید این بود که بیش از صدها جلسه دعای ابو حمزه در ایران راه افتاد، زمانی که ایشان در اصفهان دعای ابو حمزه



خاطره



ابومرزه اینگونه آغاز شد

حاج حسین احمدی از دوستان مرحوم مظاهری می گوید: در حدود سال ۱۳۳۳، قرائت دعای ابو حمزه در منزل پدرم (مرحوم مصطفی احمدی) برگزار می شد و من با حاج آقای مظاهری آشنا شدم. ایشان هفته ای دو شب در ایام ماه مبارک رمضان، مجلس ابو حمزه برگزار می کردند؛ یک شب در مسجد سلام و دیگری شب های جمعه که در منزل ما بود. چهار جمعه ماه مبارک رمضان منزل ما پرمی شد از جمعیتی که برای شرکت در مراسم دعای ابو حمزه می آمدند. خاطرم است که یکی از این روزها، خانه پر از جمعیت بود و جایی برای نشستن نبود و ما از همسایه ها برای اینکه فضای خانه خود را در اختیارمان بگذارند، کمک می گرفتیم. با مشاهده این جمعیت، مرحوم حاج آقای مظاهری از ما خواستند مجلس دعا را از آن به بعد در مسجد سید برگزار کنیم. شب های جمعه در تکیه کوهی (گلستان شهدای فعلی)، دعای کمیل ایشان برپا بود. پدرم خیلی به دعای ابو حمزه و کمیل علاقه مند بود و من را با خود به آنجا می برد. بعدتر با حاج آقای مظاهری برنامه ریزی کردند که صبح های جمعه، مجلس قرائت دعای ندبه برگزار کنند. یکی از توصیه های حاج آقای مظاهری که همواره در ذهنم مانده است این بود که در زمان حیاتتان، ثلث مال خود را صرف اموراتی کنید که ذخیره ای برای آخرتتان باشد.

نداشت. یک شب در خدمت ایشان به زیارت قبور شهدا رفتم و دعای کمیل خواندیم. نیمه های شب دعای ابو حمزه را برای مردم خواندند. صبح جمعه که فرارسید، من راه هیئت خودشان بردند که هیئت صاحب الزمان (عج) نام داشت. ایشان به صاحب الزمان (عج) خیلی ارادت داشتند و هر جا هر چه بنا می کردند، این نام را بر آن می نهادند؛ خلاصه آنجا دعای ندبه خواندند. دعای ندبه که تمام شد از منبر پایین آمدند. با عجله گفتند که باید جای دیگری هم بروم و قول داده ام دعای ندبه بخوانم. امام جمعه شاهین شهر دعوت کرده که یک جمعه بروم، من گفتم بعد از این دعا آنجا می آیم. ساعت ۹ به شاهین شهر، که تقریباً ۲۰ کیلومتری اصفهان است، رسیدیم. ایشان مشغول دعای ندبه شد؛ ایشان این طور کوشا بودند. می خواستند با دعا و مناجات مردم را تکان دهند. برایشان مهم بود که مردم هر چه می توانند با یاد خدا انس بگیرند. از وقت و استراحت خود می زدند تا این رسالت را به انجام برسانند. اگر این همت والا را نداشتند، به این موفقیت ها کمتر می رسیدند. اهتمام زیادی بر سحر خیزی داشتند و یکی از موعظه های همیشگی ایشان این بود که صبح ها زود از خواب برمی خیزید.

● **سحر خیزی برای ایشان در چه درجه ای از اهمیت بود به گفته نزدیکانشان همیشه دو ساعت قبل از اذان صبح بیدار می شدند.**

تا آنجا که می دانیم همین طور بود. بله، ایشان سحر خیز بودند. همین سحر خیزی و عبادت به علاوه خلوص نیتشان باعث شده بود که خداوند توفیقاتی به ایشان دهد که در کمتر کسی سراغ داشتیم. از برکات وجودی ایشان این بود که اغلب کسانی که در هزینه های ساخت یا بازسازی حسینیه ها و مساجد می ماندند، از ایشان کمک می خواستند که در دعایشان پول جمع کنند یا از خیران کمک بخواهند. حتی بعضی برای دعای ابو حمزه ایشان وقت می گرفتند که مأمولاً چه شبی بیاییم تا برای فلان مسجد پول جمع کنیم و ایشان وقت می دادند. یکی از دوستان هست که چنین وقت هایی را برای جلسات حاج آقا تنظیم می کرد. واقعاً حاج آقای مظاهری بیان مسیحایی داشتند. وقتی می گفتند برای فلان مسجد یا حسینیه پول بدهید، همه دست به کار می شدند.

می خواندند شاید جایی دیگر مرسوم نبود یا حداکثر به این صورت بود که در بعضی مساجد تهران قطعه هایی از دعا را می خواندند. به لطف جلسات حاج شیخ مهدی صدها جلسه دعا در شهرستان های اطراف اصفهان، قم، تهران و مشهد رواج پیدا کرد. ایشان در امور عام المنفعه کوشا بودند و از جلسات دعا برای این منظور کمک می گرفتند، مثلاً اهتمام ویژه ای بر ترویج قرآن و تبلیغ قرآن داشتند، ناشر قرآن بودند و خودشان هم در بیان تفسیر ید طولایی داشتند و خیلی روی منبرشان از آیات قرآن استفاده می کردند. به این جهت دارالقرآن را تأسیس کردند. همچنین انجمن مددکاری امام زمان (عج) و یژه کمک به ایتم را بنیان نهادند که فهرست خدمات آن به ایتم محیر العقول است. علاوه بر این، پیشنهاد ایشان بود که به جای فرستادن تاج گل طبیعی به مراسم ختم، پولش به نیازمندان داده شود. مؤسسه ابابصیر هم به همت ایشان تأسیس شد که خدمات زیادی را به نابینایان ارائه می کند. این ها فقط بخشی از خدمات آقای مظاهری است که به برکت جلسات دعاخوانی ایشان انجام گرفت.

● **در سال هایی که کنار حاج شیخ مهدی مظاهری می نشستید و دعا می خواندید چه تأثیری از ایشان گرفتید و چه تغییری در زندگی شما به وجود آمد؟**

خیلی به سبک و سیره ایشان دقت می کردم، حتی گاهی در افعال عمومی شان هم دقت داشتم که چیزی یاد بگیرم؛ وقت برایشان مهم بود، در انجام تمامی فعالیت های روزانه خود جلوگیری از اتلاف زمان را مدنظر داشتند.

● **برنامه عبادی ایشان چگونه بود و چه نکته هایی داشت؟**

ایشان دقت بسیار زیادی در انجام مستحبات در کنار اعمال واجب داشتند. یادم هست شب ۲۳ ماه رمضان — شب قدر — بود. به مرقد امام (ره) دعوت شده بودیم که آنجا دعای ابو حمزه بخوانیم. ایشان تعجیل داشتند که زود برسیم تا قبل از غروب آفتاب غسل مستحبی (به مناسبت شب قدر) انجام دهند. مواظبت می کردند که در این رفت و آمدها مستحبی از ایشان فوت نشود، واقعاً هیچ کس توان ایشان را در برنامه های عبادی



جلسات دعای

ایشان هر شب

تازگی داشت،

برای اینکه اولاً

دعای ابو حمزه،

کلام معصوم و

فرمایش امام

زین العابدین (ع)

است. ثانیاً ایشان

هر شب از آیات

قرآن، احادیث،

روایات، اخبار،

حکایات و اشعار

مناسب در دعای

خود استفاده

می کردند

تأسیس مؤسسه ابابصیر با بصیرت مرحوم مظاهری

همت «حاج شیخ مهدی» برای کمک به نابینایان

سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی و در دوره‌ای که کمتر کسی به وضعیت تحصیلی و معیشتی نابینایان در کشور توجه می‌کرد، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری پیشگام ایجاد مؤسسه‌ای برای حمایت از نابینایان در اصفهان شد و عده‌زادی از علما و خیران را در این مسیر با خود همراه کرد. این مؤسسه به یاد یکی از شاگردان مؤمن و نابینای حضرت امام صادق (ع)، ابابصیر نامگذاری شد. با محمدحسین بصیری، عضو هیئت مدیره و مدیرعامل فعلی مؤسسه ابابصیر، به گفت و گو پرداختیم و از فراز و نشیب فعالیت‌های این مجموعه پرسیدیم.

● مؤسسه آموزشی ابابصیر چه سالی تأسیس شد و نقش مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در آن چه بود؟

ابابصیر در سال ۱۳۴۸ تأسیس شد. در آن سال‌ها اقدامات مشکوکی از سوی خارجی‌ها برای نابینایان شهرمان انجام می‌شد، یعنی ضمن حمایت از آن‌ها در کنار خدمات آموزشی، آیین مسیحیت هم تبلیغ می‌کردند تا بعداً در راه مقاصد خود از آنان استفاده کنند. حاج شیخ مهدی مظاهری یکی دو سال به صورت جدی در این خصوص با علمای بزرگ اصفهان در تعامل و رایزنی بود و از بین مردم مؤمن و توانمند و همچنین از قشر تحصیلکرده افرادی را در این خصوص گلچین کرده بود و هر بار هم یک نفر جدیدی را انتخاب می‌کرد که با هم به این موضوع رسیدگی کنند. در سال‌های ۴۶ و ۴۷ نشست‌هایی به صورت هفتگی با آن‌ها برگزار می‌کرد تا نهایتاً به این نتیجه رسید که باید اقدامی اساسی انجام بدهند. همزمان با این جریان‌ها شهید دکتر بهشتی، که مسئول مرکز اسلامی هامبورگ بودند، یک شماره از نشریه آلمانی را که فکر می‌کنم مجله «شپیگل» بود برای یکی دو نفر از علمای تراز اول اصفهان می‌فرستند تا شیعیان را از تهمت مندرج در آن آگاه کنند، چون در این نشریه عکسی وجود داشت که زیر آن نوشته بود: «روز عید فطر است و مردم در حال برگزاری نماز عید فطر در میدان نقش جهان و مسجد امام اصفهان هستند و این در حالی است که در کنار آن‌ها دو فرد نابینا در حال گدایی هستند!» و در ادامه نوشته شده بود: «این‌ها فرق‌های به نام شیعه هستند که جشن عبادت روزهداری خود را گرفته‌اند، اما به این نابینایان کمک نمی‌کنند چرا که معتقدند این مشیت الهی است که آن‌ها نابینا شده‌اند و اگر ما به آن‌ها کمک کنیم در مشیت الهی دخالت کرده‌ایم و آن را گناه می‌دانند؛ اما آخرین مسیحی کشورهای اروپایی برای این افراد فعالیت می‌کنند و سواد و حرفه یادشان می‌دهند تا از این فلاکت در بیایند.»

این حرف، که شیعیان کمک به نابینایان را خلاف مشیت الهی می‌دانند، دروغ بزرگی بود که باعث شد روند همدلی و همکاری علمای اصفهان برای تأسیس مدرسه نابینایان تسریع شود. لذا در سال ۱۳۴۸ آئین‌نامه تشکیل مدرسه و ثبت رسمی مؤسسه خیریه آموزشی ابابصیر با هدف آموزش تحصیلی به نابینایان و کم‌بینایان به امضای شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله شهید شمس آبادی و مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به عنوان هیئت مؤسس رسید.

البته همزمان با این جریان‌ها، در وزارت آموزش و پرورش نیز معاونتی با عنوان معاونت آموزش استثنائی برای معلولان شکل گرفت که بادر اختیار گذاشتن معلمان ورزیده، کتب با خط بریل و ابزارهای کمک آموزشی ابابصیر را یاری کردند.

● **اولین مدیر اجرایی مؤسسه چه کسی بود؟**
آقای مهدی اقارب‌پرست، اولین مدیر مجموعه، بودند. وزارت آموزش و پرورش برای تقویت مدیریت مدرسه ابابصیر، ایشان را پس از مصاحبه و گرفتن تست زبان انگلیسی برای گذراندن دوره تخصصی آموزش به نابینایان به مدت یک سال به دانشگاه بیرمنگام انگلستان فرستاد و بعد از بازگشت حکم مدیریتی ایشان را صادر کرد. اعضای هیئت مدیره نیز مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری را به عنوان رئیس هیئت مدیره و مرحوم حاج محمد بصیری (ابوی بنده) را به عنوان اولین مدیرعامل خیریه انتخاب کردند. همان سال ۴۸ مدرسه ابابصیر برای دانش‌آموزان نابینا آغاز به کار کرد. یکی از اولین دانش‌آموختگان مدرسه ابابصیر آقای حاج مهدی منصوری، مداح کم‌بینا و معروف کشورمان، است.

● **چه خدماتی به اعضای مؤسسه ارائه می‌شود؟**
تا سال ۱۳۸۸ فعالیت‌های مؤسسه بر داشتن مدرسه متمرکز بود، اما به علت تغییرات بنیادی و بین‌المللی که در نظام آموزش نابینایان انجام گرفت، مدرسه ابابصیر تعطیل شد؛ بنابراین دانش‌آموزان دختر و پسر آن به مدارس عادی رفتند و آن‌هایی که معلولیت بیشتری داشتند به مدارس خاصی رفتند که اداره آموزش و پرورش اصفهان آن‌ها اداره می‌کند. اینک ابابصیر بیش از ۹۰۰ نفر مددجوی نابینای تحت پوشش دارد. فعالیت‌های ۱۰ سال اخیر مؤسسه ابابصیر در چهار بخش متمرکز شده است: کمیته اول مددکاری نام دارد که به فراهم کردن وسایل کمک آموزشی ویژه نابینایان، تأمین وسایل ضروری زندگی و ارائه مشاوره و در صورت لزوم، پرداخت وام قرض‌الحسنه مبادرت می‌ورزد. کمیته دوم، پزشکی است که اجرای طرح پایش سلامت چشم مددجویان از معاینه تادرمان و تأمین هزینه‌های دارویی و سایر خدمات پزشکی نابینایان نیازمند تحت پوشش را برعهده دارد. کمیته سوم، آموزشی، فرهنگی و ورزشی است که به برگزاری کلاس‌های آموزشی (در زمینه‌های احکام، قرآن، بهداشت فردی و...)، تشکیل باشگاه ورزشی و برگزاری مسابقات ورزشی تخصصی

نابینایان و معلولان اقدام می‌کند و گاه بعد از اتمام هر دوره آموزشی، اردوی یک روزه تفریحی داریم. معمولاً هر چند هفته یکبار با حمایت مالی بانین خیر، افرادی از بین نابینایان برای زیارت حضرت معصومه (س) و مسجد جمکران و سالی یک بار حدود بیست نفر از مددجویان در نیمه‌شعبان برای زیارت حضرت امام رضا (ع) به مشهد مقدس اعزام می‌شوند. همچنین کتابخانه بریل با بیش از هزار عنوان کتاب در محل مؤسسه در اختیار نابینایان قرار دارد. کمیته چهارم، اشتغال است. ابابصیر برای مددجویان خود دوره‌های آموزش قالی‌بافی، قلاب‌بافی، بافت گلیم و گلیم‌فرش و گبه‌بافی، عروسک‌بافی، خیاطی، آشپزی، سفره‌آرایی، ماساژ و... را زیر نظر اساتید مجرب برگزار می‌کند و برای فروش محصولات تولیدشده مددجویان بازاریابی نیز انجام می‌دهد.

● نقش مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در رشد و توسعه فعالیت‌های این مجموعه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مرحوم مظاهری همواره حضور فعال و نقش مؤثری در ابابصیر داشتند و شاید بتوان گفت که ایشان همانند نخ یک تسبیح، هیئت‌مدیره ابابصیر را حفظ می‌کردند. ایشان به واسطه افراد زیادی که می‌شناختند و روابط عمومی خوبی که با مردم اصفهان داشتند، همواره حلقه تعداد خیران و حامیان ابابصیر را بزرگ و بزرگتر کردند. ایشان سالیان متممادی تا پایان عمر ریاست هیئت‌مدیره مؤسسه را عهده‌دار بودند و همواره نسبت به این مجموعه دغدغه داشتند.

● چه نکته اخلاقی از ایشان برای شما همواره حائز اهمیت است؟

شناخت من از ایشان بسیار ویژه است، زیرا ایشان از زمان طلبگی با مرحوم پدرم دوستی داشتند. بعداً هم در زمینه تأسیس ابابصیر، انجمن مددکاری امام زمان (عج) ویژه ایتم و کانون علمی و تربیتی جهان اسلام با هم همکاری می‌کردند. آقای مظاهری در عین اینکه عالمی مشهور و مردمی بودند و در طول مدت عمر با برکتشان خدمات اجتماعی گسترده‌ای انجام دادند، خیلی خوش اخلاق، خوش‌برخورد و شوخ‌طبع بودند. خیلی وقت‌ها در مجالس یا در سفر که همراهشان بودم، می‌دیدم که با همراهان باروی گشاده و شوخ‌طبعی برخورد می‌کنند.



انجمن مددکاری امام زمان (عج) بیش از پنج هزار یتیم را تمت پوشش دارد

خدمت ماندگار به ایتام اصفهان

خیرین اصفهان انجمن مددکاری امام زمان (عج)، ویژه کمک به ایتام را برادر مؤسسه ابابصیر می‌دانند، زیرا عمده افرادی که در تأسیس ابابصیر مشارکت کردند، در سال ۱۳۴۹ این انجمن را با محوریت مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری بنیان نهادند و در سال ۱۳۵۱ مجوز رسمی آن را اخذ کردند. برای آگاهی از فعالیت‌های این مجموعه با علی محمد سهرابی، مدیر عامل انجمن، گفت‌وگو کردیم.

● این مجموعه در طول سال‌های اخیر چه خدماتی را ارائه کرده است؟

همان‌طور که می‌دانید کار مجموعه در سال ۱۳۴۹ با همت افرادی همچون مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری و مشارکت خیرانی مانند آقای گلبیدی، جمال‌نشان و یراقی با خرید حبوبات و رسیدگی به

نیازهای روزمره خانواده‌های ایتام آغاز شد. به لطف خدا آن نهال کوچک امروز به نهاد بسیار عظیمی به نام انجمن مددکاری امام زمان (عج) در شهر اصفهان تبدیل شده است. تا کنون نزدیک به ۱۵ هزار خانواده تحت پوشش همه‌جانبه معیشتی، درمانی و فرهنگی انجمن قرار گرفته‌اند. هم‌اکنون

خاطره

ماجرای تأسیس انجمن مددکاری امام زمان (عج)

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در یکی از خاطرات خود می‌گوید: «سال‌ها پیش از انقلاب با مرحوم آقای منصورزاده به مشهد رضوی مشرف شدیم. یک شب در حرم، آقای منصورزاده مرا صدا کردند که فلانی زود بیایید که آقای میردامادی، دایی آقای خامنه‌ای سَلَمَ‌الله، با شما کار دارند. رفتیم خدمتشان به من گفتند ما امشب می‌خواهیم شما را جایی ببریم. ما نفهمیدیم کجا. پیش خود گفتم ایشان که کار خلاف نمی‌کنند و ما را جای بدی نمی‌برند، گفتم بفرمایید. به یک پاساژ رفتیم، درب یک مغازه را باز کردند و مقداری روغن، عدس، نخود، لوبیا، برنج، پارچه و ... دیدیم؛

بیش از پنج هزار نفر تحت پوشش انجمن مددکاری امام زمان (ع) هستند. کمک به تأمین مسکن، تأمین جهیزیه دختران، تأمین هزینه تحصیلی و ... از مهمترین اقدامات این انجمن بوده است و تا جایی که برای ما مقدور باشد به این کمک‌ها ادامه می‌دهیم. می‌توان ادعا کرد هیچ یتیمی در اصفهان نیست که با نیاز واقعی به مجموعه مراجعه کند و مورد حمایت همه‌جانبه قرار نگیرد.

● با توجه به گستره خدمات انجمن، چگونه از نیاز واقعی افراد تحت پوشش اطمینان کسب می‌کنید؟

شناسایی افراد برای آنکه تحت پوشش کمک‌های انجمن قرار بگیرند به این صورت است که مدارک لازم جمع‌آوری می‌شود و پرونده برای تحقیق تشکیل می‌شود. برای کار تحقیق، افرادی دوره دیده‌اند که با ما همکاری می‌کنند. در این تحقیقات تأکید ما بر حفظ منزلت اجتماعی افراد و خانواده‌هاست. پس از کامل شدن تحقیقات و تکمیل پرونده، درباره نحوه و میزان حمایت، جلساتی گذاشته و تصمیم‌گیری می‌شود.

● کمک به بچه‌ها تا چه سنی ادامه می‌یابد؟

زمانی که افراد تحت پوشش انجمن به سنین جوانی می‌رسند، تلاش می‌کنیم با اعطای وام به آن‌ها کمک کنیم تا بتوانند کسب و کاری راه بیندازند. دخترانمان تا موعد ازدواجشان تحت حمایت انجمن هستند و اگر تصمیم به ازدواج بگیرند، جهیزیه‌شان را تأمین می‌کنیم. البته اخیراً گفته‌ایم دخترهایی را که ازدواج نکرده‌اند تا ۲۷ سالگی مورد حمایت قرار می‌دهیم، اما واقعاً اگر بدانیم دختری

هم‌اکنون بیش از پنج هزار نفر تحت پوشش انجمن مددکاری امام زمان (ع) هستند
کمک به تأمین مسکن، تأمین جهیزیه دختران، تأمین هزینه تحصیلی و ... از مهمترین اقدامات این انجمن بوده است

گفتیم این‌ها چه هستند؟ گفتند ما یک انجمن درست کرده‌ایم برای کمک به ایتام. آقای حاج میرزاعلی، پسر مرحوم شیخ عباس قمی، هم آمده اینجا را دیده و در تهران تشکیلاتی مثل این درست کرده است. ما می‌خواهیم شما این کار را در اصفهان انجام دهید. همان شب چند جا به ملاقات ایتام رفتیم. در یک زیرزمین نمود یک زن بود با یک بچه دوساله که خواب بود. به او گفتم خانم چرا اینجا زندگی می‌کنید؟ گفت خدا می‌داند با چه مشکلاتی همین جای نامناسب را گیر آورده‌ام تا زندگی کنم. خلاصه کمک‌هایی به او شد. آنجا را دیدیم و رفتیم یک جای دیگر، آنجا پنج، شش تا بچه زیر یک لحاف مندرس بودند که وقتی لحاف را بلند کردند از روی بچه‌ها، پنبه لحاف می‌ریخت توی زیرزمین. به این بچه‌های یتیم هم کمک شد و من خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم.

دیدگاه

نخ تسبیح فدمات «ما» شیخ مهدی»

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری تمام خدمات اجتماعی خود را با توسل به ائمه اطهار (ع) به خصوص امام زمان (عج) به انجام می‌رساند. هم‌نام خودشان مهدی بود و هم توجه داشتند نام مجموعه‌های اجتماعی و خیریه‌ای را که تأسیس کرده‌اند، به نحوی با امام دوازدهم پیوند دهند. حوزه علمیه حضرت صاحب‌الامر (عج)، انجمن مددکاری امام زمان (عج) ویژه ایتم، بنیاد آلا (آئینه‌داران لقای آفتاب) که اسم نخست آن بنیاد الامام‌المنتظر (عج) بود، مؤسسه همیاری جهیز به صاحب‌الزمان (عج) و... همگی گواه این حقیقت هستند که ایشان نفّس خود را با زلف موعود اسلام گره زده بودند و اعتقاد راسخ داشتند که برای ظهور منجی و ذخیره خدا، باید شرایط اجتماعی و فرهنگی را با خدمت به مردم و محرومان آماده کرد.

حاج شیخ مهدی مظاهری مکرراً به امام زمان (عج) توسل می‌کردند و می‌فرمودند: وقتی کارد به استخوان رسید این جمله را بگویند: «المستغاث بک یا صاحب‌الزمان».



**زمانی که افراد
تحت پوشش
انجمن به
سنین جوانی
می‌رسند،
تلاش می‌کنیم
با اعطای وام
به آن‌ها کمک
کنیم تا بتوانند
کسب و کاری
راه بیندازند.
دخترانمان
تا موعد
از دواجشان
تحت حمایت
انجمن هستند
و اگر تصمیم به
از دواج بگیرند،
جهیز به‌شان را
تأمین می‌کنیم**



ارائه می‌کند؟

بخش زیادی از همکاری که در واحد فرهنگی مجموعه حضور دارند به صورت افتخاری فعالیت می‌کنند و اغلب از بازنشسته‌های آموزش و پرورش هستند و در موضوعات مختلفی همچون حرفه‌آموزی، مشاوره پیش از ازدواج، مشاوره خانواده و آموزش‌های دینی به ما کمک می‌کنند.

نیاز دارد و امکان از دواج هم‌برایش مهیا نیست، حتماً کمک‌ها تا سنین بالاتر هم ادامه پیدا می‌کند. پسرها هم تا زمانی که تحصیلشان تمام شود مورد حمایت قرار می‌گیرند. حتی اگر تا مقطع دکترای هم تحصیل کنند حمایت می‌شوند.

● **انجمن چه خدمات فرهنگی را به مددجویان**

و فعالیت انجمن مددکاری امام زمان (عج) همان ماه رمضان شروع شد. در یک جمله عرض کنم که انجمن مددکاری امام زمان (عج) در سال گذشته یعنی سال ۱۳۸۶ شمسی (زمانی که این سخن بیان شده سال ۱۳۸۷ بود) چهار میلیارد تومان درآمدش بود. از دادن لباس و کفش و تعمیر خانه و مراسم ازدواج برای دخترهای یتیم گرفته تا تحصیل بچه‌های یتیم و حتی به دانشگاه رفتنشان در این انجمن انجام شد. خدای داد چقدر خدمت عظیم و عجیبی می‌شود.

الحمدلله که چنین تشکیلات مجلل و مفصلی تشکیل شده است. بعضی بچه‌های یتیم که خودشان در همین انجمن حمایت شده‌اند، حالا خودشان از متمکنین هستند و هر سال صدها میلیون کمک به انجمن انجام می‌دهند. (زین الخطبا، صص ۷۲-۷۵)

ماه رجب بود. چندی بعد در ماه رمضان من دعوت شده بودم به مسجد کازرونی در خیابان عباس‌آباد. مرحوم حاج آقا میرزا هاشمی آنجا اقامه جماعت می‌کردند. دو ساعت بعد از نماز ایشان منبر می‌رفتم. دو سه شب درباره انجمن مشهد و ایتم صحبت کردم. روز دوم آقای گلبدینی که مدرسه کر و لال‌ها را اداره می‌کرد به من گفت: «منبر را می‌خواستید طی کنید یا کاری می‌خواهید انجام دهید؟» گفتم واقعاً کاری می‌خواهیم بکنیم. گفت ما با شما همراهی می‌کنیم. گفتم من بوقش را می‌زنم تونش را شما باید بتابانید (به همراهی بیایید). من نمی‌توانم هم بوق بزنم هم تون بتابم. گفتند ما همکاری می‌کنیم. خلاصه رفتیم خدمت آقای شمس‌آبادی و آقای سید اسماعیل هاشمی رحمت‌الله علیهما و جریان را گفتیم. قبض‌هایی امضا کردند و من هم امضا کردم. همان ماه رمضان به تقسیم این قبض‌ها و توزیعش پرداختیم

● حاج آقا حکیمی، درباره چگونگی تأسیس مؤسسه همبازی جهیزیه صاحب الزمان (عج) و نقش مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری بفرمایید.

مؤسسه جهیزیه در سال ۱۳۵۸ در حالی که چند سال از آغاز مراسم دعای ندبه در اصفهان می گذشت، از سوی حاج آقا کلید خورد. در یکی از هفته ها، دعای ندبه در خانه ای واقع در خیابان وحید برگزار شد. یک روز که ایشان می خواستند قبل از دعای ندبه بالای منبر بروند، خانمی جلوی ایشان را گرفت و گفت دختری دارم که عقد کرده اما توان تهیه جهیزیه را برای او ندارم. حاج آقا رو به ایشان کردند و گفتند شما بنشینید. ما ترتیب این کار را می دهیم. ایشان رفتند منبر و پس از خواندن دعای موداین دختر خانم صحبت کردند و الحمد لله رقم سنگینی برای جهیزیه این دختر خانم جمع شد. پس از این منبر، ایشان جلسه ای را با تعدادی از آشنایان گذاشتند و هسته صندوق جهیزیه آنجا تشکیل شد. پس از آن من چهار پنج نفر را به منزل آقای صرافان دعوت کردم. جلسه ای را تشکیل دادیم و اقدامات اولیه انجام شد. سپس جایی را اجاره و از اداره مربوطه درخواست ثبت مؤسسه کردیم. از آن تاریخ به بعد مرحوم حاج آقا مظاهری در منبری که می رفتند شرحی از وضعیت دختران یتیم می گفتند. در نتیجه مردم هم برای جهیزیه شان کمک می کردند. بنده همراه ایشان بودم. روی کاغذ یادداشت و بعد برای وصول این کمک ها اقدام می کردم. خدا را شکر چهل سال است که این مؤسسه پا برجا مانده و کاملاً مورد اعتماد، تأیید و اعتبار تجار و مردم اصفهان است. بعد از تشکیل مؤسسه جهیزیه، حاج آقا مظاهری دستور دادند که یک مؤسسه فرهنگی هم تأسیس شود. می گفتند حال که ما کالای رایگان به عنوان جهیزیه می دهیم، بهتر است کار فرهنگی هم برای این خانواده ها انجام دهیم. الان سال هاست دخترانی که متقاضی جهیزیه هستند، در کلاس های فرهنگی مؤسسه هم شرکت می کنند.

● به نظر شما مهم ترین ویژگی های اخلاقی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چه بود؟
اخلاق ایشان مورد پسند تمام مردم شهر اصفهان بود. مردم علاقه وافری به ایشان داشتند. زمانی که ایشان بر روی منبر برای مؤسسه خودشان یا هر مؤسسه دیگری درخواست کمک می کرد

با تأسیس مؤسسه جهیزیه
صاحب الزمان (عج)

هیچ دختر نیازمندی بدون جهیزیه نمی ماند

تأسیس مؤسسه همبازی جهیزیه صاحب الزمان (عج) به همت مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری اقدامی برجسته در جهت تأمین جهیزیه دخترهای نیازمند در شهر اصفهان محسوب می شود. با حاج علی اکبر حکیمی، که چهل سال است مدیریت این مؤسسه را برعهده دارد و از دوستان نزدیک مرحوم مظاهری بوده است، درباره این مجموعه بزرگ و مؤسس آن به گفت و گو نشستیم.

خاطره

پیش قدم شدن در رفع کدورت‌ها

یکی از اخلاق قرآنی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری این بود که اجازه نمی‌داد میان او و برادر دینی‌اش کدورتی باقی بماند، زیرا به حکم قرآن مؤمنان برادر دینی یکدیگر هستند. یکی از نوه‌های مرحوم مظاهری می‌گوید: «ایشان از اینکه با شخصی اختلاف یا ناراحتی داشته باشند، پرهیز می‌کردند و خوشایندشان نبود.

انسان موجودی اجتماعی است و در اجتماع زندگی می‌کند و چون در اجتماع همه‌گونه فردی هست و امکان هر نوع برخوردی از هر کسی وجود دارد، اگر مرحوم مظاهری با کسی اختلافی پیدا می‌کردند، برای برطرف کردن آن اختلاف و دلگیری پیش‌قدم می‌شدند. یادم هست کدورتی بین ایشان و یکی از دوستانشان پیش آمد. به منزل ما آمدند و به اهل منزل گفتند که امروز خیلی خوشحالم، چون صبح به کتابخانه یکی از دوستان که کدورتی بینمان پیش آمده بود رفتم. سلام عرض کردم و گفتم آمده‌ام اگر خدای ناکرده بین من و شما اختلافی و کدورتی پیش آمده است، برطرف کنم. اگر من فلان عمل را انجام دادم، به این جهات بود. دوست ندارم که کدورتی بین ما باشد. آن دوستم که من بر او وارد شده بودم خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. استقبال کرد و گفت که هیچ کدورتی بین ما نیست. بعد از آن، صمیمیتی بیشتر از گذشته بینشان ایجاد شد. بارها خودم مشاهده کردم که چنانچه کدورتی ایجاد می‌شد، خودشان اقدام می‌کردند و نمی‌گذاشتند مسئله‌ای باقی بماند.»

می‌کرد، زائران اعلام آمادگی می‌کردند. حاج آقا در مسجد شجره به اعضای کاروان می‌گفتند شما که در حال لبیک گفتن هستید حواستان باشد که دخترها در شهر شما می‌خواهند عروس شوند و جهیزیه می‌خواهند. آن هنگام بود که دست‌ها برای کمک بالا می‌رفت. من هم با قلم و کاغذ تعهدات افراد را می‌نوشتم و بعد از سفر حج پیگیری می‌کردم. در مکه و مدینه هم اگر جلسه‌ای برای احکام برگزار می‌شد، حاج آقا برای کمک به نیازمندان صحبت می‌کردند. پول‌هایی که از حج حاج آقا جمع می‌شد خیال ما را برای یکسال مخارج مؤسسه جهیزیه راحت می‌کرد.

● در حال حاضر چه خدماتی به دختران نیازمند و دم‌بخت ارائه می‌دهید و هزینه‌های مؤسسه از کجا تأمین می‌شود؟

در سال‌های اخیر سالانه به ۹۲۵ نفر جهیزیه تقدیم کرده‌ایم. جهیزیه‌های ما شامل ۲۵ قلم کالای اساسی زندگی است که بابت اهدای آن هیچ هزینه‌ای دریافت نمی‌کنیم. وقتی کسی درخواست جهیزیه را ثبت می‌کند، مأموران ارزیابی ما که از معتمدان شهر هستند و کسی از مأموریت آن‌ها خبر ندارد، شرایط خانوادگی شخص را بررسی می‌کنند. بدون اینکه هیچ یک از همسایه‌ها و بستگان فرد بفهمند، این جهیزیه به او تقدیم می‌شود. به لطف خدا چهل سال است که با کمک خیرین مؤسسه با مشکل مالی مواجه نشده و این به برکت حاج آقا مظاهری است.

ایشان برای تأسیس مدرسه، مسجد و... هیچ‌گاه از کمکی فروگذار نمی‌کردند. شخصی که مدیر کل بازرگانی اصفهان بود، مرید حاج آقا شد. آمد پیش حاج آقا و گفت که می‌خواهد به لردگان برود و به نیت ۱۴ معصوم ۱۴ مسجد بسازد. به کمک حاج آقا و اعتمادی که خیرین به حاج آقا داشتند، در طول دو سال این کار انجام شد و این مساجد را ساختند. زمانی که آقای هاشمی رفسنجانی در دوره ریاست جمهوری‌شان به اصفهان آمده و در فرمانداری ساکن شده بودند حاج آقا به دیدن ایشان رفتند. من هم همراه ایشان بودم. چون حرف‌ها خصوصی بود بیرون منتظر ماندم. یکی از همراهان آقای هاشمی آمدند و به من گفتند که می‌دانید آقای رفسنجانی در مورد حاج آقا چه گفت؟ گفت که ای کاش در هر شهری یک آقای مظاهری داشتیم، در آن صورت دیگر در ایران مشکلی وجود نداشت.

و برای خیرین دست دعا بالا می‌برد، اصطلاحاً دسته‌چک‌ها، پول‌ها و تراول‌ها در جیب و لباس مردم تکان می‌خورد و انگار به صاحبانشان می‌گفتند ما را در بیاورید (با خنده). حاج آقا مظاهری واقعاً اخلاق خوبی داشتند.

این اواخر آیت‌الله حاج شیخ حسین مظاهری به دیدن حاج شیخ مهدی مظاهری آمدند. همه صحبت‌های حاج آقا مربوط به قیامت بود. خیلی نورانی و سفید شده بودند. به آیت‌الله گفتم که حاج آقا این روزها خیلی در مورد آن دنیا صحبت می‌کنند. ایشان گفتند که حاج شیخ مهدی چیزهایی را از آن طرف می‌بیند که ما نمی‌بینیم اما مأمور به اظهار نیستند. حاج آقا مظاهری در روزهای آخر به ما توصیه می‌کردند که دست از کار خیر نکشیم. اگر فرمایش آیت‌الله مظاهری درست باشد، احتمالاً حاج شیخ مهدی می‌دید که برای خیران و نیکوکاران چه جایگاهی در آن طرف مهیا شده است. نکته دیگر، ارادت عمیق ایشان به حضرت زهرا (س) بود؛ هر جایی که ما دعای ندبه، دعای کمیل یا هر روضه‌ای می‌رفتیم، ایشان تاروضه حضرت زهرا (س) را نمی‌خواندند آرام نمی‌شدند و تمام مردم اصفهان هم شهادت می‌دهند که ایشان هنگام سخنرانی بر منبر خودش هم می‌گریست. یکبار منزل ما دعایی برگزار شد و دو نفر مداح وارد شدند. ایشان روی پله منبر نشستند و گفتند این دو مداح روضه بخوانند. من می‌خواهم عزاداری کنم. یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی ایشان این بود که هیچ‌گاه در جواب درخواست‌های دیگران برای کار خیر «نه» نمی‌گفتند. اگر جایی دعوت می‌شدند یا قرار بود جایی بروند حتماً متمکنین آن جمع را متقاعد می‌کردند که کمکی به نیازمندان انجام دهند. کلمه نه در زندگی حاج آقا نبود.

● شما یکی از همراهان مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در بعضی از سفرهای حج بودید. آیا از ظرفیت حج برای انجام کارهای خیر استفاده می‌کردند که این قدر مایل بودند هر سال مشرف شوند؟

دقیقاً همین‌طور است. ایشان هرگاه احساس می‌کرد که باید برای رفع نیازی از نیازمندان پول زیادی جمع کنند، عزم عمره می‌کرد. محال بود که در موقع تبلیه گفتن در مسجد شجره حاج آقا در مورد نیازمندان صحبت کند و حال زائران منقلب نشود. اگر حاج آقا صحبت و درخواست کمک



در سال‌های آخر سالانه به ۹۲۵ نفر جهیزیه تقدیم کرده‌ایم.

جهیزیه اهدایی ما شامل ۲۵ قلم کالای اساسی زندگی است که بابت اهدای آن هیچ هزینه‌ای دریافت نمی‌کنیم.

وقتی کسی درخواست جهیزیه را ثبت می‌کند، مأموران ارزیابی ما که از معتمدان شهر هستند و کسی از مأموریت آن‌ها خبر ندارد

● آقای میر خلف درباره این مرکز توضیحات

لازم را بفرمایید.

اینجا که شما تشریف دارید منزل حاج آقامهدی مظاهری بود. ایشان سال ۱۳۸۰ به قم و منزل ما تشریف آوردند و به من فرمودند: «ما دلمان می‌خواهد که شما اصفهان تشریف بیاورید و مرکزی را تأسیس کنید که ۱۵۰ طلبه را زیر بال و پر بگیرد.» من به دلایلی نمی‌توانستم بیایم و عذرم را به ایشان گفتم. ایشان هم با لطف خود پذیرفتند. همان سال حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسین مظاهری، که رئیس حوزه علمیه اصفهان هستند، به من فرمودند که اگر شما بیایید و این کار را به عهده بگیرید، من اصلاً این حوزه را از کل حوزه اصفهان جدا می‌کنم تا هر طوری که خودت خواستی کار این حوزه را جلو ببری. یعنی یک مدرسه مستقل زیر نظر مرکز باشد و در انتخاب کتاب‌ها به خصوص بحث ادبیات خودمان تصمیم بگیریم. به ایشان هم همان عذرم را عرض کردم.

● مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری شما را از کجا می‌شناختند و از چه زمانی با هم ارتباط داشتید؟

از سال ۱۳۴۶ زمانی که حدوداً ۱۳ ساله بودم بعد از ظهرها که از مدرسه باز می‌گشتم در مجالس و منبرهای ایشان شرکت می‌کردم، چون از منبرهایشان بسیار بهره می‌بردم. ایشان هم به ما لطف داشتند. بعداً هم که وارد حوزه شدم کم و بیش یکدیگر را می‌دیدیم و ایشان از طلبگی من مطلع بودند. روی این حساب که سابقه طولانی آشنایی با یکدیگر داشتیم، مرحوم حاج آقا مظاهری این پیشنهاد را به ما دادند و همان‌طور که عرض کردم، در آن برهه نمی‌توانستم این مسئولیت را بپذیرم، اما ایشان با پاسخ من دست از کار نکشیدند. مقدمات کار را شروع کردند و از سال ۱۳۸۵ منزل محل سکونت خود را به حوزه علمیه صاحب‌الامر (عج) تبدیل کردند. در آن سال‌ها این حوزه از پایه یک طلبه گرفته بود. مدتی بعد هم از پایه هفت طلبه گرفت، چون می‌خواستند مرکز تخصصی فقه و اصول شود. آن ایام گاهی خودم هم به این حوزه رفت‌وآمد داشتم، چون از من خواسته بودند هر وقت که به اصفهان می‌آیم برای طلبه‌ها درس اخلاق بگویم اما در جریان جزئیات امور نبودم.

روایت محبت الاسلام والمسلمین میر خلف
از خدمت ماندگار حاج شیخ مهدی مظاهری

خانه خود را به مدرسه علمیه تبدیل کرد

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری اصرار داشتند که در کنار کارهای پر شمار خیر خود به نفع مردم، مدرسه علمیه‌ای برای طلبه‌های جوان راه‌اندازی کنند تا حوزه علمیه اصفهان تقویت شود و مبلغانی مؤمن و کارآمد در آنجا تربیت شوند. ایشان در اواخر عمر، خانه خود را، که سال‌ها محل رجوع اقشار مختلف مردم بود، به مدرسه علمیه حضرت صاحب‌الامر (عج) تبدیل کردند. به محل این مدرسه علمیه، جایی که در و دیوار آن ندای عبودیت و تضرع مردی بزرگ را در خود جای داده است، رفتیم و با حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن میر خلف، رئیس مدرسه علمیه، به گفت‌وگو نشستیم.

دیدگاه

تومیه به طلاب علوم دینی

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در یکی از مصاحبه های خود گفته اند: پیشنهاد من به طلاب این است که به روز جلو بروند.

ببینید حالا دیگر در هر خانه ای حتی دهات دوردست تحصیل کرده خیلی دیده می شود که فوق لیسانس دارند، متخصص هستند، فوق تخصص دارند. لذا تحصیلاتی که طلبه ها دارند باید عمیق باشد. البته من نمی گویم که دروس فقهی را نخوانند، بلکه فقه را خوب بخوانند و حتی در ادبیات خیلی مسلط بشوند، اما زبان را هم بدانند، مسائل ریاضی را هم اگر می توانند یاد بگیرند تا وقتی که با آن ها می نشینند یک سر و گردن بالاتر باشند و مخاطبان شنوایی داشته باشند و در رعایت ادب و تقوا هم باید کوشا باشند (زین الخطباء، ص ۱۶۴)

و نیز گفتند: چقدر خوب است که انسان بتواند در کنار منابر و دعاها، کارهای مفید اجتماعی، فرهنگی و خدماتی داشته باشد. یعنی جامع باشد و از عمرش استفاده کند. هم تبلیغش را بکند، امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد، توسل به ائمه راشدین و حضرت زهرا (س) پیدا کند و هم کارهای اجتماعی و مفید برای اجتماع و جهات دینی انجام دهد (همان، ص ۹۶).

ایشان همچنین درباره اهمیت تبلیغ می گفتند: بهترین چیز برای یک روحانی و آن هایی که در این مسیر هستند، هدایت و تبلیغ است و نباید بگویند که تبلیغ در حاشیه زندگی من است... هم زبانش باید در راه تبلیغ در دهان بچرخد و هم باید در عمل مبلغ باشد (همان، ص ۱۶۰).

کرده ایم که این امر را تسریع بخشند. از نظر کیفیت تدریس وضعیت مطلوبی داریم. حتی طلبه هایی که فقط دو سال اینجادرس خواندند، تجلی خاصی در پایه های بالاتر دارند، چرا که در کنار دروس اصلی تمرکز ویژه ای بر مباحث اخلاقی و ادبیات آن ها داریم. طلبه هایی که تا پایه پنج اینجا درس می خوانند، وقتی به قم می روند، واقعاً پایه علمی محکمی دارند. همین امسال چند طلبه ما که بعد از اتمام پایه پنج به قم رفتند، در مرکز تخصصی آیت الله فاضل لنکرانی امتحان دادند و قبول شدند.

● به نظر شما مهم ترین درسی که از زندگی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری می توان گرفت چیست؟

من حقیقتاً اعتقاد رami گویم؛ اگر یک روحانی بخواهد روحانی موفق باشد باید در بین مردم باشد. وقتی بین مردم باشد زندگی اش بابرکت می شود، یعنی درد مردم را می فهمد، رمز ماندگار شدن روحانیت همین مردمی بودن روحانی است. مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری در تمام عمر بابرکت خود بین مردم بود. این بزرگوار کارهای عام المنفعه بسیاری را انجام دادند. در عمده این کارها فقط نقش ایشان پیشقدم شدن بود و در ادامه این مردم و خیران بودند که کار را با هدایت های ایشان جلو می بردند. ایشان لب از روی لب که برمی داشتند، دست ها برای پول دادن در جیب ها می رفت. خدا اثری در نفس ایشان قرار داده بود که مردم دست به جیب می شدند. دامنه خدمات ایشان فقط محدود به اصفهان نبود، یادم هست در مشهد یک مسجد قدیمی بود که می خواستند آن را تخریب کنند و از اول بسازند. خودم آنجا بودم، تا ایشان به مردم اشاره کردند که قرار است این مسجد از نو ساخته شود خدا می داند چقدر کمک کردند. روایت زیادی داریم که خداوند متعال به حضرت موسی (ع) وحی کرد: «اگر یک نفر را که از در خانه من گریخته است به طرف من برگردانی و یا من مرتبط کنی، از صد سال عبادت افضل است.» حال شما فکر کنید مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری واسطه چند آدم در حلقه ارتباط بین خدا و مردم شده بودند. چقدر آدم هایی در دعای کمیل و ابو حمزه ایشان آمدند و متحول شدند.

● یعنی ایشان نیت کرده بودند هر طور که هست یک مرکز حوزوی برای تربیت طلبه راه اندازی کنند؟

احسنت، همین طور بود. اگر بخواهم تعریفی جامع از مرحوم آقای مظاهری داشته باشم باید بگویم ایشان برای مردم مفید بودند، یک روحانی به تمام معنا فایده بخش بودند. کارهای عام المنفعه می کردند و دوست داشتند در کنار خیریه های پرشماری که تأسیس کرده بودند، یک حوزه علمیه هم راه اندازی کنند. یک بار به ایشان عرض کردم این تصمیمی که گرفته اید کار بسیار بزرگی است.

● از چه زمانی مسئولیت حوزه علمیه حضرت صاحب الامر (عج) را پذیرفتید؟

سال ۱۳۹۳ آقا زاده ایشان به ما مراجعه کردند و پیام مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری را رساندند که مسئولیت حوزه را بپذیرم. موضوع را با آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری مطرح کردیم. آیت الله مظاهری گفتند: «احتمال می دهم برای شما واجب باشد که این مسئولیت را بپذیرید.» این صحبت آیت الله مظاهری از یکسو و شرایط جسمانی مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری از سوی دیگر باعث شد تصمیم بگیرم که پای این کار بایستم، اما نمی شد که به طور ناگهانی مسئولیت را بپذیرم و کارهای قم را رها کنم. از سال ۹۳ تا ۹۶ مسئولی برای این حوزه تعیین شد و من صرفاً نظارت می کردم، اما از سال ۹۶ به طور مستقیم اینجام مشغول شدم.

● در حال حاضر حوزه علمیه حضرت صاحب الامر (عج)، که یادگار مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری محسوب می شود، چه وضعیتی دارد؟

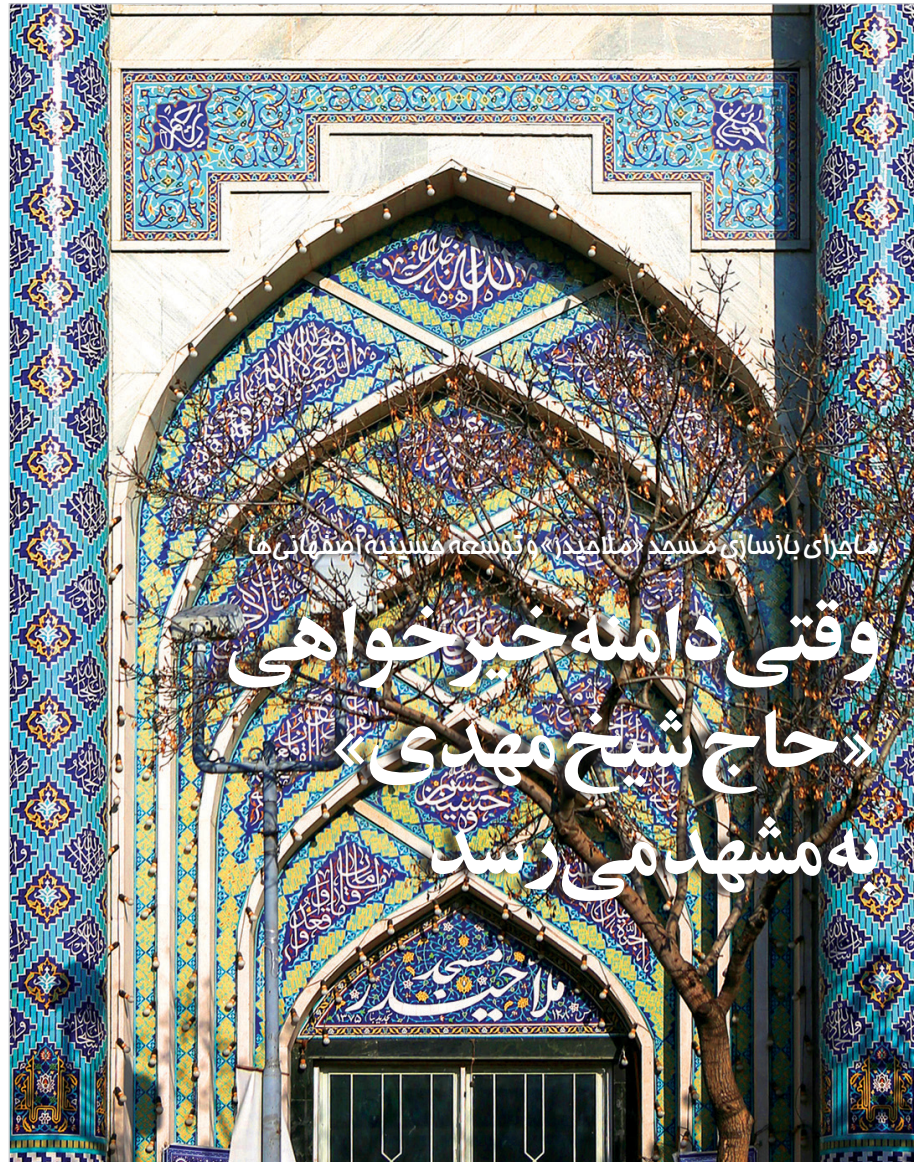
در حال حاضر از پایه یک تا پنج به طلبه ها تدریس می کنیم. حدود ۷۰ طلبه جوان در این مرکز مشغول تحصیل هستند. برخی از این طلبه ها از شهرستان آمده اند و شب ها نیز در همین حوزه اسکان دارند. یکی از مهم ترین برنامه هایی که اکنون برای حوزه مد نظر داریم، تکمیل ساختمانی است که در جنب حوزه به منظور اسکان طلبه ها در نظر گرفته شده است و به این منظور از حاج آقا حسین مظاهری، فرزند مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری، درخواست

۶۶

طلبه هایی
که تا پایه پنج
اینجادرس
می خوانند،
وقتی به قم
می روند، واقعاً
پایه علمی
محکمی دارند.
همین امسال
چند طلبه ما
که بعد از اتمام
پایه پنج به
قم رفتند، در
مرکز تخصصی
آیت الله فاضل
لنکرانی
امتحان دادند و
قبول شدند

شاید کمتر کسی مطلع باشد که دامنه خدمات اجتماعی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری محدود به شهر یا استان اصفهان نبوده است. دامنه نفوذ کلام و محبوبیت ایشان میان مردم به مشهد نیز رسیده بود. تلاش برای ساخت مجدد بنای مسجد ملاحیدر، مسجدی که سالیان دراز آیت الله مروارید (ره) در آن نماز می خواندند و نیز توسعه حسینیة اصفهانی ها از خدمات معنوی و ماندگار حاج شیخ مهدی مظاهری در شهر مشهد مقدس محسوب می شود.

آیت الله حاج شیخ اسدالله جوادی درباره نقش مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در ساخت مجدد بنای مسجد ملاحیدر می گوید: «یکی از خاطراتی که با ایشان دارم مربوط به سفری است که در ایام نوروز با هم در مشهد بودیم. مسجدی به نام مسجد ملاحیدر در مشهد هست که در آنجا آقایان مروارید و عبائی نماز می خواندند. تعداد اصفهانی ها در آن مسجد زیاد بود. آقای مظاهری رفتند پیش آقای عبائی و پرسیدند من منبر بروم؟ آقای عبائی هم گفتند بفرمایید. آقای مظاهری که رفتند روی منبر، بعد از حمد و ثنای الهی گفتند: من ناراحت هستم که این مسجد خراب و نمناک است و در شأن آقایان نماز گزار و مشهد نیست و من همین جا تقاضای نوسازی مسجد را دارم. همین که آقای مظاهری این مطلب را گفتند اصفهانی های حاضر در مسجد به سرعت اعلام کردند هر قدر شما بگویید ما می دهیم، اما آقای مظاهری گفتند که اجازه دهید همه در این کار شریک باشند، شما اصفهانی ها دیروز خانه های را برای ساخت حسینیة خریدید، اجازه بدهید بقیه کمک کنند آخر کار



مآثرای بازسازی مسجد «ملاحیدر» و توسعه حسینیة اصفهانی ها

وقتی دامنه خبرخواهی «حاج شیخ مهدی» به مشهد می رسد

خاطره

اما در تنگنای مالی قرار دارند. یعنی با اینکه استاد درس خارج فقه یکی از درس های درجه یک حوزه بودند اما از آنجا که ساده زندگی می کردند و درآمد مالی چندانی نداشتند، به مشکل برخورد کرده بودند. من این را از جانب یکی از خواص ایشان مطلع شدم، نه اینکه خود آن مرجع بزرگوار به ما بگوید.

آن فرد همین طور که با ما درباره وضعیت معیشتی طلبه ها درد دل می کرد، این را هم گفت که مثلاً همین استاد درجه یک حوزه در کار تکمیل بنایی خانه اش، که خانه ای معمولی در صفاشهر قم است، مانده. بعد از این اتفاق به اصفهان آمد و حاج آقا مظاهری را ملاقات کردم. من هم در مورد وضعیت معیشتی طلبه ها خدمت ایشان درد دل کردم. در صحبت هایم یک کلمه هم به محدودیت مالی آن مرجع تقلید اشاره کردم و گفتم وضعیتش خیلی مناسب نیست. ایشان هیچ نگفت و سرش را به

مساعدت مالی به یک مرجع تقلید

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مجتبی کلباسی، از دوستان قدیمی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، با ذکر خاطره ای ناشنیده از ایشان می گوید:
در سال های دهه ۶۰ در درس یکی از اساتید بسیار معروف و مبرز حوزه علمیه قم، که بعد از ارتحال آیت الله العظمی اراکی به عنوان مرجع تقلید نیز معرفی شد، شرکت می کردم. یک روز خبردار شدم که این استاد برجسته مشغول بنایی خانه شان هستند

خاطره

تأثیرپذیری مداح معروف از «حاج شیخ مهدی»

یکی از دوستان صمیمی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری می گوید: شبی در مسجد ملاحیدر، که در کنار حرم مطهر حضرت رضا(ع) قرار دارد، به همراه چند نفر از بستگان حاج شیخ مهدی مظاهری نماز جماعت خواندیم.

مرحوم حاج رضا انصاریان، مداح معروف و خادم امام رضا(ع)، که صلوات ایشان بر امام رضا(ع) نوایی ماندگار شده است، در صفوف نماز حضور داشت. ایشان بعد از اقامه نماز پشت بلند گرفت و این خاطره را تعریف کرد که ما در خوانسار بچه بودیم، مردم خوانسار بسیار علاقه مند به شنیدن دعای کمیل با صدای حاج شیخ مهدی مظاهری بودند، افرادی که از خوانسار به اصفهان می رفتند و در مجلس دعای ایشان شرکت می کردند، صدای دعای ایشان راضط می کردند.

ما با اینکه کوچک بودیم منتظر می ماندیم که آن ها از اصفهان برگردند تا نوار دعای ایشان را بگذاریم، دور هم بنشینیم، بشنویم و استفاده معنوی ببریم.



**تلاش برای
ساخت مجدد
بنای مسجد
ملاحیدر،
مسجدی
که سالیان
دراز آیت الله
مرورید(ره)
در آن نماز
می خواندند و نیز
توسعه حسینی
اصفهانی ها از
خدمات ماندگار
حاج شیخ مهدی
مظاهری در
مشهد محسوب
می شود**



می گوید: «خدمت آیت الله استادی رسیدیم. ایشان از نقش مرحوم مظاهری در ساخت مجدد بنای مسجد ملاحیدر یاد کردند و فرمودند در سال ۱۳۶۹ که حاج شیخ مهدی مظاهری از مردم درخواست کمک کردند، در یک جلسه، چندین میلیون تومان برای این امر خیر جمع آوری شد که در آن زمان، رقمی چشمگیر محسوب می شد.»

مرحوم آیت الله سید عبدالحسین روضاتی نیز در سال ۱۳۹۶ درباره نقش مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در توسعه حسینی اصفهانی ها در مشهد گفته است: «ایشان زحمات زیادی برای حسینی اصفهانی ها در مشهد کشیدند و بعد از آن حسینی گسترش و توسعه پیدا کرد تا اینکه به این حد خوب رسیده است. من ۲۶ سال است که عضو هیئت متولیان حسینی اصفهانی ها در مشهد هستم اما ایشان قبل از من عضو این هیئت و یکی از فعالان این عرصه بودند. ایشان به این حسینی عشق می ورزیدند و یکی از فعالان توسعه آن بودند.»

هر قدر پول کم آمد شما بدهید. از سایر حاضران در مراسم هر کس بخشی از نیازهای بازسازی مسجد را متقبل شد. یک نفر اعلام کرد، سیمان مورد نیاز را تأمین می کنم، دیگری گفت آجر را، یک فرد تبریزی هم گفت تمام فرش ها را از تبریز برای مسجد می آورم. آقای مظاهری فقط یک روز منبر رفتند و تمام اقلام مورد نیاز برای ساخت مسجد تأمین شد. از روز ۱۴ فروردین هم کلنگ بازسازی مسجد زده شد. آقای مظاهری که از منبر پایین آمدند آقای عبائی بنا گذاشتند به تشکر و بوسیدن ایشان. آقای عبائی ترک بودند و مدام باللهجه خودشان می گفتند: «گربان لب و دهن شما. اگر من می گفتم یک ریال هم نمی دادند و این نفس شما الهی است. خدا به شما این نفس را داده است.» خدا را شکر سال بعد که به آن مسجد رفتیم دیدیم مسجدی چهار طبقه و عالی ساخته شده است. ایشان نفس عجیبی داشتند.»

حجت الاسلام حاج علی دیانی، نوه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، نیز در خاطره ای

زیر انداخت.

دو سه هفته گذشت و من دوباره به قم برگشته بودم. یک روز در حسینی ارک قم سر درس آن مرجع بزرگوار بودم که ناگهان دیدم حاج آقای مظاهری سر درس آمدند! برایم قابل تحلیل نبود که چرا به حسینی ارک قم آمده اند. درس که تمام شد، دیدم آقای مظاهری جلو رفت و با حضرت استاد خوش و بش کرد و سپس با هم رفتند. از قبل هم را می شناختم. بعدها متوجه شدم که آقای مظاهری برای مساعدت مالی به این مرجع تقلید، به قم آمده بود، اما هیچ کس از این قضیه مطلع نبود. ایشان در هر حال دنبال کمک به مردم بود.

یک طلبه جوانی هم در اصفهان بود (الان مسن شده است) که منزلش را تازه بنایی کرده بود و هیچ پولی در جیبش نمانده بود. طوری که دیگر پول نداشت برای خانه اش

موکت بیندازد و در آن ساکن شود. آن شخص برایم تعریف می کرد که شنیدم حاج آقا مظاهری قرض الحسنه ای در خیابان مسجدسید دارد، با نامیدی به آنجا رفتم و با خودم گفتم چون توان بازپرداخت ندارم احتمالش کم است کمکی به من انجام شود، اما خدا را چه دیدی شاید توانستم وامی از صندوق بگیرم.

وقتی به مؤسسه قرض الحسنه وارد شدم، ناباورانه دیدم که خود حاج آقا مظاهری پشت میز نشسته اند. به حاج آقا گفتم مقداری وام می خواهم تا برای خانه ام موکت بخرم. چون تازه بنایی کرده ام و هیچ پولی برایم نمانده است. پیش همسر و فرزندانم شرمند هستم. حاج آقا گفت: «وام برای چه؟ اینجا همیشه مقداری پول هست برای همین کارها.» همانجا روی کاغذ چیزی نوشتند و با آن، پولی از مؤسسه گرفتم. پولی که بیشتر از نیازم بود و لازم به بازپرداخت هم نداشت.



قرار گرفت. مرحوم مظاهری از روز اول به عنوان رئیس هیئت مدیره بنیاد فعالیت داشتند و چارچوب‌های کلان بنیاد را تعیین کردند و تجارب خود را در اختیار بقیه گذاشتند. تأسیس بنیاد آلاء نشان از دوراندیشی مرحوم مظاهری داشت.

● بنیاد آلاء اکنون در چه زمینه‌هایی فعالیت می‌کند؟

بنیاد در دو بخش «خیر جاری» و «خیر ماندگار» فعالیت دارد. خیر جاری متشکل از پنج مؤسسه است که شامل مرکز کنترل و پیشگیری از سرطان (مکسا)، آستان حضرت زینب بنت موسی بن جعفر (ع)، مؤسسه تربیتی و پرورش استعداد سلاله، مؤسسه مددکاری کوثر و مؤسسه المرتضی است. مرکز کنترل سرطان به بیماران سرطانی خدمات وسیع و جدیدی از جمله درمان و مراقبت در منزل را آموزش و ارائه می‌دهد. آستانه حضرت زینب (س) دختر امام موسی کاظم (ع) در اصفهان است که طرح توسعه آن از سال ۱۳۹۰ به عهده بنیاد آلاء گذاشته شده است و در چهار حوزه عمرانی، زیارتی، فرهنگی و اجتماعی فعالیت می‌کند. مؤسسه تربیتی و پرورش استعداد سلاله به تربیت سادات مستعد می‌پردازد. مؤسسه کوثر در حوزه مددکاری اجتماعی و رفع نیازهای معیشتی فعالیت می‌کند. مؤسسه المرتضی نیز در حوزه بین‌المللی فعالیت دارد و به تربیت مبلغ و فعالیت‌های تبلیغی برای افراد غیرمسلمان مشغول است.

● جامعة المصطفی نیز کار تربیت طلاب خارجی را بر عهده دارد. تفاوت



توصیف دکتر طیب‌نیا از منتظر واقعی امام عصر (عج)

تأسیس بنیاد آلاء؛ نشان دوراندیشی مرحوم مظاهری

یکی از واپسین خدمات اجتماعی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در دوره حیات پرپرکت خود، تأسیس و هدایت بنیاد خیریه راهبری آلاء بود. این بنیاد می‌کوشد با رویکردی متفاوت از سایر خیریه‌ها، کارهای خیر اولویت‌دار و بر زمین مانده را شناسایی و برای حل آن‌ها برنامه‌ریزی کند. همچنین با برقراری ارتباط گسترده با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور، شیوه‌های انجام خیر ماندگار را احصا می‌کند. دکتر محمد صالح طیب‌نیا، که از سال ۱۳۹۱ مدیر عامل بنیاد آلاء است، ویژگی‌های این بنیاد و نقش مرحوم مظاهری را در تأسیس آن بیان می‌کند.

● بنیان بنیاد خیریه راهبری آلاء چرا و چگونه گذاشته شد؟ مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در این امر چه نقشی داشتند؟

حاج آقا مهدی مظاهری از پیشگامان تأسیس نهادهای اجتماعی و خیریه در شهر و استان اصفهان بودند و بسیاری از مؤسسات خیریه‌ای که در این استان شکل گرفته به واسطه فعالیت ایشان است. ایشان چهره سرشناسی بودند که یا خودشان ایده راه‌اندازی خیریه‌ها را ارائه می‌کردند یا به دلیل شهرت و محبوبیت، هرگاه فردی می‌خواست خیریه‌ای تأسیس کند به ایشان مراجعه می‌کرد و به سبب اعتمادی که مردم به مرحوم مظاهری داشتند، ایشان را محور فعالیت و کار قرار می‌دادند. دغدغه مرحوم مظاهری افزایش اثربخشی مؤسسات خیریه بود. متأسفانه نیاز محرومان جامعه نه

تنها کم نمی‌شد، بلکه مدام بر تعداد نیازمندان نیز اضافه می‌شد لذا بنا را بر تأسیس خیریه‌ای با رویکردهای جدید گذاشتند. از آنجا که قرار بود خیریه جدید نگاه و عملکردی متفاوت داشته باشد، ابتدا واحد طرح و برنامه آن راه‌اندازی شد و تعدادی از افراد متخصص حدود یک سال در خصوص نحوه عملکرد آن تحقیق کردند و سند راهبری آن را نوشتند. از سال ۸۶ اقدامات تأسیس این بنیاد آغاز شد تا اینکه پس از اقدامات مطالعاتی در سال ۸۸ رسماً آغاز به کار کرد. البته نام بنیاد در ابتدا «الامام المنتظر المهدی» بود. بعد به مؤسسه آیین‌داران لقای آفتاب که مخفف آن «آلاء» است، تغییر نام یافت و در نهایت در سال ۱۳۹۴ به نام بنیاد خیریه راهبری آلاء نامیده شد. مراد از آفتاب هم امام عصر (عج) است. رسالت اصلی بنیاد بر انجام کار خیر اولویت‌دار بر زمین مانده

ویژگی بارز ایشان زمان‌شناسی بود. تمام مؤسساتی را که راه‌اندازی کردند نیاز اولویت‌دار زمان خودشان بود



کردن قرآن متهم می کنند، دارالقرآن را در اصفهان پایه گذاری کردند. در همان زمان باغی را از اوقاف گرفتند و یک اردوگاه تفریحی — آموزشی را برای بچه هایی که در فعالیت های قرآنی حضور دارند ساختند. به محض اینکه بیماری ام اس مطرح شد، ایشان خیریه ای برای بیماران مبتلا به آن راه اندازی کردند. زمان شناسی ایشان بسیار متمایز از دیگران بود و همیشه مرد زمان خودشان بودند.

ویژگی دوم مرحوم مظاهری استمداد از اهل بیت (ع) به ویژه امام عصر (عج) بود. ایشان تمام زندگی شان را به امام زمان (عج) گره زده و معتقد بودند هر کاری را که انجام می دهند در راستای وظیفه انتظار است. این نگاه که منتظر خود باید مصلح باشد در تفکر ایشان بارز بود. حاج آقا مهدی مظاهری منتظر واقعی امام عصر (عج) بودند.

ویژگی سوم ایشان اعتقاد به کار جمعی بود. هیچ کاری را به صورت فردی انجام نمی دادند. حتی مردم را تشویق می کردند که دعا را به شکل جمعی بخوانند و به مجالس دعا رونق فوق العاده ای دادند، همین عبادت جمعی به محوریت توسعه اجتماعی تبدیل شد. جالب است بدانید که تمام مؤسسات خیریه ای را که راه اندازی کرده اند در مجالس دعا ابو حمزه ثمالی معرفی میکردند و از مردم می خواستند در ایجاد این مراکز خیریه کمک کنند. ایشان حتی اواخر عمرشان هم با ویلچر پیش مردم می آمدند و اگر چه دعا خواندن برایشان سخت بود، در مراسم کنار مردم می نشستند و از دعا استفاده می کردند. تلاش ما در بنیاد آلاء نیز این بوده که این سه ویژگی ممتاز مرحوم مظاهری را در فرایندها و ساختارهای بنیاد مد نظر قرار دهیم.



دادیم و به جهت نورانیت این حرم و نیز حسن همجواری با مردم ساده زیست آن منطقه، برکات زیادی را از این تغییر مکان شاهد بودیم.

● به نظر شما مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چه ویژگی متمایزی در عرصه امور خیر داشتند که کار ایشان را متمایز می کند؟

از دید من حاج آقا مظاهری چند ویژگی داشتند که ایشان را از سایر روحانیون و فعالان عرصه خیر متمایز می کند. اولین ویژگی بارز ایشان زمان شناسی بود. تمام مؤسساتی را که راه اندازی کردند نیاز اولویت دار زمان خودشان بود. ایشان زمانی که دعای ابو حمزه ثمالی را آغاز کردند، اوج فساد و فحشا در دوره پهلوی بود و مردم به چنان محافل معنوی نیاز داشتند تا جامعه تپه پیر شود. به مرور، ایشان از مراسم دعا برای جریان سازی اجتماعی استفاده کردند. در زمان شاه، که از مشکلات آموزش و پرورش آگاه شدند، مدرسه تأسیس کردند و خود جزء هیئت امنای مدارس اسلامی اصفهان شدند. وقتی در آستانه انقلاب مسائل اقتصادی، مردم را در مشقت تهیه جهیزیه قرار داد، بنیاد تهیه جهیزیه را راه اندازی کردند. ایشان در دعا ابو حمزه از مردم می خواستند که به جبهه کمک کنند و از جوانان دعوت می کردند تا به جبهه بروند. وقتی سال ۶۷ به سیستان و بلوچستان رفتند و متوجه شدند که اهل سنت آنجا بر روی حفظ و قرائت قرآن فعالیت ویژه دارند و شیعه را به مهجور

● مؤسسه المرحوم ترضی با آن مرکز چیست؟

جامعه المصطفی فقط طلبه خارجی تربیت می کند و وظیفه اعزام مبلغ را ندارد، در حالی که این مؤسسه طلاب ایرانی را برای خارج از کشور تربیت می کند و اعزام طلبه های ایرانی و خارجی به سایر کشورها را بر عهده دارد. البته سازمان فرهنگ و ارتباطات نیز اعزام مبلغ به خارج از کشور را به صورت موسمی و مدت دار مثلاً یک ماهه انجام می دهد، اما مبلغان اعزامی ما بیش از سه سال در محل خدمت خود می مانند و حتی در محل خدمت خود ازدواج و زندگی می کنند. بسیاری از مراکز برای مسلمانان مبلغ اعزام می کنند اما مخاطب اصلی ما غیر مسلمانان هستند.

● در خیر ماندگار چه اقداماتی انجام می شود؟

در بحث خیر ماندگار چهار عرصه فعالیت شامل: تولید دانش امر خیر، مدرسه خیر ماندگار، اصلاح الگوهای مدیریتی امر خیر و ترویج و فرهنگ سازی امر خیر را در دستور کار داریم.

● چرا دفتر بنیاد آلاء در یکی از مناطق کم برخوردار شهر اصفهان راه اندازی شده است؟

قبلاً دفتر مؤسسه در یکی از بهترین نقاط اصفهان قرار داشت اما به این نتیجه رسیدیم که نمی توان بالای شهر نشست و برای مردم پایین شهر تصمیم گرفت. تا از نزدیک مشکلات مردم را نبینیم، نمی توانیم مشکلاتشان را درک کنیم. بنابراین محل بنیاد را عوض کردیم و آن را به جنب حرم حضرت زینب بنت موسی بن جعفر (ع) انتقال



روایتی از تأسیس انجمن فیزیو و مرکز درمانی اماس در اصفهان

چاره جویی «حاج شیخ مهدی» برای بیماران اماس

یکی از خدمات اجتماعی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در زمینه بهداشت و درمان، تأسیس انجمن خیریه اماس اصفهان و در ادامه تأسیس مرکز تحقیقاتی، آموزشی و درمانی اماس اصفهان در مساحتی بالغ بر چهار هزار متر مربع به کمک خیرین بود. با حاج اصغر صیوری، رئیس انجمن خیریه اماس و دوست و همراه قدیمی «حاج شیخ مهدی»، درباره ویژگی‌های آن استاد اخلاق و خدمت ماندگار ایشان به بیماران اماس گفت‌وگو کردیم.

● آقای صیوری سابقه آشنایی شما با مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به چه زمانی بازمی‌گردد و چطور با هم رفیق شدید؟

بیش از ۵۰ سال پیش با مرحوم آقای مظاهری رفیق شدم. عین دو برادر و حتی عین پدر و فرزند بودیم. در دهه ۴۰ زمانی که نوجوان بودم، حاج آقا مظاهری در تکیه کوهی که به آن تکیه ملک می‌گفتند دعای کمیل برگزار می‌کردند.

دعای کمیل حاج آقا مظاهری واقعاً حال و هوای خیلی خوبی داشت. صدایشان خیلی خوب و نفسشان بسیار گیرا بود. در حین دعا برای نیازمندان نیز پولی جمع می‌کردند. از آنجا بود که ما به اصطلاح عاشق حاج آقا مظاهری شدیم. کم کم طوری شد که با خانواده ایشان مخصوصاً دامادشان، حاج عباس دیانی، رفت و آمد داشتیم.

● آن زمان دعای ابوحمزه و ندبه را کجا می‌خواندند؟

دعای ندبه و ابوحمزه را آن زمان به شکل سیار در خانه‌ها و مساجد مختلف برگزار می‌کردند. بعد از انقلاب دعای ابوحمزه را در مسجد جامع برگزار می‌کردند که گاهی صد هزار نفر در آن شرکت می‌کردند و بی‌نظیر بود. خاطره‌ای خدمت شما بگویم؛ چندین سال پیش حاج آقای قرائتی گفتند: «خدمت مقام معظم رهبری بودم، رهبری پرسیدند حال حاج شیخ مهدی مظاهری چطور است؟ گفتم خوب هستند. دعای ابوحمزه ایشان هم برقرار است و شب‌های ماه رمضان حدود ۱۰۰ هزار نفر در آن شرکت می‌کنند. آقا فرمودند این جمعیت زیاد کجا مستقر می‌شوند؟! گفتم تمام شبستان‌های مسجد جامع و خیابان‌های اطراف پر از جمعیت می‌شود.» آوازه دعا‌های حاج آقای مظاهری به شهرهای

دیگر نیز رسیده بود. لذا در مناسبت‌های مختلف مکرراً از ایشان درخواست و دعوت می‌کردند که مهمان شهرهای دیگر شوند و مراسم دعا را برگزار کنند.

● شما سفرهای حج بسیاری هم با ایشان داشته‌اید. چه خاطراتی از آن ایام دارید؟
بله، من بیش از ۲۰ سفر با حاج آقای مظاهری به مکه مشرف شدم. مدیر کاروان بودم و حاج آقا، روحانی کاروان. خیلی از مردم اصفهان به خاطر حضور حاج آقا مظاهری می‌آمدند پیش ما ثبت‌نام می‌کردند تا عمره و حج را در خدمت حاج آقا باشند. یکی از بهترین خاطرات من از حج ایشان به روزهای عرفه مربوط است. دعای عرفه حاج آقا مظاهری آن قدر مشهور و خوب بود که همه به چادر اصفهانی‌های می‌آمدند، اصفهانی‌ها چادرهایشان را به هم گره می‌زدند و مثل یک سالن خیلی بزرگ پنج، شش هزار نفری می‌شد.

دعای عرفه حاج آقا واقعاً سوز و حال معنوی داشت، چون برای خودش می‌خواند و کاری به کسی نداشت، یک «یا الله» که می‌گفت، همه متقلب می‌شدند.

● این‌طور که گفته می‌شود، اولین دعای کمیل ایرانی‌ها را در مدینه ایشان خواندند؟

خیر، اولین دعای کمیل نبود. اولین دعای کمیل بعد از حج خونین بود. سال ۱۳۷۱ بود و من هم آن سال در حج حضور داشتم. حاج آقا مظاهری به دعوت بعثه، پشت قبرستان بقیع دعای کمیل خواندند. معمولاً بعثه هر سال از یک شخصیت مطرح برای این کار استفاده می‌کرد.

● پیردازیم به تأسیس انجمن خیریه اماس که این کار در سال ۱۳۸۱ انجام شد؛ آن زمان اماس بیماری چندان شناخته شده‌ای نبود. چه شد که مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری تصمیم گرفتند برای این بیماران چاره جویی کنند؟

همان زمان بعضی از متخصصان مغز و اعصاب که در این کار بودند، با حاج آقا مراوده داشتند و حاج آقا از وجود این بیماری و سختی‌هایی

حاج آقا از وجود این بیماری و سختی‌هایی

جمع کنم. گفتم حاج آقا امشب کسی نیست، چون وسط هفته است. گفتند من تصمیم خود را گرفته‌ام که بعد از نماز مغرب و عشاء پول جمع کنم؛ بعد از نماز ایستادند و درباره ساختن یک ساختمان برای بیماران اماس صحبت کردند. دیدم خبری نشد و بیشتر از چهار، پنج میلیون تومان جمع نشد. وقتی با حاج آقا به دفتر مسجد رفتیم دو نفر آمدند گفتند که حاج آقا یک طبقه از ساختمان را ما تقبل می‌کنیم و تعهد کردند که نفری صد میلیون تومان پرداخت کنند. این نشان از اخلاص و اراده حاج آقا در کار خیر بود. خدمات ایشان فقط محدود به اصفهان هم نبود، بلکه در بسیاری از شهرها مسجد و حسینیه ساختند، حتی در مشهد هم حسینیه اصفهانی‌ها به همت ایشان توسعه پیدا کرد و مسجد ملاحیدر با کمک ایشان مورد بازسازی قرار گرفت.

جا دارد اینجا از نقش پسر حاج آقا مظاهری، مرحوم حاج محسن مظاهری، نیز در کمک به مرکز اماس یاد کنم که از خیران و کارآفرینان بودند و از هر کاری که از دستشان برمی‌آمد، برای کمک مالی به مجموعه دریغ نمی‌کردند.

● چند بیمار در این مرکز تحت پوشش هستند؟

استان اصفهان حدود هشت هزار بیمار اماس دارد که ۸۰۰ نفر از این تعداد تحت پوشش مرکز هستند. ماهیانه به افراد، کمک‌های توان بخشی، دارویی و غیرنقدی ارائه می‌دهیم. متخصصان مغز و اعصاب مرکز هر روز صبح تا ظهر اینجا مستقر هستند و روزانه حدوداً ۵۰ تا ۶۰ بیمار اماس را ویزیت می‌کنند.

● اگر بخواهید مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری را در یک جمله توصیف کنید، چه می‌گویید؟

خداوند به واسطه خلوص نیت و همت، به ایشان عزت داده بود. مردی خستگی‌ناپذیر و با عزت بودند. اگر هر لحظه اراده می‌کردند و با هر یک از مسئولان اصفهان تماس می‌گرفتند، فوراً خود را به محضر ایشان می‌رساندند. همه به ایشان اعتماد داشتند و می‌دانستند شخصیتی است که می‌خواهد مشکلات مردم را حل کند.



مرکز تحقیقاتی، آموزشی و درمانی اماس اصفهان باز هم به همت حاج آقا در مساحتی بالغ بر چهار هزار مترمربع و چهار طبقه ساخته شد که طبقه اول آن مربوط به کلینیک‌ها و داروخانه است.

در طبقه دوم درمانگاه‌های بازتوانی و انواع وسایل توان بخشی تعبیه شده است. طبقه سوم این مرکز نیز به بخش تحقیقات شامل آزمایشگاه‌های مخصوص کارهای تحقیقاتی و طبقه چهارم هم به انجمن اماس و کلاس‌های آموزشی و برگزاری سمینار اختصاص دارد.

برای ساخت این مرکز هیچ فعالیت دولتی یا به اصطلاح کمک‌های دولتی در کار نبود و فقط کمک‌های مردمی و همت حاج آقا بود. زمین مرکز را مرحوم بحرینیان تقبل کردند و طبقات آن را خیران ساختند. مرحوم حاج آقا مظاهری یک شب با من تماس گرفتند و گفتند که به مسجدالنبی بیا. وقتی رفتم گفتند که استخاره کرده‌ام و امشب باید برای ساختمان اماس پول

که بیمارانش می‌کشند مطلع بودند. یکی دو نفر از بستگان نزدیکشان نیز مبتلا به اماس بودند. حاج آقا مصمم بودند که انجمن خیریه‌ای برای کمک به بیماران اماس تأسیس شود. کار انجمن از همان سال ۸۱ با کمک‌های دارویی به بیماران اماس آغاز شد.

● انجمن را خود حاج شیخ مهدی مظاهری تأسیس کردند؟

بله

● اولین خیریه اماس ایران بود؟

خیر، در تهران مراکز خیریه و درمانی برای اماس وجود داشت اما در اصفهان مرکز درمانی در این زمینه وجود نداشت.

● مرکز درمانی اماس چه زمانی و چگونه تأسیس شد؟

پنج شش سال بعد از تأسیس انجمن خیریه،



استان اصفهان
حدود هشت
هزار بیمار
اماس دارد
که ۸۰۰ نفر
از این تعداد
تحت پوشش
مرکز هستند.
ماهیانه به افراد،
کمک‌های
توان بخشی،
دارویی و
غیرنقدی ارائه
می‌دهیم

کردیم. تا اینکه مدتی بعد ادامه کار را دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دنبال کرد. همچنین عضو هیئت امنای بیمارستان امام حسین (ع) (ویژه بیماران صعب‌العلاج و هموفیلی) و... نیز هستیم.

● شرایط ورود خیرین به عرصه سلامت چگونه است و در حال حاضر این اقدام چقدر ضرورت دارد؟
البته ضرورت فعالیت در این حوزه بالاست، اما باید با جلسات و تبلیغات رسانه‌های گروهی و مجامع مختلف، مردم را به حضور در این عرصه تشویق کرد و مردم هم چون شاهد نیاز جامعه هستند در این رابطه همت کرده و می‌کنند.

● انجمن خیرین سلامت در حال حاضر چه اندازه فعال است و شما چقدر در آن حضور دارید؟
این انجمن در حال حاضر فعال است، نشست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی هم داریم که کارهای اخیرشان را تشویق و ترغیب می‌کنم. به واسطه کسالت نمی‌توانم در جلسات حضور پیدا کنم. دورادور از روند این جلسات اطلاعاتی دارم، گاهی نیز دوستان حاضر در انجمن برای مشورت و دریافت راهکار به من مراجعه می‌کنند.

● مردم چه اندازه با خیریه‌ها آشنا هستند؟
میزان آشنایی با خیریه‌ها در استان خوب است به شکلی که مردم اصفهان حدود ۶۰ یا ۷۰ درصد باین اقدامات آشنایی دارند، چون تعدادی برای کمک گرفتن و تعداد دیگری برای کمک کردن به این خیریه‌ها مراجعه می‌کنند.

● این خیریه‌ها چه خدماتی به مردم نیازمند ارائه می‌دهند؟
در رابطه با سلامت، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌هایی وجود دارد. همچنین مؤسسات خیریه‌ای برای جراحی قلب، تعویض کلیه، تعویض کبد، بیماران «ام‌اس»، جراحی چشم، بیماران سرطانی و هموفیلی وجود دارند، مواردی که عرض کردم به علاوه امور فراوان دیگری از جمله خدماتی است که این خیریه‌ها به مردم عرضه می‌کنند.

● در همه این ایام که به کار خیر مشغول بودید، آیا موردی وجود داشته که به صورت

عضویت در
هیئت امنای
مرکز آموزشی
درمانی امام
حسین (ع)،
بیمارستان
الزهرا (س)
اصفهان، انجمن
خیرین سلامت
و تأسیس
مرکز آموزشی
درمانی شهید
چمران بخشی
از فعالیت‌های
مرحوم
مظاهری در
حوزه سلامت
است



نیم‌نگاهی به فعالیت‌های «حاج شیخ مهدی» در حوزه سلامت

دغدغه سلامت جسم و روح در اندیشه مرحوم مظاهری

بخش مهمی از خدمات اجتماعی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری مربوط به حوزه سلامت و درمان است. ایشان علاوه بر مشارکت در ساخت و بازسازی ده‌ها مدرسه، مسجد و حسینیه، به مشارکت در تأسیس بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مختلف از طریق جلب مشارکت‌های مردمی اقدام کردند. عضویت در هیئت امنای مرکز آموزشی درمانی امام حسین (ع)، بیمارستان الزهرا (س) اصفهان، انجمن خیرین سلامت و تأسیس مرکز آموزشی درمانی شهید چمران بخشی از فعالیت‌های مرحوم مظاهری در حوزه سلامت است. آنچه در ذیل می‌آید، یکی از مصاحبه‌های ایشان درباره فعالیت خیر در حوزه سلامت است.

● حاج آقای مظاهری فعالیت‌های شما در حوزه سلامت چگونه بوده است؟
تشکیل انجمن «ام‌اس» جهت کمک به بیماران ام‌اسی و تحقیق و پژوهشی پیرامون این بیماری و تشکیل انجمن صرع جهت کمک به بیماران صرع از جمله فعالیت‌هاییم در حوزه سلامت است. بنده جزء افرادی بودم که با همت و کمک مردم بیمارستان شهید دکتر چمران را تأسیس

این افراد بدون هیچ پرستاری ایام می گذرانند. در برخی از موارد می بینیم که حتی همسران این افراد نیز آنان را ترک و خیلی شرایط سخت و بدی پیدایمی کنند.

● **اینکه می گویند خداوند به برکت کار خیر، خانواده و شخص نیکو کار را از جمیع بلا بادر امان می دارد، برای شما تجربه شده است؟**
خداوند در قرآن فرموده اند: «لئن شکرتم لازیدنکم؛ اگر کسی شکر نعمت های خداوند را به جای آورد، خداوند نعمت هایش را برای آن فرد افزون تر می کند.» شکر هر نعمتی را با همان نعمت پاسخ می دهند. اگر کسی سلامتی دارد فقط شکر سلامتی کافی نیست. می بایست اگر توانایی دارد در جهت کمک به افرادی که مبتلا به بیماری هستند اقدام کند و در کنار این کمک بابت پر خور داری از این نعمت خداوند را شکر کند. زمانی که این شکر را به صورت رفتاری انجام دهد طبیعتاً می بیند که خداوند خودش و خانواده اش را به این بیماری ها مبتلا نمی کند. این کار مثل صدقه دادن است.

● **خیرین در زمینه اقتصادی از مال خود گذشت می کنند و این کار کوچکی نیست اما بزرگتر از گذشت اقتصادی چه گذشتی داریم؟**

افرادی که به بیماران و مبتلایان کمک می کنند و از آنان پرستاری می کنند، کار بزرگی انجام می دهند. بعضی از بیماران ام اس که عرض کردم شرایط مالی خوبی هم دارند، اما کسی را ندارند که کمکشان کند، حمامشان ببرد و... افرادی که از این بیماران پرستاری می کنند، بسیار بیشتر از آنانی که کمک مالی می کنند مهم هستند.

● **اگر امکان اقتصادی، اجرایی و وقت گذاری بیشتر از این داشتید، بر چه کارهای خیری بیشتر متمرکز می شدید؟**

اگر آدم بتواند کارهای خیر را در امور فرهنگی برنامه ریزی کند، ارزش افزوده دارد، چون اگر فکر افراد سلامت پیدا کند و هدایت شود، یک نفر می تواند صدها بلکه هزاران نفر را با تبلیغ و ترویج به مسیر خودسازی بیاورد. این رسالتی است که پیامبر اسلام (ص) انجام دادند. رأس کلیه امور خیر، فعالیت های فرهنگی است.



و دیگر نمی توانند هیچ حرکتی داشته باشد، اما از نظر فکر و ذهن بسیار فعال اند و متوجه همه امور می شوند، زندگی برای این انسان ها ادامه دارد و اطرافیان شان هم به قدری خسته می شوند که دیگر توان کمک کردن به آنان را ندارند و آن ها را رهامی کنند و می روند. بیمار می ماند و آن شرایط سخت و دیگر کسی هم نیست که آنان را کمک کند. زمانی که به دیدن اینان می رویم، می بینیم

ویژه شمار تحت تأثیر قرار بدهد؟

بله، در میان بیماران ام اس بعضی در همان ابتدای بیماری وضعیت بسیار سختی پیدا می کنند، به شکلی که دیگر کنترلی بر خود ندارند و حتی کنترل دست و پاهایشان را از دست می دهند و در اواخر بیماری حتی در عمل بلعشان هم دچار مشکل می شوند. در مجموع، شرایط این بیماران به گونه ای می شود که در بستر گرفتار می شوند



اگر آدم بتواند کارهای خیر را در امور فرهنگی برنامه ریزی کند، ارزش افزوده دارد، چون اگر فکر افراد سلامت پیدا کند و هدایت شود، یک نفر می تواند صدها بلکه هزاران نفر را با تبلیغ و ترویج به مسیر خودسازی بیاورد

تأسیس دارالقرآن الکریم اصفهان در سال ۱۳۶۷ برگ زرین دیگری در افتخارات و خدمات اجتماعی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری است، مرکزی که اکنون بیش از ۱۵۰ شعبه در استان اصفهان دارد و هشت مدرسه دخترانه و پسرانه ذیل آن فعالیت می کنند. با سیدمجید عاملیان، مدیرعامل کنونی این دارالقرآن، که سابقه مدیریت آموزش و پرورش استان اصفهان و عضویت در دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش را در کارنامه دارد، درباره برکات و اثرات این مجموعه سترگ قرآنی به گفت و گو پرداختیم.

● جناب عاملیان، تأسیس دارالقرآن الکریم اصفهان به همت مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چه تأثیری بر فعالیت های قرآنی کشور داشته است؟

امتیاز دارالقرآن اصفهان، که حاج آقای مظاهری آن را پایه گذاری کرد، این است که اولین مرکز رسمی نام و نشان دار با ساختار تشکیلاتی و دارای برنامه در استان محسوب می شود و می توان آن را جزء اولین های کشور در زمینه قرآن به شمار آورد. بعد از آن بسیاری از مؤسسات قرآنی با این مدل تشکیلاتی کار قرآنی را پی گرفتند. بعضی از پایه گذاران مؤسسات قرآنی اصفهان از خروجی های دارالقرآن حاج آقای مظاهری بودند. تا قبل از تأسیس دارالقرآن، برنامه های قرآنی بیشتر به صورت جلسهای و محفلی اداره می شد و جلسات با سابقه قرآنی در شهر عمدتاً عهده دار ترویج آموزش های قرآنی به صورت محدود بودند. نکته دیگر درباره دارالقرآن الکریم اصفهان،



خاطره

مجموعه ای که اکنون پس از ۳۰ سال، با ۸۶۳ کلاس درس، بیش از ۱۲ هزار نفر را در سطح استان اصفهان تحت تعلیم خود دارد. حجت الاسلام حاج علی دبانی، نوه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، درباره ماجرای تأسیس دارالقرآن می گوید: «حدود سال ۶۷ مرحوم حاج آقا دارالقرآن کریم اصفهان را تأسیس کردند. علت آن هم این بود که ایشان همراه با مرحوم آقای بهلول، که مردی بی نظیر و رهبر قیام تاریخی گوهرشاد بود، به زاهدان سفر کرده بودند.

در مناطق مشترک شیعه و اهل سنت در مساجد اهل سنت حضور پیدا کرده و دیده بودند که کودکان و نوجوانان مرتب مشغول حفظ و انس با قرآن هستند. لذا این مطلب ایشان را سخت به فکر فرو برده بود. شیعه مذهب حق است و در حقیقت آنکه عامل به قرآن است، پیرو امیر المؤمنین علی (ع) است. پس شیعه باید به قرآن اهمیت دهد.

ماجرای تأسیس دارالقرآن

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) خیزشی برآمده از قرآن بود، اما با این حال حتی در سال های پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، آنچنان که باید به ایجاد مراکز و مؤسسه های قرآنی به منظور تربیت قاریان و حافظان توجه نمی شد. تأسیس دارالقرآن الکریم اصفهان به دست مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در سال ۱۳۶۷، که اسم نخست آن «دارالقرآن الکریم للتحفیظ والتعلیم» بود، از نخستین اقدامات منسجم و تشکیلاتی مردمی و قرآنی در جمهوری اسلامی محسوب می شد.

دیدگاه

ممایت از جلسات قرآن

استاد مهدی زعفرانی، یکی از قدیمی ترین معلمان قرآن اصفهان است که هنوز با بیش از ۸۰ سال سن به این امر مبادرت می ورزد. استاد زعفرانی هم دوره مرحوم استاد شکوهنده، معلم قرآن مشهور شهر اصفهان، است و اساتیدی همچون غلامرضا شاهمیوه و مسعود نیکدستی در جلسات ایشان شرکت کرده اند. این استاد پیشکسوت درباره مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری می گوید: «ایشان خیلی به صدای من علاقه داشتند. خیلی مارا همراهی کردند و به اصطلاح به ماقوه و انرژی دادند. مرحوم آقای مظاهری از ما می خواستند که جلسات قرآن را با قدرت در شهر اصفهان ادامه بدهیم. برای ترویج کار قرآن، دارالقرآن و بعد دانشگاه قرآن را تأسیس کردند. در کارهای خیر از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردند. خیریه های زیادی از جمله انجمن مددکاری امام زمان (عج) و یژه ایتم راه اندازی کردند و از کمک مالی هم دریغ نداشتند. ایشان و مرحوم آقای سمائیان بسیار به مسجد النبی اصفهان و فعالیت های قرآنی آن کمک کردند»



از نگاه بنده و همه
کسانی که در
شهر اصفهان با
نام و فعالیت های
ایشان آشنایی
دارند، بارز ترین
خصوصیت
ایشان چند بعدی
و جامع الاطراف
بودن و
چند جانبه نگری
در مسائل
اجتماعی و
فرهنگی بود

اصفهان برگشتم، کسالت ایشان شدیدتر شده بود و من در آن زمان که چند ماه قبل از وفاتشان بود مسئولیت را عهده دار شدم. الان حدود دو سال و چند ماه است که عهده دار مسئولیت هستم.

● اگر بخواهید ایشان را در چند جمله توصیف کنید، چه می گوید؟

از نگاه بنده و همه کسانی که در شهر اصفهان با نام و فعالیت های ایشان آشنایی دارند، بارزترین خصوصیت ایشان چند بعدی و جامع الاطراف بودن و چند جانبه نگری در مسائل اجتماعی و فرهنگی بود. اگر نگاهی به فعالیت های ایشان بیندازید، می بینید که نگران وضعیت جامعه بودند و برای همه اقشار جامعه دلسوزی میکردند. وقتی از بُعد مادی نگاه کنید، می بینید که ایشان توجه ویژه به فقرا، سیر کردن و پوشاندن مساکین، کمک به ایتم، کمک به جوانان نیازمند و ... داشتند. تأسیس انجمن مددکاری امام زمان (عج) و یژه ایتم و صندوق جهیزیه صاحب الزمان (عج) نمونه بارز این توجه است. ضمناً این ها مراکزی هستند که علاوه بر ارائه کمک مالی، کار فرهنگی هم می کنند، چون دغدغه ایشان این بود که کمک مالی و کار فرهنگی در کنار هم باشد. در مورد درمان بیماری، انجمن های خیریه، مراکز درمانی و بیمارستان های مختلف را تأسیس کردند. مؤسسه ابابصیر را نیز برای کمک مالی، درمانی و فرهنگی به نابینایان تأسیس کردند. لذا مهم ترین ویژگی شخصیتی ایشان را نگاه چند بعدی و تفکر چند وجهی می دانم و خیرات و برکاتی هم که از ایشان در اصفهان و حتی در ایران به جای مانده مؤید این مطلب است.

آینده نگری درباره این مجموعه است که از همان بدو تأسیس وجود داشته است، از همان روزهای نخستین بیش از هزار نفر از دانش آموزان دختر و پسر تابستان ها جذب می شدند، به کارهای درسی و ورزشی می پرداختند و به اردوی مشهد برده می شدند. کم کم شعب دارالقرآن نیز تأسیس شد که بیشتر بر روی فعالیت های بانوان تمرکز می کرد. همزمان یک تفکر نیروسازی و تربیت معلم قرآن در دستور کار بنیانگذاران دارالقرآن وجود داشت. محصول این تفکر تأسیس دانشگاه بزرگ معارف قرآن و عترت شد که خروجی آن معلم قرآن و افرادی است که با علوم قرآنی آشنایی دارند.

● سابقه آشنایی شما با مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به چه زمانی برمی گردد؟

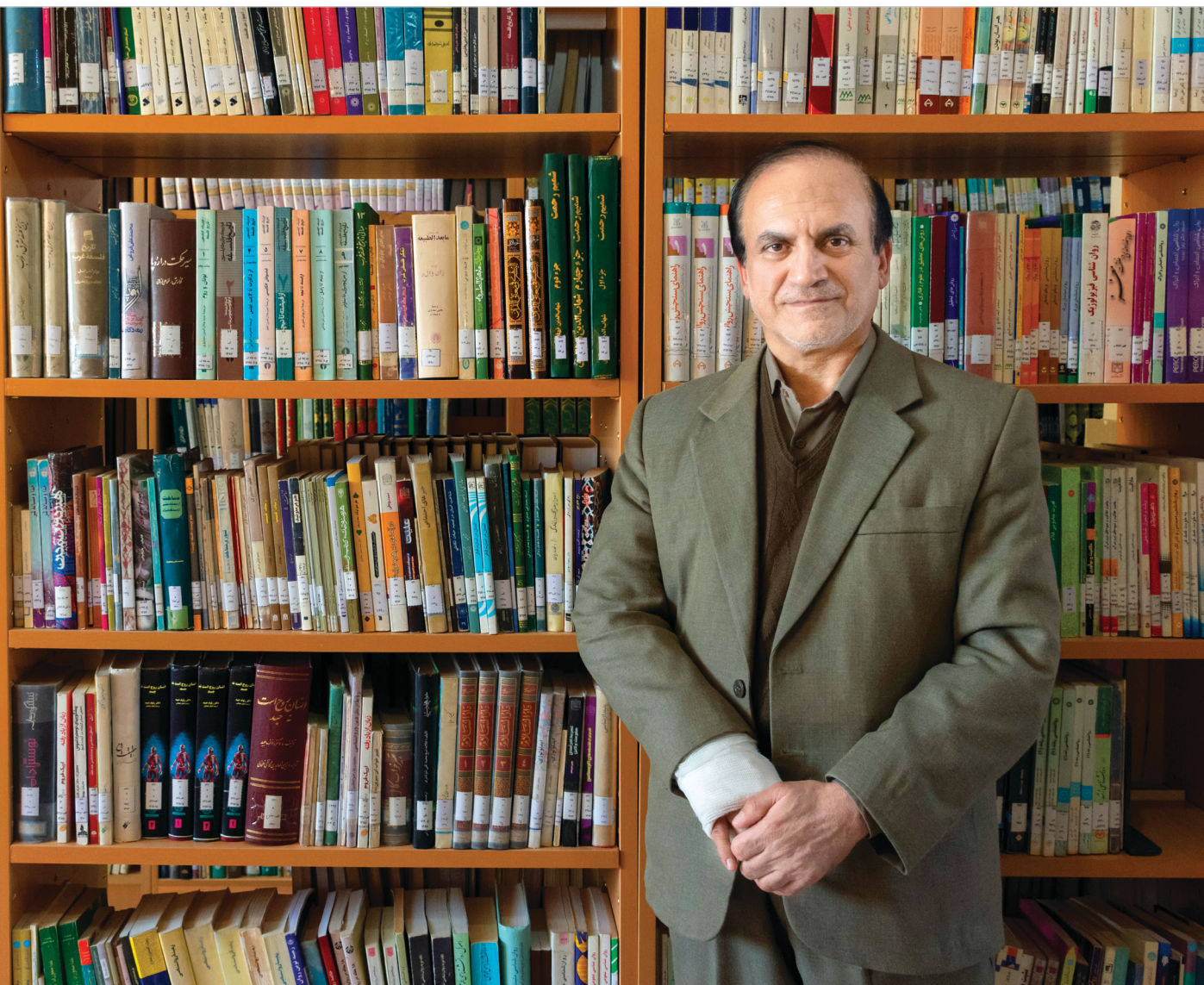
از دوران کودکی از طریق مناجات ها و مناسبت هایی مانند ماه رمضان با ایشان آشنا شدم. بعداً هم ارتباط کاری پیدا کردیم. به دلیل فعالیت هایمان به منظور جذب نوجوانان در دارالقرآن از سال های اولیه تأسیس آن کمک می کردیم. در سال های اخیر، که بیماری حاج آقا شدت گرفته بود، قدرت تکلمشان ضعیف شده بود، اما با همان حال با من تماس گرفتند. آن زمان مدیر آموزش و پرورش بودم - و گفتند: «من دیگر به خودم راهبردار نیستم». این جمله در ادبیات ما اصفهانی ها کنایه از این است که دیگر عمر طولانی در خودم سراغ ندارم. سپس فرمودند: «من نگران دارالقرآن هستم». پیشنهادشان این بود که من مسئولیت آن را بر عهده بگیرم. بنده آن موقع مجبور بودم به تهران بروم. پس از مدتی که به

علاقه مند بودند و افرادی را که حافظ، قاری و مربی قرآن بودند، مورد تکریم قرار می دادند. حفاظ در مجالس و منابر حاج آقا شرکت می کردند. ایشان هم روی منبر آنان را امتحان می کردند تا مردم این صحنه ها و اجراها را ببینند و متأثر شوند و تصمیم بگیرند با حفظ قرآن و خواندن قرآن انس پیدا کنند. از جمله کسانی که حاج آقا او را خیلی مورد تشویق قرار دادند دکتر سید محمد حسین طباطبایی، حافظ پنج ساله قرآن، بود. این حافظ قرآن در سفری به اصفهان آمد و در مجلس حاج آقا مظاهری شرکت کرد. خاطرم هست که ایشان از سید محمد حسین طباطبایی پرسیدند: من را چگونه دیدی؟ آقا سید محمد حسین در جواب، این آیه را خواندند: سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ اثر سجده ها و عبادت خداوند در چهره شان مشهود است (فتح، ۲۹).

وقتی از آن سفر برگشتند در مجالس مختلف مکرراً به مردم سفارش می کردند که باید اهل قرآن شوید و فرزندان را بیشتر با قرآن مانوس کنید. لذا دارالقرآن اصفهان را تأسیس کردند.

این مجموعه مرکز مهم و بی نظیری برای قرآن کریم در اصفهان محسوب می شد و افراد قرآنی زیادی در آن به فعالیت مشغول شدند. سالها بعد کسانی که در دارالقرآن فعالیت کردند مراکز مهم دیگری را تأسیس کردند.

شاید بتوان گفت دارالقرآن الکریم اصفهان مادر مراکز قرآنی اصفهان بعد از انقلاب است که بیش از ۱۵۰ شعبه در سطح شهر و استان اصفهان دارد. دانشگاه معارف قرآن و حدیث نیز در امتداد همین مجموعه تأسیس شد و هزاران نفر به عنوان کارشناس قرآن در آنجا تربیت شدند. مرحوم حاج آقای مظاهری به حفظ و قرائت قرآن بسیار



تعبیری از مقام معظم رهبری

دانشگاه قرآن؛ قله اقدامات «حاج شیخ مهدی»

● آقای ذوقفاری، دانشگاه معارف قرآن و عترت چگونه تأسیس شد و نقش مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در آن چه بود؟
بنیان اولیه تأسیس دانشگاه از راه اندازی یک مرکز آموزش روخوانی و حفظ قرآن (دارالقرآن الکریم اصفهان) شروع شد. مرحوم مظاهری همت والایی در امور خیریه شهر اصفهان داشتند و مراکز متعدد خیریه تأسیس کردند. پس از انقلاب این سؤال مطرح شد که چرا تعداد حافظان قرآن در جامعه شیعه کم است، به همین دلیل ایشان به فکر افتتاح مرکزی برای آموزش روخوانی و حفظ قرآن افتادند تا در این مرکز سازوکار حفظ قرآن برای افراد تهیه شود. همین نیت موجب

دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان یکی از به یادماندنی ترین خدمات اجتماعی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری محسوب می شود، آن گونه که دکتر شهاب الدین ذوقفاری، رئیس دانشگاه، می گوید مقام معظم رهبری این دانشگاه را «قله اقدامات آقای مظاهری» دانسته اند. با دکتر ذوقفاری در دفتر کارشان به گفت و گو پرداختیم و درباره فراز و نشیب های دانشگاه و نقش مرحوم مظاهری در تکوین این مجموعه قرآنی سؤال کردیم.

تأمین می شود؟

دانشگاه هم‌هزینه‌های جاری دارد و هم‌هزینه‌های عمرانی؛ زمین دانشگاه اهدایی است. شخصی به نام آقای نخچیان به واسطه آشنایی با حاج آقا مظاهری این زمین را اهدا کردند و بعد به همت خیرین از جمله حاج آقای اراقی از دوستان حاج آقا و مرحوم حاج محسن مظاهری، فرزند حاج آقا، این ساختمان ساخته شد. یعنی هزینه‌های عمرانی عموماً باید از طرف خیرین قرآنی تأمین شود، اما مخارج جاری از طریق شهریه دانشجویان تأمین می‌شود. توجه کنید که سیاست ما ارائه تخفیف به دانشجویان است. بر همین مبنا سال گذشته از سوی کمیته تعاون دانشگاه ۳۰۰ میلیون تومان به دانشجویان نیازمند تخفیف داده شد. این تخفیف در حالی اعمال شد که به صورت محسوس مشکل بودجه داریم.

یعنی کمک دولتی دریافت نمی‌کنید؟

خیر، چند سال پیش یکی دو بار دولت رقمی را اختصاص داد، اما پس از آن دیگر این کار را نکرد، در حالی که فارغ‌التحصیلان ما جذب آموزش و پرورش و نیز آموزش عالی می‌شوند و چنین نیروهایی تربیت می‌کنیم، اما از هیچ حمایت دولتی برخوردار نیستیم.

سابقه مراوده و ارتباط شما با مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به چه زمانی باز می‌گردد؟ و چه ویژگی‌های ممتازی در ایشان سراغ داشتید؟

سابقه آشنایی خانوادگی ما با ایشان در اصل به ۶۰ تا ۷۰ سال پیش برمی‌گردد. پدرم از زمان نوجوانی با مرحوم مظاهری در ارتباط بودند. زمانی که کودک بودم، مرحوم حاج آقای مظاهری در منزل پدری من منبر می‌رفتند، چون پدر ما روضه خانگی برگزار می‌کرد. زمانی که دبستان می‌رفتم در دعای ابو حمزه ثمالی ایشان شرکت می‌کردم. دعاخوانی ایشان صدایی مانند امواج دریا را برای انسان تداعی می‌کرد. خودشان هم همراه با دعا گریه می‌کردند لذا حال معنوی عجیبی به مخاطبان دست می‌داد. بعدها در دارالقرآن ایشان مشغول تدریس شدم و سال‌های متمادی در خدمت ایشان بودم. به نظر من، خلوص و مردم‌داری مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی ایشان بود.

می‌کنند، مدرک داده شود. لذا مرکز به عنوان مؤسسه آموزش عالی نوع دوم مجوز فعالیت گرفت و از آن پس برنامه درسی از طریق آموزش عالی ارائه شد.

بعد از اخذ مجوز در همین ساختمان فعلی، کار را آغاز کردید؟

خیر، این ساختمان اصلاً وجود نداشت. ۱۰ یا ۱۲ سال است که اینجا احداث شده. قبلاً در منزل مرحوم آیت‌الله خادمی، مدرسه علمیه‌ای به نام «مدرسه النفیس» بود که صبح‌ها مدرسه علمیه خواهران و بعدازظهرها در اختیار ما بود. اسمش هم مؤسسه آموزش عالی دارالقرآن بود. بعد از آن به خیابان مسجدسید منتقل شدیم. از سال ۱۳۷۵ از طریق کنکور سراسری دانشجوی کارشناسی جذب کردیم، چون قبل از آن تا سطح کاردانی می‌توانستیم مدرک بدهیم. از آن سال به بعد، هم دانشجوی کارشناسی و هم دانشجوی کاردانی گرفتیم. همزمان کلاس‌های آزاد آموزش قرآن نیز برگزار می‌کردیم. با گذشت زمان به دانشکده معارف قرآنی تبدیل شدید. برای تبدیل دانشکده به دانشگاه لازم بود که دانشکده‌ها و رشته‌های متعدد داشته باشیم. از سال ۱۳۸۴ به این ساختمان آمدم و مجوز تأسیس دانشگاه را گرفتیم. حضرت آیت‌الله مکارم از رئیس‌جمهور وقت خواسته بودند که برای صدور مجوز دانشگاه کمک کنند و ایشان هم عنایتی کرده بودند و این امر محقق شد. همچنین ۱۲ سال است که دانشجوی کارشناسی ارشد جذب می‌کنیم و در تلاش و برنامه‌ریزی برای جذب دانشجوی دوره دکتری هستیم.

در حال حاضر چند دانشکده و دانشجو دارید؟

سه دانشکده «الهیات و معارف اسلامی»، «تعلیم و تربیت» و «روانشناسی» که ذیل هر دانشکده چند رشته داریم. اکنون بیش از هزار دانشجو در این دانشگاه تحصیل می‌کنند. البته به طور کلی استقبال دانشجویان خانم بیشتر بوده و حدود دوسوم دانشجویان ما را خواهران تشکیل می‌دهند. هم دانشجوی آقادریم و هم دانشجوی خانم، اما کلاس‌ها تفکیک شده برگزار می‌شود. دو خوابگاه برای دانشجویان شهرستانی نیز داریم.

در حال حاضر هزینه‌های دانشگاه از کجا

دعاخوانی
ایشان صدایی
مانند امواج دریا
را برای انسان
تداعی می‌کرد.
خودشان هم
همراه با دعا
گریه می‌کردند
لذا حال معنوی
عجیبی به
مخاطبان دست
می‌داد. بعدها
در دارالقرآن
ایشان مشغول
تدریس شدم
و سال‌های
متمادی در
خدمت ایشان
بودم



تأسیس دارالقرآن در سال ۱۳۶۷ شد. بعد از اینکه دارالقرآن تأسیس شد این نیاز را احساس کردند که باید مربی قرآن هم تربیت شود. چون آموزش روخوانی و حفظ قرآن به مربی خوب هم نیاز دارد. آن موقع کلاس‌های حفظ قرآن و مربیان حفظ قرآن بسیار کم بود و وضعیت مثل حالا نبود. لذا کم کم کلاس‌های تربیت مربی قرآن آغاز شد و من نیز از نیمه دوم سال ۱۳۷۰ به تدریس در آن کلاس‌های پرشور مشغول شدم. بیشتر کسانی که در آن کلاس‌ها مخاطب ما بودند، امروز مربی قرآن شده‌اند. بعد از یکی دو سال که آن آموزش‌ها ادامه پیدا کرد، حاج آقای مظاهری به فکر افتادند تا به افرادی که در دوره‌های مربی‌گری شرکت

امیا و تقویت فرهنگ دعاخوانی

حاج شیخ مهدی مظاهری در یک دوره حدوداً ۶۰ ساله، از سال ۱۳۳۰ تا اوایل دهه ۹۰ شمسی، فرهنگ دعاخوانی را در اصفهان و بلکه ایران، احیا و تقویت کرد. برگزاری جلسات دعای ابو حمزه درسی شب ماه رمضان، جلسات دعای کمیل، ندبه، احیای نیمه شعبان، احیای شب عرفة و ترویج اعمال امدا و اوددر ماه رجب، نمونه‌هایی از این خدمت مستمر معنوی و اجتماعی است.

امداث و توسعه دها مسجد و مسینیه

تولیت و توسعه حسینیه اصفهانی‌ها در مشهد، توسعه حسینیه اصفهانی‌ها در مدینه منوره، بازسازی مسجد ملا حیدر در مشهد، احداث ۱۶ مسجد در روستاهای اطراف شهر لردگان و پایه‌گذاری مسجد حبیب ابن مظاهر در اصفهان نمونه‌هایی از این خدمات ماندگار هستند.

مؤسسه آموزشی ابابصیر

تعدادی از علما و خیران اصفهانی از جمله حاج شیخ مهدی مظاهری در سال ۱۳۴۸ مؤسسه آموزشی ابابصیر را در اصفهان تأسیس کردند. این مؤسسه با هدف ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی به افراد نابینا و کم‌بینا و ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی برای آنان ایجاد شد و اکنون بیش از ۹۰۰ مددجوی نابینا را تحت پوشش دارد. اعضای مؤسسه در تابستان ۱۳۵۸ بارهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) دیدار کردند.

مؤسسه همیاری جهیزیه صامب الزمان (عج)

هسته اولیه این مؤسسه در حاشیه یکی از جلسات دعای ندبه حاج شیخ مهدی مظاهری در سال ۱۳۵۷، به همت ایشان تشکیل شد و مؤسسه در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. طی سال‌های اخیر، سالانه نزدیک به هزار دختر دم‌بخت که تحت حمایت هیچ ارگانی نبوده‌اند، از مؤسسه همیاری جهیزیه صاحب‌الزمان (عج)، ۲۵ قلم کالای ضروری زندگی به طور رایگان دریافت کرده‌اند.

انجمن مددکاری امام‌زمان (عج)

حاج شیخ مهدی مظاهری و جمعی از علما و خیران اصفهانی در سال ۱۳۴۹ انجمن مددکاری امام‌زمان (عج) را برای کمک به ایتم راه‌اندازی کردند. هم‌اکنون بیش از پنج‌هزار نفر تحت پوشش انجمن مددکاری امام‌زمان (عج) هستند. ارائه خدمات فرهنگی و مذهبی، مشاوره، کمک به تأمین مسکن، هزینه تحصیلی و تجهیزیه دختران ... از مهم‌ترین اقدامات این انجمن بوده است.

دانشگاه معارف قرآن وعترت

مدتی پس از تأسیس دارالقرآن الکریم، حاج شیخ مهدی مظاهری هسته اولیه تأسیس دانشگاهی را برای تربیت مربی قرآن پایه‌گذاری کرد. این ایده خیلی زود به تأسیس دانشکده قرآن و سپس دانشگاه معارف قرآن و عترت در دهه ۷۰ شمسی منجر شد. این دانشگاه اکنون سه دانشکده و بیش از هزار دانشجو دارد.

خدمت به خلق خدا، از شبستان دعا

کارنامه زندگی ۸۶ ساله حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری فهرستی آکنده از خدمات فرهنگی و اجتماعی گوناگون را نشان می‌دهد که عمدتاً از جلسات دعاخوانی ایشان و به برکت نام اهل بیت (ع)، به ویژه حضرت بقیه‌الله الاعظم (عج) یا گرفته است. در این نوشتار، برخی از مهم‌ترین خدمات مردی که دعا و خدمت به خلق را هنر مندانه پیوند داد، به اختصار، معرفی می‌شود.



تأسیس و توسعه مدارس متعدد

مشارکت در تأسیس و توسعه مدرسه اسلامی احمدیه در سال ۱۳۴۴، راهاندازی مدرسه آموزشی برای نابینایان در سال ۱۳۴۹، بازسازی مدرسه علمیه میرزاحسین در اصفهان، تأسیس مدرسه علمیه حضرت صاحب الامر (عج) در سال ۱۳۸۵، تأسیس مدرسه ابو حمزه در اصفهان، تأسیس ۸ مدرسه وابسته به دارالقرآن الکریم اصفهان در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی نمونه‌هایی از خدمات حاج شیخ مهدی مظاهری هستند.

تجهیز و توسعه بیمارستان‌های متعدد

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری عضو مجمع خیرین سلامت استان اصفهان، عضو هیئت امنای بیمارستان امام حسین (ع) و بیمارستان الزهراء (س) بود و در دوران عمر بابرکت خود، بابت بهره‌گیری از ظرفیت خیران به تجهیز و توسعه چندین و چند بیمارستان کمک کرد. تجهیز و توسعه بیمارستان‌های امام حسین (ع)، الزهراء (س)، عسگریه و شهید چمران از جمله این خدمات است.

انجمن صرع استان اصفهان

این انجمن در تاریخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳ با همت شخصیت‌هایی همچون حاج شیخ مهدی مظاهری تأسیس شد. این انجمن اکنون بیش از چهار هزار بیمار صرع را در سطح استان اصفهان تحت پوشش خود دارد و فعالیت‌هایی همچون ارائه راهنمایی و مشاوره به بیماران صرع، تلاش برای فرهنگ‌سازی به منظور آشنایی آحاد جامعه با این بیماری، انجام امور مددکاری و توانبخشی، برگزاری همایش‌های علمی مبادرت می‌ورزد.

فدیت به نهضت انقلاب اسلامی

حاج شیخ مهدی مظاهری از سال ۱۳۳۷ تحت نظر ساواک قرار گرفت، زیرا تصمیم داشت با همکاری آیت‌الله خادمی برای شیعیان لبنان کمک مادی ارسال کند. اسناد ساواک نشان می‌دهد که حاج شیخ مهدی مظاهری، یکی از شخصیت‌های اصلی انقلاب اسلامی در اصفهان بود و در بازه سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷ چندین بار مورد تهدید و تذکر قرار گرفت، ایشان همچنین در سال ۱۳۵۷ به زندان رژیم ستم‌شاهی افتاد.

دارالقرآن الکریم استان اصفهان

این دارالقرآن یکی از نخستین مجموعه‌های مردم‌نهاد و منسجم قرآنی است که در سال ۱۳۶۷ به همت حاج شیخ مهدی مظاهری تأسیس شد. دارالقرآن الکریم اصفهان اکنون بیش از ۱۵۰ شعبه در سطح استان و ۸ مدرسه پسرانه و دخترانه، در ذیل خود داراست. بیش از ۱۲ هزار قرآن آموز نیز در این مراکز، روخوانی و روخوانی، حفظ و معارف قرآن کریم را فرا می‌گیرند.

تأسیس انجمن فیریه و بیمارستان ام اس

انجمن خبریه ام اس اصفهان در سال ۱۳۸۳ به همت حاج شیخ مهدی مظاهری تأسیس شد؛ اقدامی ارزشمند که چند سال بعد با تأسیس مرکز تحقیقاتی، آموزشی و درمانی ام اس (بیمارستان ام اس) تکمیل شد. حاج شیخ مهدی مظاهری تمام هزینه‌های ساخت این مرکز را با بهره‌گیری از ظرفیت خیران تأمین کرد. در حال حاضر بیش از ۸۰۰ بیمار ام اس تحت پوشش این مرکز هستند.

فدیت به دفاع مقدس و جنگ‌زدگان

حاج شیخ مهدی مظاهری از سال ۱۳۵۹، همزمان با تهاجم دشمن به خاک کشورمان، جلسات دعاخوانی خود را به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های حمایت از جبهه در اصفهان تبدیل کرد. آنگونه که اعزام بسیاری از نیروهای انقلابی و نیز کمک‌های مادی به جبهه‌های دفاع مقدس در جلسات ایشان انجام می‌گرفت. حاج شیخ مهدی مظاهری پس از جنگ تحمیلی نیز از ظرفیت خیرین برای کمک به جنگ‌زدگان خوزستان بهره‌گرفت.

ستاد اقامه نماز استان اصفهان

در سال ۱۳۷۲، هنگامی که حدود سه سال از تأسیس ستاد اقامه نماز کشور می‌گذشت، حاج شیخ مهدی مظاهری، ستاد اقامه نماز اصفهان را تأسیس کرد و از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی به عنوان رئیس این ستاد و رئیس شورای اقامه نماز استان منصوب شد.

بنیاد فیریه راهبری آلاء

این بنیاد در سال ۱۳۸۸ به همت حاج شیخ مهدی مظاهری تأسیس شد. بنیاد در دو بخش «خیر جاری» و «خیر ماندگار» فعالیت دارد. خیر جاری متشکل از: مرکز کنترل و پیشگیری از سرطان، آستان حضرت زینب بنت موسی بن جعفر (ع)، مؤسسه تربیتی و پرورش استعداد سلاله، مؤسسه مددکاری کوثر و مؤسسه المرتضی است. در بحث خیر ماندگار نیز تولید دانش امر خیر، مدرسه خیر ماندگار، اصلاح الگوهای مدیریتی امر خیر و فرهنگ‌سازی امر خیر انجام می‌شود.



روایت فعال قرآنی از «حاج شیخ مهدی»

ماجرای اهدای عنوان خادم القرآن

مر تضي نجفی قدسی، روزنامه نگار و فعال قرآنی، سال هادر جلسات دعای مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری حضور داشته و محضر این استاد اخلاق را درک کرده است. از او درباره خدمات «حاج شیخ مهدی» به خصوص خدمات قرآنی ایشان، پرسیدیم. برایمان چنین روایت کرد.

با مرحوم حاج آقای مظاهری پیش از انقلاب در اصفهان آشنا شدم. ایشان روحانی نمونه و مردمی بودند که با صدای دلنشین خود عموم مردم اصفهان را از مجالس دعا بهره مند می کردند. به همین دلیل مردم اصفهان به ایشان علاقه زیادی داشتند. مرحوم آقای مظاهری احیاگر دعا و دعاخوانی در بین مردم بود. متأسفانه یکی از مشکلات جامعه در بُعد معنوی این است که خیلی با دعا مانوس نیستیم. ادعیه یکی از مواردی شمرده می شود که دین بر آن سفارش اکید دارد و کلید گشایش امور انسان معرفی شده است. اگر انسان اهل دعا باشد، از انس و مناجات با پروردگار لذت می برد و شیرینی مناجات با خدای می چشد. امام حسین (ع) در دعای عرفه به این موضوع اشاره می کنند: «یا من اذاق احبائه حلاوه المؤمنه». پروردگار لذت دعا را به بندگانی که آن ها را دوست دارد می چشاند؛ اوج این لذت را خداوند به حاج آقای مظاهری چشاند. ایشان مست این

فیض بود و مردم شهر را مستفیض می کرد. هنر آقای مظاهری این بود که انس با دعا را در بین مردم رواج دهد. مردم برای درک و حظ کافی در مجالس ایشان شرکت می کردند و مجالس دعایشان همیشه مملو از جمعیت بود. فقط در شب های ماه مبارک رمضان در مسجد سید هزاران نفر از مردم حضور می یافتند. در مسجد جامع گاهی صد هزار نفر در دعای ایشان شرکت می کردند. خاطر هست مردم پیش از برگزاری مراسم می آمدند در مسجد جامی گرفتند. بدون اغراق می توانم بگویم که جاذبه دعاخوانی آقای مظاهری از اکثریت مداحان و دعاخوانان فعلی بیشتر بود. مرحوم مظاهری با حالتی خالصانه و عابدانه دعا می خواند. تا زمانی که در اصفهان بودم تلاش می کردم این جلسات دعا از من سلب نشود. با اینکه گاه جلسات متعددی داشتند و چند جلسه دعا را پشت سر هم برگزار می کردند (دعای ابو حمزه، دعای کمیل و دعای ندبه)، اما در همه

مجالس دعا سرزنده و سرحال بودند. صبح های جمعه که قرائت دعای ندبه داشتند، هوا هنوز روشن نشده بود، در اکثر میادین شهر مردم را در گروه های ۱۰ تا ۲۰ نفره می دیدیم که منتظر اتوبوس ها بودند تا به جلسه دعای ندبه آقای مظاهری بروند. در میان این جلسات، دعای کمیل ایشان پر طرفدار بود. این دعا را در وقت سحر و دو ساعت مانده به اذان صبح می خواندند. درک ادعیه در هنگام سحر افزون تر است. قرآن هم بر این مسئله تأکید دارد: «و بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ». یکی از امتیازهای آقای مظاهری این بود که متوجه شد می تواند با دعاخوانی مردم را با خدا مانوس کند. لذا بخش عظیمی از مردم شهر بواسطه ایشان با جلسات دعاخوانی انس گرفتند. الحمدلله در پرتو این جلسات اتفاقات بزرگی هم رقم می خورد. بسیاری از امورات خیریه ها در این جلسات پیگیری می شد. تأسیس ده ها مرکز خیریه، بیمارستان و مدرسه در اصفهان به برکت همین جلسات انجام شد. تدین بخش اعظمی از مردم اصفهان مدیون جلسات دعاخوانی آقای مظاهری است. دعای کمیل در اصفهان قدمتی ۵۰۰ ساله دارد و دعای کمیل را دعاخوان های برجسته می خواندند، اما آقای مظاهری در یک دوره ۶۰-۷۰ ساله آن را احیا و تقویت کردند. ای کاش روحانیون ما به اهمیت دعاخوانی در مساجد پی می بردند و از فضای مساجد و حضور مردم فقط برای منبر و سخنرانی استفاده نمی کردند. دعاخوانی این جاذبه را دارد که همه اقشار مردم راتحت پوشش قرار دهد.

نکته مهم دیگر این است که مرحوم مظاهری خادم واقعی قرآن بود. حمایت های ایشان از فعالیت های قرآنی و سبک زندگی قرآنی ایشان بی نظیر بود. تأسیس دارالقرآن الکریم و دانشگاه قرآن اصفهان خدمت ماندگار ایشان محسوب می شود. در سال های نخست که طرح تقدیر از خادمان قرآن در کشور انجام شد، به آقای مسجدجامعی، معاون وقت وزارت ارشاد، پیشنهاد کردم از خادم واقعی قرآن، آقای مظاهری، به واسطه خدماتشان تجلیل کنند. بحمدالله چنین هم شد و در جلسه ای که با حضور رئیس جمهور وقت برای تقدیر از خادمان قرآن برگزار شد، به نمایندگی از ایشان لوح را دریافت کردم و به دستشان رساندم. بعداً هم با آقای مسجدجامعی برای ملاقات خدمتشان رسیدیم.

**در سال های
نخستی که
طرح تقدیر از
خادمان قرآن
در کشور انجام
شد، به آقای
مسجدجامعی،
معاون وقت
وزارت ارشاد،
پیشنهاد کردم
از خادم واقعی
قرآن، آقای
مظاهری،
به واسطه
خدماتشان
تجلیل کنند**

راجه

ویژه نامه
بزرگداشت مرحوم
حاج شیخ مهدی مظاهری

«حاج شیخ مهدی»

از نگاه شخصیت‌ها



(روایتی از دیدارهای حاج شیخ مهدی مظاهری با مقام معظم رهبری)

برمدار ارادت به ولایت

اول مهرماه ۱۳۹۲ مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، در حالی که سال‌های پایانی عمر بابرکت خود را پشت سر می‌گذاشتند و به علت بیماری با ویلچر تردد می‌کردند، به همراه جمعی از مسئولان و اساتید دانشگاه معارف قرآن و عترت به حضور مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در تهران شرفیاب شدند. دکتر شهاب‌الدین ذوقفاری، رئیس کنونی دانشگاه معارف قرآن و عترت، که در این

سابقه آشنایی و رفاقت مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری و مقام معظم رهبری به اواخر دهه ۳۰ شمسی باز می‌گردد که با یکدیگر در حوزه علمیه قم هم‌درس بودند و در همان دوران، آقای شب‌مهمان منزل حاج آقای مظاهری در اصفهان شدند. مرحوم مظاهری علاقه ویژه‌ای به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای داشتند و همواره برمدار ارادت به ولایت فقیه حرکت کردند.

پیروزی انقلاب بیشتر شد. پس بایستی کسانی تربیت شوند که به جای تأثیر پذیری، تأثیر گذار باشند. بنابراین باید هم باسواد باشند و هم از نظر معنوی قوی شوند. بایستی آنان را از نظر استحکام عقیده و روحیه چنان مسلح کنید که افرادی با اعتقاد و اهل نظر بار بیایند و فکر آنان شکوفا شود. نباید دلمان را خوش کنیم که چند جوان در یک گوشه ای به ما گرایش پیدا کنند. باید بنیان های مستحکم فکری خودمان را تقویت کنیم.» این آخرین باری بود که مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به خدمت ایشان می رسید.

دیدار قبلی ایشان زمانی بود که با جمعی از علمای اصفهان در دهه ۷۰ شمسی خدمت مقام معظم رهبری رسیدند. مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در خاطره ای از این دیدار گفته است: «یکی از آقایان خطاب به مقام معظم رهبری گفت که شما از بعضی جریانات خبر ندارید. آقا ناراحت شدند و گفتند من از همه جریانات مورد بحث خبر دارم. بعد از اتمام جلسه، مقام معظم رهبری از آن شخصیت تفقد کردند و فرمودند بحث من و شما، طلبگی بود. این برخورد اخلاقی آقا که آن روز یک پارچه نور بودند، برای من بسیار جالب بود.»

دیدار دیگر به زمان ریاست جمهوری حضرت آیت الله خامنه ای بازمی گردد. یکی از نوه های حاج شیخ مهدی مظاهری می گوید: «آقا در زمان ریاست جمهوری به اصفهان آمدند و مرحوم حاج آقای مظاهری به دیدارشان شتافتند. آقا مشغول وضو گرفتن بودند که حاج آقای مظاهری وارد شدند. حضرت آیت الله خامنه ای از دیدن ایشان ابراز خوشحالی فراوانی کردند و ایشان را در بغل گرفتند.»

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری علاقه قلبی شدیدی به مقام معظم رهبری داشتند و همواره در آشکار و نهان ایشان را دعا می کردند، یک بار در ایام نوروز که در مشهد مقدس حضور داشتند، از دفتر مقام معظم رهبری به ایشان اطلاع دادند که اجمالاً فرصتی برای دیدار خصوصی با آقا مهیا شده است. حاج آقای مظاهری تأمل کردند و از روی علاقه قلبی خود نسبت به آقا، فرمودند شأن و وقت آقا اجل از آن است که من (با وجود این وضعیت بیماری) بخواهم خدمتشان برسم.

آقای مظاهری شروع به توضیح کردند، اما حضرت آقا گفتند که آقای مظاهری را از سابق می شناسم. ایشان فرمودند: «با کارهای حاج آقا مهدی مظاهری در اصفهان آشنا هستم، دوستی ما با آقای مظاهری به سال ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ برمی گردد که در درس آقای طباطبایی یا حضرت امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی با هم آشنایی داشتیم، در آن سال ها به اتفاق آقای ابراهیمی سفری به اصفهان داشتیم. یک شب در منزل حاج آقا مظاهری ماندیم، ایشان گفتند: من مجلس روضه دارم و بعد، با هم رفتیم و منبر ایشان را شرکت کردیم. دعای کمیل ایشان را یادم هست که خیلی پرجمعیت بود. بعد از آن، از آقایان حاج آقا احمد و حاج آقا حسن امامی، حال ایشان را می پرسیدم و خبر کارهای ایشان را داشتم. ایشان کارهای خوبی انجام داده اند. هم کارهای تبلیغی و هم کارهای اجتماعی داشتند و منبر ایشان برای جوانان جذابیت داشت» هیچ کدام از ما نمی دانستیم که مقام معظم رهبری آشنایی قبلی با آقای مظاهری داشته اند و برای ما تعجب آور بود که مقام معظم رهبری اطلاعات خوبی از اقدامات آقای مظاهری دارند.

ایشان در ادامه مطرح کردند که این دانشگاه (دانشگاه معارف قرآن و عترت) قله اقدامات آقای مظاهری است و گفتند: «کار دانشگاه معارف قرآن و عترت خیلی خوب است. سفارشی که به شما دارم این است که دانشجویان را باسواد و عالم بار بیاورید. خواندن چند کتاب کافی نیست. باید باسواد و با اعتقاد شوند. کاری کنید که این ها بتوانند در جامعه جهانی نقش آفرینی کنند. دشمنان تلاش می کنند از طرق مختلف، با فلسفه، با هنر، با فیلم هایشان، نمایشنامه هایشان و وسایل ارتباط جمعی مختلف که فعالیت دارند، پایه ها و ریشه های عقاید اسلامی را بزنند و متزلزل کنند. این تهاجم فرهنگی که قبلاً گفته شد یک امر سیاسی نیست، یک واقعیت است. این را کسانی متوجه می شوند که از معرفت و بصیرت برخوردارند.

این را کسانی که تبلیغات و تفکر دشمنان را می شناسند می فهمند و احساس می کنند که یک سیل و تهاجم به سوی جوامع اسلامی و کشورها در جریان است. انگیزه دشمن بعد از



دیدار خاطره انگیز حضور داشته و محتوای آن را یادداشت کرده است، درباره آن می گوید:

آقای مظاهری مریض احوال و روی ویلچر نشسته بودند. فرزند آقای مظاهری (حاج آقا محسن مظاهری)، یکی از نوه های ایشان (حاج محمدرضا دیانی)، هیئت امنای دانشگاه و گروهی از اعضای هیئت علمی، در مجموع ۲۰ نفر در این دیدار حضور داشتند. ابتدا یکی از دوستان در خصوص اقدامات حاج



**حضرت آقا
فرمودند:**

**«با کارهای
حاج آقا مهدی**

مظاهری

در اصفهان

آشنا هستم،

دوستی ما با

آقای مظاهری

به سال ۱۳۳۸

و ۱۳۳۹

برمی گردد که

در درس آقای

طباطبایی یا

حضرت امام

خمینی (ره)

در مسجد

سلماسی با

هم آشنایی

داشتیم



روایتی از دیدار خانواده مرحوم مظاهری با مقام معظم رهبری

حضرت آقا گفتند: مرحوم آقای مظاهری از ارکان انقلاب بودند

۲۳ دی ۱۳۹۷ روزی به یادماندنی و تاریخ ساز برای خانواده مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری محسوب می شود؛ روزی که ولی امر مسلمین، خانواده و فرزندان مردی خدمتگزار را به حضور پذیرفتند و درباره آن عزیز سفر کرده نکاتی را بیان فرمودند. حجت الاسلام والمسلمین حاج علی دبانی، نوه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، از این دیدار برای ما روایت می کند.

حدود یک سال از وفات مرحوم پدر بزرگم، حاج آقا مظاهری گذشته بود که با مقام معظم رهبری دیداری خصوصی داشتیم. خانواده حاج آقا برای عرض تشکر و قدردانی از مرحمت های مقام

و خدمت ایشان رسیدیم. ظهر بود و نزدیک وقت نماز. ما هم توفیق پیدا کردیم نماز را به امامت حضرت آقا اقامه کنیم.

بعد از نماز ما را به اتاق ایشان و محل دیدارهای خصوصی هدایت کردند. حضرت آقا پس از فاصله ای کوتاه بعد از نماز به اتاق تشریف آوردند، بدون اینکه کسی از اعضای دفتر، ایشان را همراهی کند؛ برداشت ما از اینکه آقا بدون همراهی شخصیت های دفتر به اتاق آمدند این بود که می خواهند دیداری کاملاً صمیمی و پدرانه با ما داشته باشند. در اتاق یک نیمکت بود که حضرت آقا روی آن نشستند و کنار ایشان، آقازاده مرحوم حاج آقای مظاهری و دو نفر از دامادها، که اهل علم و روحانی هستند، بدون هیچ فاصله ای نشستند. آقا آن قدر محبت و لطف داشتند که آقایان و اعضای خانواده را کنار خودشان نشانند. خانم ها هم در آن جلسه و دیدار شرکت داشتند.

در ابتدای این دیدار آقا با اعضای خانواده مرحوم حاج آقا احوال پرسى کردند و سپس رو کردند به حاج آقای نجفی، یکی از دامادهای حاج آقا که کنار ایشان نشسته بودند. پرسیدند فامیلی شما چیست؟ گفتند: من نجفی هستم. آقا پرسیدند: از کدام خاندان نجفی هستید؟ حاج آقای نجفی خودشان را معرفی کردند. مقام معظم رهبری، جد حاج آقای نجفی، مرحوم حاج شیخ محمد رضا نجفی، استاد امام خمینی (ره) را می شناختند و از آثار علمی خاندان نجفی و حتی وصلت های آن ها خبر داشتند و در مورد آن با حاج آقای نجفی صحبت کردند.

جلسه و دیدار خصوصی ما با آقا حدود سه ربع ساعت طول کشید. ایشان از بعضی افراد

“
**آقا آن قدر
محبت و لطف
داشتند که
آقایان و اعضای
خانواده را
کنار خودشان
نشانند.
خانم ها هم در
آن جلسه و
دیدار شرکت
داشتند**

توجه است. یکی از نمادهای جامعیت ایشان این بود که مناجات، اقامه دعا و نیایش و در واقع معراج دادن مردم به سوی خدا را همراه با توجه به خلأهای اجتماعی دنبال می کرد. یکی از نکات مهم قرآن و متون دینی این است که عبادت فردی با خدمت به خلق الله و امر به معروف و نهی از منکر همراه باشد. آیه ۱۶ سوره سجده در قرآن کریم بیان می کند: «مؤمنان از بستر خویش جدا می شوند و پروردگارشان را از روی بیم و امید می خوانند و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند». حجت الاسلام مظاهری این آیه را به خوبی در مرحله عمل به اجرا گذاشت. مرحوم حجت الاسلام مظاهری در مجالس وعظ خود به نیازهای معیشتی مردم به خصوص فقرا همواره توجه داشت و خود نیز مؤسس خیریه های زیادی بود. بسیاری از کمک های مردمی به خیریه ها در جلسات حجت الاسلام مظاهری با تشویق ایشان جمع آوری می شد.

خاطره

مرحوم مظاهری در رأس مبارزات انقلابی مردم اصفهان بود

آیت الله عبدالحمود عبداللهی، نماینده مردم استان اصفهان در مجلس خبرگان رهبری، می گوید: «مرحوم حجت الاسلام مظاهری با دعا های خود، در تکان دادن و نرم کردن دل ها بسیار تأثیر گذار بود و مسیر زندگی بسیاری از جوانان را تغییر داد. آنچه در مورد حجت الاسلام مظاهری مهم است جامعیت این عالم است. از وعاظ درجه یک اصفهان بود. بنده از دوره نوجوانی در حوالی سال ۱۳۴۰ توفیق حضور در مراسم دعای ایشان را داشتم. جامعیت شخصیت حجت الاسلام مظاهری قابل

خاطره

پشتیبانی «های شیخ مهدی» از جبهه های جنگ

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد سالک، نماینده ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی، که خود اهل شهر اصفهان است و دوران نوجوانی و جوانی خود را در مجالس دعای حاج شیخ مهدی مظاهری گذرانده است، می گوید: «یکی از مهمترین پشتوانه هایی که توانست بچه های رزمنده را روی پای خودشان نگه دارد تا در مقابل استکبار جهانی بجنگند و مبارزه کنند پشتیبانی های مردمی بوده است. نقش حضرت آقای مظاهری برای تأمین نیازمندی های جبهه از طریق مردم در این شهر بر کسی پوشیده نبود. ایشان بارها و بارها و دهها بار در دعاهاشان کمک خواستند.

طلاهای مردم، انگشترهای مردم، پولی که مردم (اصفهان) می دادند و پشتیبانی های مالی و معنوی که از جبهه می کردند به خاطر این بود که ایشان یکی از منشأهای کمک به پشتیبانی جبهه و جنگ بودند. این پشتیبانی هایی که در سطح شهر برای جنگ و جبهه می شد، نقش عمده آن برعهده آقای مظاهری بود.»



حضرت آقا فرمودند: «حاج آقای مظاهری

منبرهای

مؤثری

داشتند و

مورداستقبال

جوانان بودند.

مردم به ایشان

علاقه داشتند

و یک روحانی

و مبلغ موفقی

بودند.»

«رفاقتم با حاج آقای مظاهری از زمانی بود که در قم و در زمان مرحوم آیت الله بروجردی تحصیل می کردیم.» سپس فرمودند: «نمی دانم که آیا در درس حضرت امام (ره) بود یا درس علامه طباطبایی (ره)، اما در یکی از این دو درس با مرحوم آقای مظاهری هم درس بودیم.»

ایشان درباره سفر خود به اصفهان و دیدار با مرحوم حاج آقا ادامه دادند: «در سال ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ سفری به اصفهان داشتم و وارد منزل مرحوم آقای مظاهری شدم. بعد از استقبال، آقای مظاهری گفتند که منبر و جلسات سخنرانی وعده داده ام. شما تشریف داشته باشید. من می روم و برمی گردم. من هم گفتم نه! من همراه شما می آیم و همراه ایشان به جلساتشان رفتیم.» حضرت آقا سپس فرمودند: «حاج آقای مظاهری منبرهای مؤثری داشتند و مورد استقبال جوانان بودند. مردم به ایشان علاقه داشتند و یک روحانی و مبلغ موفقی بودند.» سپس مقام معظم رهبری عباراتی را در مورد مرحوم حاج آقای مظاهری فرمودند: «من از جریانات قبل و پس از انقلاب اصفهان، کاملاً اطلاع دارم.

در جریان انقلاب افرادی بودند که مسئولیتی در نظام نداشتند و شخص سیاسی هم نبودند اما با این حال از ارکان انقلاب محسوب می شدند که یکی از آن افراد مرحوم آقای مظاهری بودند.» در این دیدار، خانواده مرحوم حاج آقای مظاهری درخواستی داشتند و آن اینکه آقا اجازه بدهند از مال شخصی خود بنایی بر قبر مرحوم حاج آقای مظاهری بسازیم. حضرت آقا هم استقبال کردند و فرمودند: «از طریق دفتر مراحل آن پیگیری می شود.»

خانواده و شغل و فعالیت آن ها سؤال کردند. حاج آقای نجفی که کتاب های زیادی نوشته، بعضی کتاب های خود را همراه آورده بود و به آقا نشان می داد. آقا از این کتاب ها استقبال کردند، خوشحال شدند و با دقت فهرست کتاب ها و بعضی صفحات آن ها را مطالعه کردند. به مطالب برخی از کتاب ها علاقه نشان می دادند و این برای ماستر بخش بود. طوری به مالطف داشتند که برای لحظاتی فراموش می کردیم که در محضر عالمی بزرگ و شخصیت اول جهان اسلام نشستیم.

یکی از نوه های مرحوم حاج آقا که طلبه جوانی است، در این دیدار حضور داشت. کتاب زندگینامه مرحوم حاج آقای مظاهری را ایشان نوشته است. کتاب را تقدیم آقا کردند و آقا ایشان را به جهت انجام این کار بیش از دیگران اکرام و احترام کردند. این نحوه برخورد آقا برای ما درسی داشت که نشان می داد اهل علم و قلم بودن ارزشمند است. همچنین، در این دیدار اعضای خانواده مرحوم حاج آقای مظاهری تقاضای هدیه ای به عنوان یادگاری از محضر آقا داشتند. البته در این حین، یک شوخی هم در آن فضای صمیمی رخ داد، حاج آقای نجفی به مقام معظم رهبری گفتند: آقا! این ها اصفهانی و زرنگ هستند و همگی می خواهند از شما هدیه بگیرند، آقا بایکند فرمودند: «من هم البته از جهتی اصفهانی هستم.» زیرا پدر بزرگ مادری ایشان، مرحوم آیت الله نجف آبادی اهل استان اصفهان بودند. آقا به یکایک افراد حاضر در اتاق چغیه هدیه دادند.

مقام معظم رهبری در این دیدار درباره نحوه آشنایی خود با مرحوم آقای مظاهری فرمودند:

کمک های مردمی فراوانی را در مجالس دعای خود جمع آوری کرد. فراموش نمی کنم که ایشان بعضی شب ها پس از خواندن نیمی از دعا اعلام می کردند که می خواهیم برای جنگ زدگان کمک جمع کنیم. در همان ابتدا که این درخواست را مطرح کردند رقم های کلان ۵ تا ۱۰ میلیونی (که آن زمان رقم قابل توجهی بود) جمع شد. مرحوم مظاهری به دغدغه های حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری توجه زیادی داشتند و با آنان همراهی می کردند. این عالم بزرگ همواره در صدد بود تا از ولایت، دعا و اهل بیت (ع) سوء استفاده نشود. لذا برخلاف محافلی که گاه در اصفهان به اسم ولایت تشکیل می شد، اما برخلاف وحدت مسلمانان بود، ایشان همواره بر وحدت مسلمانان تأکید داشتند. مرحوم حجت الاسلام مظاهری برای همه به خصوص روحانیت و حوزه های علمیه می تواند الگو باشد.

ایشان همواره متذکر می شد که عبادت، نیایش و توجه به خدا جدای از خدمت به مردم نیست. حجت الاسلام مظاهری همان گونه که مردم را به دعا و مسائل آخرت توجه می داد و آن ها را تکلیف گرا می کرد، در زمینه انفاق و کمک های اجتماعی نیز مشوق بزرگی بود. این خود زمینه ای برای پاکسازی و طهارت انسان ها بود. ایشان در مبارزات انقلابی نیز در رأس همراهی مردم با انقلاب بود. بسیاری از نیازهای جبهه ها در همین مجالس ادعیه ایشان تأمین می شد، همان طور که مردم استان اصفهان بیش از ۳۰۰ شهید را در یک روز تشییع کردند، در خدمت رسانی و پشتیبانی خدمات به جبهه ها نیز از دیگر استان ها پیشتان بودند و یکی از کسانی که نقش مهمی در تأمین این نیازها داشت مرحوم حجت الاسلام مظاهری بود. پس از دوران دفاع مقدس نیز حجت الاسلام مظاهری برای بازسازی شهرهای جنگ زده خوزستان،



وقتی اعضای مؤسسه ابابصیر به خدمت بنیانگذار انقلاب شرفیاب شدند

ماجرای دیدار حاج شیخ مهدی مظاهری با امام خمینی (ره)

۱۴ تیر ماه ۱۳۵۸ مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، پایه گذار مؤسسه آموزشی ابابصیر، به همراه جمعی از نابینایان و مسئولان این مؤسسه خدمت رهبر کبیر و بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، شرفیاب شدند. اهمیت مؤسسه ابابصیر و کاری که «حاج شیخ مهدی» برای نابینایان در اصفهان انجام می داد، به حدی بود که امام راحل (ره) در ماه های نخستین پیروزی انقلاب و در کوران التهابات سیاسی که بر جامعه حاکم بود، این افراد را به حضور پذیرفتند و سخنرانی نسبتاً طولانی ای ایراد فرمودند که در جلد ۸ صحیفه نور از صفحه ۴۴۹ انعکاس یافته است. بخش هایی از سخنان بنیانگذار انقلاب خطاب به مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری و اعضای مؤسسه ابابصیر را از نظر می گذرانیم.

با وسایل علمی که داشتند اطلاع بر آن ها پیدا می کردند. من در یک سالی که (خیلی سابق) همدان بودم، یکی از آقایان ما یک ورقه ای آورد که تقریباً حدود یک متر بیشتر در یک متر بیشتر، این راجع به نقشه همدان بود که آنها نقشه کشی کرده بودند و روی آن نقشه نقطه های به رنگ دیگری زیاد بود، آن آقا که این را آورد گفت: این نقطه ها هر یک علامت این است که در این ده، در این بیابان یک معدنی است، یک ذخیره زیرزمینی هست. این یک قسم از مطالعاتشان بوده است که بفهمند این ممالک شرقی چه دارند، چه چیزهایی هست که می شود از آن ها استفاده کرد و چپاول کرد. یک مطالعات دیگر راجع به عقاید این مردم بوده است و اینکه این عقایدی که این ها دارند، تا چه حدود می تواند فعالیت داشته باشد و تا چه حدود می تواند جلوگیری کند از چپاولگری که این هم یک مطالعات دامنه داری این ها در این معنا داشتند. یک صنف مطالعاتشان هم مطالعات روحیات گروه های مختلفی که در این ممالک بوده است که حالا مملکت خودمان را حساب کنیم، ایل هایی که در مملکت ما بوده، عشایری که بوده است مطالعه کرده اند، در بین این عشایر رفته اند، با آنها صحبت کرده اند، روحیات آنها را

«اینکه تذکر دادید که در حدود پنجاه سال پیش یک نفر آمده است و مدرسه (به بهانه خدمت به نابینایان و در اصل برای ترویج مسیحیت) تأسیس کرده است، شما باور نکنید که این ها مدرسه ای برای نصرانیت درست کنند، این چپاولگر ها نه به نصرانیت اعتقاد دارند، نه به اسلام و نه به هیچ مبدئی از مبادی. این ها برای این بوده است که بچه های ما را از اسلام منحرف کنند و این نقشه تنها در مدارس وابسته به کلیسا نیست، این نقشه در همه سازمان ها بوده است. از وقتی که غربی ها راه پیدا کردند به شرق، از سال های بسیار قدیم شاید قریب به سیصد سال که این ها راه پیدا کردند به ایران، کارشناس های خودشان را فرستادند و مطالعه کردند ایران را و شرق را، تنها نه ایران را، همه شرق را مطالعه کردند. یک قسم مطالعات، مطالعات در خصوص زمین اینجا، معادن اینجا، چیزهای ذخایر زیرزمینی این ممالک شرقی، این یک قسم مطالعات بوده است در آن وقتی هم که این وسایل نقلیه حالا نبوده است. در تاریخ است که این ها با شتر می رفتند و حتی آن بیابان های بی آب و علف را هم گردش می کردند و لابد نقشه برداری می کردند و معادنی که در این ممالک است، آنها با نقشه برداری ها و



مطالعه کرده اند که ببینید که این ها هر کدام را چه جور می شود مهار کرد. این ها چیزهایی بوده است و بیشتر از این ها که مطالعه کرده اند و شرق را تماماً مطالعه کرده اند که باید چه جور این شرق را چابید و چه قدرتهایی می تواند جلوی این چابیدن را بگیرد و چه جور باید این قدرت را مهار کند ... الان وقت این است که ما قدرت هایمان را روی هم بگذاریم، از من که یک طلبه هستم، از شما آقایان، از این علمای اعلام اصفهان یا جاهای دیگر، وقت این است که همه فکرهایشان را متوجه این کنند که حالا باید چه کرد، حالا که قانون اساسی مطرح است طرح بدهند، نظر بدهند، مسائل را به مردم بگویند... اما چیزی که راجع به این عزیزها، راجع به این فرزندان عزیز بگویم، این است که انسان با روح، انسان است، با بصیرت، انسان است. ما همه با همه حیوانات شرکت داریم در اینکه گوش داریم، چشم داریم، پا داریم و ما دست داریم، اما این منافع و انسانیت نیست، آنی که انسان را از همه موجودات جدا می کند، از همه موجودات طبیعی جدا می کند، آن قلب انسان است، آن بصیرت انسان است. شما بصیرت داشته باشید، انسانید. اگر بصیرت نداشته باشید (انسان نیست)، ابوجهل چشم داشت اما انسان نبود، بعضی از انبیا هم چشم نداشتند و نبی بودند. میزان در انسانیت معنویت انسان است. کوشش کنید که خودتان را با محتوا کنید، معنویت در خودتان ایجاد بکنید و از این هیچ باکی نداشته باشید که انسان دست ندارد، پا ندارد، چه ندارد. در روایت است که بعضی از انبیا بودند که چشم نداشتند و دست و پا هم حتی نداشتند. حضرت می فرماید که می بینم فلان را (که الان من درست یادم نیست) دست و پا نداشتند ولی نبی بودند و البته مرسل به آن معنی نبودند اما نبی بودند. بسیاری از علما، بسیاری از نوابغ بودند که چشم نداشتند، در زمان ما هم بعضی را ما ملاقات کردیم که از علما بودند، نابغه بودند، اطلاعات زیاد و وسیعی داشتند، انسان بودند. هیچ از این معنی نگران نباشید که حالا شما صاحب یک حسی نیستید، شما معنویتان را ان شاء الله تقویت کنید، روحتان را تقویت کنید و از همه بصیرها شما ان شاء الله بصیرتر باشید. خداوند ان شاء الله شما را حفظ کند و همه ما را برای اسلام خدمت گزار کند و همه ما این راهی را که آمده ایم بتوانیم تا آخر ان شاء الله برسانیم.»

اهمیت مؤسسه

ابابصیر و کاری

که «حاج شیخ

مهدی» برای

نابینایان در

اصفهان انجام

می داد، به

حدی بود که

امام راحل (ره)

در ماه های

نخستین

پیروزی انقلاب

و در کوران

التهابات

سیاسی که بر

جامعه حاکم

بود، این افراد

را به حضور

پذیرفتند و

سخنرانی نسبتاً

طولانی ایراد

فرمودند



بلکه نصف دعا را می خواندند و سپس در سخنرانی کوتاهی راجع به مسائل روز برای مردم صحبت می کردند. گاه هم درباره دعا و ماه مبارک سخن می گفتند. از مداح های مختلف دعوت می کردند که بیایند و آن ها هم بخش هایی از دعا را بخوانند تا مردم صدا های متفاوتی را بشنوند و خسته نشوند. گاهی بعضی می گویند دعا باید پشت سر هم خوانده شود و چیزی بین آن گفته نشود. همین جا عرض می کنم که چنین چیزی در دین وجود ندارد، چه خوب است که وسط دعا از معارف دین گفته شود تا مردم بیشتر استفاده کنند و خسته نشوند. کم کم مجالس دعای حاج آقای مظاهری در نقاط مختلف شهر اصفهان و حتی شهر های دیگر گسترش یافت. در حال حاضر مردم حداقل در ۵۰ نقطه از شهر اصفهان در ماه رمضان مجلس دعای ابو حمزه برپا می کنند. البته شاید همه دعا را نخوانند، مثلاً نصف یا بخشی از دعا را بخوانند. ۶۰ سال دعای ایشان، مردم را با مناجات، با خدا و نیایش آشنا کرد و همین باعث شد زندگی کسانی که در این دعاها شرکت می کردند، بسیار معنوی شود. روایت داریم کسی که سنت حسنه ای را پایه گذاری کند بعد از وفاتش هم به او ثواب می رسد. پس می توان گفت امروز هر جا دعای ابو حمزه قرائت شود، به روح نورانی مرحوم حاج آقای مظاهری ثوابی می رسد.

● تأثیر فعالیت های اجتماعی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در اصفهان چه بود؟
اصفهان در حال حاضر حدود هزار خیریه دارد که در کل کشور و حتی دنیای نظیر است. هیچ شهری را اسرغ نخواهید داشت که به اندازه اصفهان خیریه داشته باشد. زمانی که مرحوم حاج آقای مظاهری



روایت آیت الله مهدوی از زندگی و زمانه مرحوم مظاهری

بامخالفان امام و انقلاب قطع رابطه کرد

آیت الله سید ابوالحسن مهدوی، عضو مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه موقت اصفهان، از دوران نوجوانی و جوانی در مجالس و منابر مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری حضور داشته است. پدر ایشان مرحوم آیت الله سید بهاء الدین مهدوی (ره) نیز سالیان دراز با مرحوم مظاهری دوستی داشتند. از آیت الله مهدوی درباره شخصیت «حاج شیخ مهدی» پرسیدیم و ایشان نکاتی کمتر شنیده شده را از وجه انقلابی آن مرد خستگی ناپذیر بر ایمان بازگو کرد.

● حضرت آقای مهدوی، به نظر شما نقش مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در گسترش و تعمیق معنویت در اصفهان چگونه بود؟

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری رضوان الله تعالی علیه شخصیتی متدین، دلسوز، خالص و مردمی بودند، شخصیت مردمی یعنی روحانی فاضلی که بین مردم است، از مشکلات مردم خبر دارد، در صدد رفع مشکلات آن هاست و مردم را به خود دعوت نمی کند، بلکه به سوی خدادعوت می کند، بار معنوی و علمی خود را در حوزه می بندد و بعد بین مردم می رود، در حالی که می تواند زندگی مرفهی داشته باشد، در کمال زهد زندگی می کند و به شدت به فکر برطرف کردن مشکلات مردم است، خیرین به او اعتماد زیادی دارند، از خیرین کمک می گیرند، به مردم محروم و مستمند کمک می کند و به فکر این نیست که مردم

را مرید خود کند. این ها همه ویژگی های مرحوم مظاهری بود. از جمله خدمات مهم ایشان احیای دعای ابو حمزه بود که ۶۰ سال پیش شروع کردند؛ آن هم زمانی که نه در قم و نه در تهران و مشهد و نجف، هیچ جادعای ابو حمزه به شکل عمومی قرائت نمی شد. مرحوم پدر ما تعریف می کرد که وقتی در نجف بودند، بعضی علما وقتی در ماه رمضان به حرم حضرت امیر المؤمنین (ع) می رفتند، در قنوت نماز شبشان دعای ابو حمزه را می خواندند. پس خواندن دعای ابو حمزه به شکل خصوصی بود اما برنامه ای سه چهار ساعته، که عمومی باشد و مردم به منظور خواندن آن بیایند، وجود نداشت. ایشان با شخصی مطرح کردند که می خواهیم این کار را انجام دهیم. سبک ایشان هم خاص بود. حتماً از نیمه شب شروع می کرد. چون در روایت داریم که امام سجاد (ع) در آن زمان دعای ابو حمزه را می خواندند. دعا را هم پشت سر هم نمی خواندند تا خستگی ایجاد کند،

“
مرحوم
حجت الاسلام
والمسلمین
حاج شیخ
مهدی
مظاهری
رضوان الله
تعالی علیه
شخصیتی
متدین، دلسوز،
خالص و مردمی
بودند

خاطره

فاطره پزشک امام خمینی (ره) از مرحوم مظاهری

دکتر مسعود پورمقدس، پزشک امام خمینی (ره)، درباره مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری می گوید: ایشان صفات حسنه داشتند، بیش از ۵۵ سال مردم را با نور الهی آشنا کردند، از روزی که با ایشان آشنا شدم غیر از خوبی از ایشان ندیدم، قبل از آشنایی به ایشان ارادت داشتم، بعد از آشنایی این ارادت افزون گشت؛ گفتند خلاق که تویی یوسف ثانی! چون نیک بدیدم به حقیقت به از آنی، ایشان در هر انجمن خیریه که در شهر تشکیل می شد شرکت داشتند. بیمارستان قلب شهید چمران را ما از این بزرگوار داریم، هسته اولیه این بیمارستان را ایشان بنا کردند. شاهد هشتم که در شهرستان ها به منزل متمکنین خیر می رفتند تا برای بیمارستان ها کمک مالی جمع کنند. حیات معنوی مردم اصفهان خیلی به ایشان مدیون است، خوش باوری معنوی مردم در پرتو راهنمایی ایشان است. خاطره قابل توجه بنده از ایشان این است که رگ پایشان گرفته بود و من مسئولیت جراحی ایشان را به عهده گرفتم، در عمل جراحی شان چنان آرامشی در ایشان بود که من این آرامش را در کسی دیگر به جز حضرت امام خمینی (ره) ندیده بودم. قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس! که نه هر کور و ورق خواند معانی دانست. یکی از نوه های مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری نیز می گوید: «دکتر پورمقدس به حاج آقا گفته بود نمی توانم بگویم شما را کمتر از امام (ره) دوست دارم.»



جلسات بلند می شدند، صحبت می کردند و برای جبهه کمک جمع آوری می کردند. یک خاطره جالب به شما بگویم. شبی در مسجد بلند شدند و گفتند برای جبهه به ماشین توپوتا نیاز است، حتی تعدادش را هم گفتند، مثلاً ۱۱۰ تا، همان شب به اندازه ۱۱۰ ماشین توپوتا پول جمع شد. همین الان هم طبق آمار، بیشترین کمک به سیل زدگان بهار سال ۱۳۹۸ از استان اصفهان بوده است. این ها نشان می دهد که فرهنگ کار خیر در اصفهان چقدر جافته و نقش مرحوم حاج آقای مظاهری در تثبیت این فرهنگ بسیار مؤثر بوده است.

● ارتباط شما با مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چگونه بود؟

ارتباط ما با ایشان عمدتاً از طریق پدرمان بود. پدر ما شخصیتی استثنایی بودند که در نجف مرید و یار حضرت امام خمینی (ره) بودند. امام (ره) هم به ایشان خیلی علاقه داشتند. حاج شیخ مهدی مظاهری هم خیلی به پدر ما علاقه داشتند و حتی بعد فوت پدرمان، مرحوم حاج آقای مظاهری مرتباً ایشان به نیکی یاد می کردند. من هم طلبه ساده ای بودم که در دعای ابو حمزه ایشان شرکت می کردم و جذباتش شده بودم، چون صدا و نفس ایشان واقعاً جاذبه داشت و کارهای خیری که انجام می داد بی نظیر بود. اینکه می گویم بی نظیر بود یعنی واقعا در هیچ جای ایران نمونه نداشت، چون اگر نمونه ای وجود داشت خبر آن به ما می رسید. انتظار ما این است که دوستان و بستگان مرحوم حاج آقای مظاهری جلسات دعای ایشان را ادامه دهند. این انتظار را مقام معظم رهبری نیز در پیام تسلیت خود بیان کرده اند.

برخی خیریه ها را راه اندازی کردند، تعداد خیریه ها بسیار کم بود. ایشان به تناسب نیازهای جامعه این کار را می کردند، مثلاً مدرسه احمدیه را در خیابان مسجدسید راه اندازی کردند که نقش بسزایی در فرهنگ مردم داشت. هنوز هم از آن استفاده می شود، منتها روندش متفاوت با گذشته است. زمانی که این مدرسه راه افتاد، دوره ای بود که به خاطر طاغوت دبیرستان های ما وضعیت نامناسبی داشتند، به خصوص مدارس دخترانه. همچنین مؤسسه ابابصیر را راه اندازی کردند تا به افرادی که مشکل بینایی دارند کمک شود. ایشان در تأسیس و تجهیز بیمارستان های اصفهان نیز نقش مهمی داشتند. خدمات ایشان فقط به مورد خاصی محدود نمی شد، هر جا احساس می کردند نیازی وجود دارد با بیان شیرین خود درخواست می کردند که مردم کمک کنند. مردم هم اعتماد داشتند.

● مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چه تأثیری در اعزام جوانان به جبهه و پشتیبانی از دفاع مقدس داشتند؟

یکی از نقش های مهم ایشان کمک به جبهه های جنگ تحمیلی بود. ایشان به امام خمینی (ره) و سپس، مقام معظم رهبری ارادت ویژه ای داشتند. بعضی آقایانی که مخالف بودند یا سکوت می کردند، آقای مظاهری ارتباطشان را با آن ها قطع کردند. این موارد را هنوز خیلی از مردم نمی دانند، چون آقای مظاهری جایی نمی گفت که یک وقتی غیبت نشود. مرحوم مظاهری ارادت بی اندازه ای به حضرت امام (ره) داشتند و به معنای واقعی مرید ایشان بودند. در دوران دفاع مقدس یکی از پر شور ترین جلسات، دعای ابو حمزه ایشان بود که در حین آن

یکی از نقش های مهم ایشان کمک به جبهه های جنگ تحمیلی بود. ایشان به امام خمینی (ره) و سپس، مقام معظم رهبری ارادت ویژه ای داشتند. بعضی آقایانی که مخالف بودند یا سکوت می کردند، آقای مظاهری ارتباطشان را با آن ها قطع کردند. این موارد را هنوز خیلی از مردم نمی دانند.



خودش بماند اما حاج آقای مظاهری دست به کار خیر می‌زد و مسئولیت مالی آن را به فرد امین دیگری می‌سپرد.

ویژگی دوم ایشان این بود که همت بلند و اراده برای حل مشکلات داشت؛ اگر تصمیم به اجرای کاری می‌گرفت حتماً آن را انجام می‌داد و برایش مهم نبود که چند نفر در این کار خیر با او همراه می‌شوند.

ویژگی سوم ایشان این بود که در کارهای خیر کمترین استفاده از بیت‌المال را داشت و بر کمک‌های مردمی تکیه می‌کرد. ایشان در بیان درخواست از مسئولان و ترغیب آن‌ها فروگذار نمی‌کردند اما معطل کمک‌های دولتی هم نمی‌ماندند.

چهارمین خصوصیت اخلاقی ایشان این بود که اگرچه همه مردم را به کار خیر ترغیب می‌کردند، اما از همه مردم انتظار استجابت درخواست نداشتند و از آن‌ها ناراحت نمی‌شدند.

ویژگی پنجم حاج آقای مظاهری این بود که دنبال اسم و رسم نبودند؛ گاهی فردی یک چیز کوچک به جایی اهدا می‌کند و حتماً تأکید می‌کند که نامش را روی آن حک کنند! اما ایشان هیچ‌گاه تمایل نداشتند که حتی نامشان بر سر در مکانی یا جایی درج شود.

ویژگی ششم حاج آقای مظاهری جامع‌نگری بود، برای مثال در زمینه امور خیریه، ایشان در هر زمینه‌ای که برای مردم مفید بود، وارد عمل می‌شد؛ چه برای بیانیان و چه برای نابینایان، چه برای آخوندها و چه برای کت و



روایتی از رفاقت ماندگار معلم قرآن و یادگار معنوی اصفهان

رفاقت پنجاه ساله

سابقه رفاقت حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی با مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به پنجاه سال قبل بازمی‌گردد. استاد قرائتی در مقاطع مختلف از جمله در مراسم معرفی چهره ماندگار تبلیغ در استان اصفهان (۱۳۸۹) و نیز در مراسم وداع با پیکر مطهر حاج آقای مظاهری (۱۳۹۶) به تحسین و تمجید از شخصیت حاج شیخ مهدی مظاهری پرداخته است. بار دیگر از ایشان درباره ویژگی‌های اخلاقی یادگار معنوی اصفهان سؤال کردیم.

علاقه‌مندان ایشان تبدیل شدم.

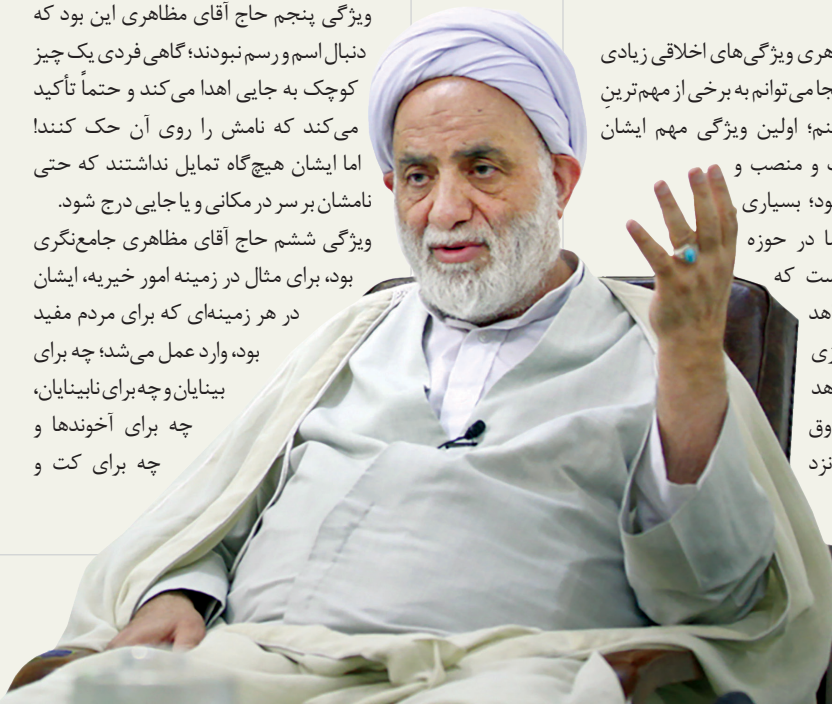
● حاج آقای قرائتی از چه زمانی با مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری آشنا شدید؟

سال‌ها قبل از انقلاب در اصفهان جلسات آموزشی برای جوانان برگزار می‌کردم، وقتی حاج آقای مظاهری از برگزاری این کلاس‌ها آگاه شدند، به سراغمان آمدند و ما را مورد لطف خود قرار دادند.

پس از این آشنایی، حاج آقا مهدی مظاهری، آیت‌الله حسن امامی و دکتر جمال موسوی نامه‌ای مرقوم و امضا کردند و طی آن خواستند که بنده در ماه مبارک رمضان به اصفهان بروم و در مدارس سخنرانی کنم. در زمان طاغوت اجازه حضور روحانیون در یک دبستان هم داده نمی‌شد، اما این بزرگواران هماهنگ کرده بودند که بتوانم در تمام دبیرستان‌های اصفهان برای سخنرانی حضور پیدا کنم. بعد از انقلاب نیز ارتباط بیشتری با ایشان پیدا کردم و به یکی از

● چه ویژگی‌های اخلاقی در ایشان وجود داشت که سبب جذب شما به آن مرحوم شد؟

حاج آقای مظاهری ویژگی‌های اخلاقی زیادی داشتند، اما اینجایی توانم به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره کنم؛ اولین ویژگی مهم ایشان دوری از پست و منصب و مسائل مالی بود؛ بسیاری از مشکلات ما در حوزه خیریه این است که اگر کسی بخواهد خیریه راه‌اندازی کند، می‌خواهد کلید گاوصندوق خیریه هم نزد



خاطره



امید فرماندهان جبهه بود

آیت الله حاج شیخ مصطفی حسنائی، امام جمعه نجف آباد، ۲۷ دی ماه ۱۳۹۶ در مسجد سید اصفهان در وصف مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری گفت: زندگی این عالم بزرگوار واقعاً با برکت بود، این حقیر از نوجوانی با این مرد بزرگ آشنا شدم، بخش عمده‌ای از عشق من به دعا و نماز از زمزمه‌های زیبای این بزرگ‌مرد بود که قبل از انقلاب در دهه ۴۰ شمسی در نجف آباد منبر می‌رفتند. شب‌های جمعه هم، دو ساعت قبل از اذان صبح در تخت فولاد اصفهان دعای کمیل می‌خواندند، ما سر شب با دو چرخه از نجف آباد به سمت اصفهان حرکت می‌کردیم تا خود را به جلسه دعای سحرگاهی ایشان برسانیم. مجلسی از مجالس ایشان نبود که چندین نفر در آن توبه نکنند، ایشان اسلام‌شناسی بود که کل جامعه را مثل خانواده خودش می‌دانست، این مرد الهی و متواضع، پست و مقام ظاهری نداشت ولی در عین حال خدمات بسیاری به مردم ارائه داد. دانشگاه ساخت، خیریه ساخت، صندوق جهیزیه ساخت، با دارالقرآن‌های ایشان، قرآن در شهر و استان اصفهان احیا شد، ایشان و محافل ارزشمندشان یکی از پایگاه‌های قوی خدمت به جبهه اسلام در دوران دفاع مقدس بود. معروف بود که فرماندهان جبهه می‌گفتند: اگر چیزی برای جبهه کم دارید، خودتان را به حاج آقای مظاهری برسانید.



مظاهری چگونه بود؟

ایشان همواره مشی اعتدال و تعادل را در پیش می‌گرفت و همواره حامی انقلاب، نظام و سیاسیون انقلابی و متدین بود. حاج آقای مظاهری چه در قبل از انقلاب، چه بعد از پیروزی انقلاب از حامیان اصلی نظام، رهبری و نیروهای انقلابی بودند اما با این حال هیچ‌گاه وارد عرصه سیاست نشدند و پست سیاسی نگرفتند.

● شما رئیس ستاد اقامه نماز کشور هستید و مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری هم مؤسس ستاد اقامه نماز اصفهان بودند، آیا پیشنهاد شما بود؟
حاج آقای مظاهری به سبب علاقه‌ای که به هم داشتیم در بسیاری از فعالیت‌هایی که بنده انجام می‌دادم مشارکت داشتند و به ما کمک می‌کردند؛ تأسیس ستاد اقامه نماز در اصفهان نیز از دیگر همکاری‌های ارزنده‌ای بود که به عنوان اقدامی خیرخواهانه دنبال کردند.

● اگر بخواهید مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری را در یک جمله خلاصه کنید، چه می‌فرمایید؟

روحانی موفق بود و دست به خیر داشت؛ پسر ایشان نیز، مرحوم آقامحسن خیرخواهی را از پدر آموخته بود و خدمات زیادی انجام داد. حاج آقای مظاهری کارهایی می‌کردند که بعضاً کسی هم متوجه آن نمی‌شد. در حق بنده کارهایی کرده بودند که بعد از فوتشان و توسط یکی از نوه‌های آن مرحوم، از آن مطلع شدم.

شلواری‌ها، چه برای بشاگرد و لردگان و چه برای اصفهان، خدمت‌ارائه می‌کردند. ویژگی هفتم ایشان این بود که در بین مردم بودند و همواره با اقشار مختلف مردم، ارتباط نزدیک و چهره به چهره برقرار می‌کردند. ویژگی هشتم ایشان، این بود که در اصلاح ذات‌البین موفق بودند. چه بسیار افراد و گروه‌هایی که برای حل اختلاف و مناقشات به حاج آقای مظاهری مراجعه می‌کردند و ایشان اختلافات و مناقشات بین آن‌ها را حل می‌کردند. نهمین ویژگی حاج آقای مظاهری این بود که هیچ‌گاه کارهای خود را بزرگ نمی‌دیدند بلکه همواره به دیگران غبطه می‌خوردند و همواره این جمله بر زبانشان جاری بود که کاش فرصتی فراهم شود تا کارهای خیر بیشتری انجام دهم، دهمین ویژگی ایشان این بود که علیرغم تمکن مالی ساده‌زیست بودند.

● آیا در مجالس دعاخوانی ایشان حضور پیدامی‌کردید؟

بله. در برخی از ماه‌های مبارک رمضان که به اصفهان می‌رفتم، حتماً در مجالس دعاخوانی مرحوم حاج آقای مظاهری که همواره با استقبال گسترده مردم نیز مواجه بود، حضور پیدا می‌کردم. ایشان در مجالس دعا، توسل می‌کرد، موعظه می‌کرد، تفسیر می‌گفت و برای امور خیر از مردم کمک می‌گرفت. یعنی جلسات دعای ایشان تک بعدی نبود و چند کار را باهم انجام می‌داد.

● مواضع سیاسی حاج شیخ مهدی



**ایشان همواره
مشی اعتدال
و تعادل را در
پیش گرفت و
همواره حامی
انقلاب، نظام
و سیاسیون
انقلابی و
متدین بود**

آیت الله سید مرتضی مستجاب الدعواتی (مستجابی) که به واسطه کسوتشان در ورزش زورخانه‌ای به «مجتهد پهلوان» نیز شهرت دارند، از قدیمی‌ترین دوستان مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در اصفهان بودند. ایشان سالیان متمادی با همراهی و همکاری حاج آقای مظاهری و دیگر علما، تولیت حسینیه اصفهانی‌ها در مشهد مقدس را به عهده داشتند و خدمات زیادی به آن بنیان پربرکت ارائه دادند. با این عالم ۹۶ ساله که روزگاری در حلقه اول باران نواب صفوی و آیت الله کاشانی و از دوستان صمیمی امام موسی صدر بوده‌اند به گفت‌وگو پرداختیم و از رفیق دیرینه‌شان، حاج شیخ مهدی، پرسیدیم.

● سابقه رفاقت شما با مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به چه زمانی برمی‌گردد؟

حدود چهارده پانزده ساله بود و من کمی از ایشان بزرگتر بودم که با هم دوست شدیم. با هم به مدرسه میرزاحسین می‌رفتیم. چون با هم دوست بودیم گاهی من می‌نشستم دم در ایوان مدرسه تا ایشان درس و بحثش تمام شود و پیش من بیاید. مرد بسیار متقی بود. همه مظاهری‌ها همین‌طور بودند، چه آن‌هایی که عمامه داشتند و چه آن‌هایی که نداشتند. پدرشان حاج شیخ محمدحسین بود. او در کوچه باغ کلم می‌نشست. ما کوچک بودیم. بعدها ایشان آمد کنار مسجد میرزا باقر یک خانه خرید. ما می‌دیدیم یک پیرمردی از این خانه بیرون می‌آید و قابل احترام است و به همه احترام می‌گذاشت. لذا ما هم همیشه به ایشان احترام می‌گذاشتیم. او اهل مسجد بود



(رفاقتی که هفتاد سال قدمت داشت)

هیچگاه از او افراط ندیدیم

خاطره

در یکی از شب‌ها که در مسجد حضور پیدا کردند با حال بیماری چند جمله‌ای، سخنرانی و درخواست کمک برای مرکز ام‌اس را بیان کردند. این نه تنها باعث شد که حضار مجلس کمک‌های بسیار زیادی داشته باشند، بلکه رهگذرانی هم که ایشان را نمی‌شناختند از همین چند جمله و چند کلمه ایشان چنان متأثر شدند که هزینه ساخت یک طبقه از طبقات بیمارستان ام‌اس را تقبل کردند.

همچنین شب بعد هم علی‌رغم مخالفت اطرافیان و خانواده، ایشان با وجود کسالت در برنامه مسجد شرکت کردند و ضمن ارادت به ساخت امام حسین (ع) از مردم تقاضای کمک به ساخت بیمارستان کردند. این بار نیز شخص رهگذر دیگری از چند جمله مختصر ایشان چنان متأثر شد که هزینه یکی دیگر از طبقات بیمارستان ام‌اس را به عهده گرفت.

برکات توسل به اهل بیت (ع)

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری ارادت فوق‌العاده‌ای به ساحت اهل بیت (ع) داشتند و به گواه آشنایان و دوستانشان یک ولایتمدار تمام‌عیار بودند. در اواخر عمر که بیماری داشتند و تکلم برایشان سخت شده بود، تمایل زیادی داشتند تا در ایام محرم در مسجد حاضر شوند. به این جهت که ضمن عرض ارادت به ساحت حضرت ابا عبد الله الحسین (ع)، بتوانند پولی برای کمک به نیازمندان جمع کنند.

دیدگاه

اعتدال در موضع گیری ها

یکی از دوستان مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری می گوید: «در این چهل سالی که بنده در محضر حاج آقا مظاهری بودم مشی سیاسی ایشان را این طور درک کردم که ایشان یک شخصیت انقلابی و مبارزه کننده با رژیم طاغوت پهلوی و بعد از انقلاب حامی امام امت (ره) و جبهه های دفاع مقدس بودند. بعد از وفات امام (ره) نیز ایشان حامی و مدافع حضرت آیت الله خامنه ای بودند.» یکی از نوه های ایشان نیز می گوید: «حاج آقا مظاهری در خلوت و جلوت برای مقام معظم رهبری دعا می کردند. با وجود دفاع همه جانبه ایشان از انقلاب، پرواضح بود که ایشان تدریجاً در موضع گیری های سیاسی نداشتند و مورد علاقه تمام طیف های سیاسی بودند، هم اصول گرا و هم اصلاح طلب مرید ایشان بودند و در مجالس ایشان شرکت می کردند. با اینکه می دانستیم از جهت سیاسی با برخی از علما اختلاف نظر داشتند اما یاد ندارم حاج شیخ مهدی مظاهری در موضع گیری های سیاسی به کسی اهانت کرده باشند.»

که پسرش در کار و بار موفق شد، هر دوی آنها از نظر ربالی خیلی خدمت انجام دادند. از وقتی که این تحول مالی برایشان پیش آمد، از روی محبت و معرفتی که داشت سعی می کرد به دوستانش کمک کند. یک شب با محسن خانه ما آمد، احوالپرسی کرد و بعد به زور پاکتی گذاشت و رفت. البته پاکت را برایش پس فرستادم و گفتم من لازم ندارم و به خاطر روحیه ورزشکاری ام هیچ وقت از کسی پول نگرفته ام.

آخرین باری که با شما صحبت کرد چه می گفت؟

این آخری ها نمی توانست حرف بزند. وقتی پیشش می رفتم با نگاه حرف می زد و به دل ما خنجر می زد. مدت ها مریض بود و نمی توانست حرف بزند، اما تا زمانی که زنده بود اگر کسی به ایشان رجوع می کرد و ایشان در توانش بود، برای کمک کوتاهی نمی کرد. روحانیون عموماً همه جا این کار را می کردند، ولی ایشان پابرجا بود. اگر کسی نصف شب هم در خانه شان می رفت جواب می داد.

علتش چه بود که ایشان می توانست در مجالس دعا و منبرهای خود برای کارهای خیریه مبالغه زیادی را جمع کند؟

برای اینکه راست می گفت، برای اینکه پول را تو جیبش نمی گذاشت که خرج کار دیگری کند، مردم او را به صداقت و امانت می شناختند، به مجرد اینکه پول برای ساخت جایی می خواست، می دادند. خلق، خیلی دوستش می داشتند، چون در تمام طول عمرش قدمی بی جابر نداشت.

و کارهای ادعیه را انجام می داد. شیخ مهدی آن موقع کوچک بود و او را کنار پدرش می دیدم اما آن ایام با هم دوست صمیمی نبودیم. حاج آقا رضا، برادر بزرگ ایشان، هم مرد خوب و متقی بود و در روزنامه «جوان» درباره او چیزهایی گفته ام که ثبت شده است.

مهم ترین صفات اخلاقی حاج شیخ مهدی چه بود؟

از روز اولی که با ایشان رفت و آمد کردیم تا روز آخر روش ثابت و مشخصی داشت و آن این بود که کارهایش بسیار حساب شده بود. از روی ادب رفتار می کرد. خدای نکرده یک کلمه از ایشان غیبت یا تهمت نشنیدیم. تا آخر عمرش از او افراط در هیچ کاری ندیدیم. هیچکس مثل حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ مهدی مظاهری رحمه الله علیه به ائمه (ع) ادای احترام نمی کرد. مرحوم حاج شیخ مهدی اهل دعا بود، هم خودش روی منبر زار می زد و هم مردم را به گریه می انداخت. خیلی هم برای اصفهان فداکاری کرد. برای رضای خدا خیلی خدمت کرد، مدرسه و مسجد ساخت، حسینییه ساخت، خیریه درست کرد. همه کارهایش خوب بود. تا آخر هم با هم رفت و آمد داشتیم و از مسیر اسلامی که پدرانمان به ما آموخته بودند یک قدم آن طرف تر نرفتیم.

خاطره خاصی از ایشان دارید که مرور آن برایتان جالب باشد؟

یادم هست در رفاقت بی نظیر بود، واقعاً رفیق بود. اگر کسی به او خدمتی می کرد، فراموش نمی کرد. آن وقت که طلبه بودیم چیزی نداشت اما وقتی

همراه حاج آقای مظاهری وارد اتاق می شوند. آقای مظاهری در خواب به آن خانم می فرمایند که خداوند متعال به برکت امام زمان (عج) شما را شفا داده است. وقتی آن خانم از خواب بیدار می شود به فرزند خودش می گوید: مطمئنم که نیاز به عمل جراحی قلب ندارم چرا که امام زمان (عج) به اذن خداوند مرا شفا داده است. فرزند او می گوید: این حرف ها را زن! ما با پزشک صحبت کردیم و قرار است ساعت ۹ عمل شوی! ولی مادر اصرار می کند که اطمینان دارد شفا گرفته است.

وقتی جراح قبل از عمل برای آخرین بار خانم را معاینه می کند بسیار شگفت زده و متعجب می شود و می گوید دیگر نیازی به عمل نیست چرا که داروها اثر کرده است. دکتر به خیال و عقیده خود فکر کرده بود که داروها اثر کرده است، در حالی که شفاعت امام زمان (عج) علت این شفا بود.

این ها نشان از آن داشت که ولایت مداری مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری مقبول اهل بیت (ع) واقع شده است. یکی از نوه های ایشان در این راستا می گوید: «فردا زید در خواب دیده بودند که حاج آقا مظاهری عمامه مشکی بر سر دارند. یک بار از مرحوم حجت الاسلام صدیقین، که از شخصیت های معروف در تعبیر خواب بودند، پرسیدیم که معنای این خواب ها که مردم می بینند چیست؟ پاسخ دادند: این نشان از ولایت مداری ایشان دارد که مورد قبول اهل بیت (ع) واقع شده است.

چند سال قبل خانمی که در جلسات دعای حاج آقا مظاهری شرکت می کرد، از اصفهان برای جراحی قلب به انگلستان رفت و بنابر توصیه حاج آقا دائماً زیر لب ذکر «المستغاث بک یا صاحب الزمان» را زمزمه می کرد. شبی که قرار بود فردا ساعت ۹ صبح جراحی شود، در خواب می بیند که قطب عالم امکان، امام عصر (عج)، به

روایت استاد مسن مشکاتی از وجوه اخلاقی و قرآنی «حاج شیخ مهدی»

آیت الله العظمی مکارم هم پای منبر ایشان می نشستند

استاد حسن مشکاتی، چهره نام آشنای قرآنی، در دیار اصفهان است که سال هادر دانشگاه معارف قرآن و عترت ضمن تصدی مسئولیت های مختلف، به تدریس و تحقیق مشغول بوده و از محضر آیت الله العظمی مکارم شیرازی و مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری خوشه چینی کرده است. به دفتر کار این معلم مهربان و خوش اخلاق قرآن رفتیم و از او درباره «حاج شیخ مهدی» پرسیدیم.

● **سابقه آشنایی شما با مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به چه زمانی برمی گردد؟**
پدر ما از حدود ۶۰ سال قبل در منزل روضه داشت. از همان زمان یکی از منبری های مجلس روضه پدر من، حاج آقای مظاهری بود. همچنین پدر من و حاج آقا در زمان ابتدایی در مدرسه ای به نام اقدسیه همکلاس بودند. من از نوجوانی با ایشان آشنا شدم. والدین من اهل دعای ابو حمزه بودند و من را همراه خود به مجالس دعای حاج آقا می بردند. منبرهای ایشان هم که در خانه ما پابرجا بود. بعدتر که نوجوان شدم و استقلال رفت و آمد پیدا کردم، پای ثابت دعاها ی کمیل و ابو حمزه ایشان شدم.

● **به نظر شما مهم ترین ویژگی های اخلاقی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چه بود؟**
صداقت، تواضع و مردمی بودن، نداشتن کبر، ارتباط سریع با افراد و کم کردن فاصله ارتباطی با همه اقشار جامعه، برخورد عاطفی و شوخ طبعی، خوش رویی در برخورد با افراد و امانت داری از ویژگی های اخلاقی ایشان بود. اما بارزترین ویژگی ایشان به نظر من «صبغه الهی داشتن» بود، به گونه ای که معمولاً به تعاملات خود با افراد رنگ خدایی می دادند. تکبر نداشتند و اگر کسی با ایشان به تندی برخورد می کرد، عکس العمل نشان نمی دادند، بلکه با ملایمت با آن فرد صحبت می کردند و اشکالات فرد را در قالب سؤال با او می گفتند.

● **میزان تمایل ایشان به فعالیت های قرآنی چقدر بود؟**

ایشان اوایل انقلاب سفرهایی را به همراه مرحوم بهلول به استان سیستان و بلوچستان داشتند تا به مناطق محروم خدمتی کنند و تبلیغی انجام دهند. در مناطق اهل سنت دیده بودند که آن ها آموزش های قرآنی را برای خردسالان به صورت فراگیر دارند. همچنین، ایشان سال هایی را به عنوان روحانی کاروان از طرف سازمان حج و بعثه به حج واجب و عمره می رفتند. در حج واجب می دیدند که در مسجدها حرام کودکان و نوجوانان به آموزش قرآن رغبت زیادی نشان می دهند. لذا ایشان در کنار انواع خدمات اجتماعی و اقتصادی یک حرکت قرآنی راه انداختند و در سال ۱۳۶۷ «دارالقرآن الکریم للتحفیظ والتعلیم» را تأسیس کردند. البته بعدتر به دارالقرآن الکریم اصفهان

تغییر نام پیدا کرد. یک سال بعد، اولین دوره تربیت معلم قرآنی را براساس نیازی که مردم اصفهان به معلم قرآن داشتند راه اندازی کردند. پس از این دوره به فکر مدرک دادن به معلم ها افتادند. لذا بخش آموزش عالی قرآن هم در سال ۱۳۶۸ آغاز شد و این مرکز رشد کرد تا به امروز که به دانشگاه معارف قرآن و عترت رسیده ایم.

● **نقش ایشان در هدایت و حمایت از دانشگاه معارف قرآن و عترت در طول تکوین این مجموعه قرآنی چه بود؟**

حاج آقا مظاهری سال ها رئیس این دانشگاه بودند و در مقام عمل به مبانی و اصول مدیریت حضور داشتند. مدیریت ایشان پیشرفته، مؤثر و نتیجه بخش بود. ایشان برای اینکه دانشگاه توسعه پیدا کند زحمات زیادی کشید. به من فرمودند که من پرده کعبه را گرفتم و از خدا خواستم که فعالیت های این مجموعه جهانی شود. در کارهای دانشگاه به ما می فرمودند که باید پیروان قرآنی و معتقد به ائمه (ع) تربیت کنیم. تأکید داشتند که خروجی های این دانشگاه باید پیرو قرآن و ائمه (ع) باشند. ایشان با دانشجویان جوان تعامل مستقیم داشتند. به خوابگاه می آمدند و به حرارت و به طور جوان پسند با دانشجویان صحبت می کردند. بچه ها احساس می کردند که پدر بزرگشان آمده و واقعا روحیه عجیبی به آن هادست می داد.

● **چه توصیه ای از ایشان همواره در ذهن شما باقی مانده است؟**

من از ایشان خاطرات زیادی دارم. جمله ای برای دانشجویان داشتند و می گفتند قرآن مجسم باشید. جایی باید در کشور باشد که بتوانیم نشان بدهیم و بگوییم افراد این مجموعه براساس قرآن عمل می کنند. دارالقرآن و دانشگاه قرآن همان جایی است که باید به این خصلت شناخته شود و افراد آن به قرآن عمل کنند. یکی دیگر از توصیه های مهم ایشان این بود که ارتباط خود را با ائمه (ع) و امام زمان (عج) به صورت دائمی حفظ کنید.

● **شما اطلاعات خوبی از ارتباط ایشان با آیت الله مکارم شیرازی دارید. ارتباط این دو بزرگوار چطور برقرار شد؟**

دوستی ایشان با آیت الله مکارم از قبل انقلاب اسلامی از جلسات خانه ما شروع شد، زیرا در

مناسبت های مختلف، علمایی مانند آیت الله یزدی، آیت الله جنتی، آیت الله خزعلی و آیت الله مکارم به اصفهان می آمدند و در منزل ما جلوس می کردند. در این حین بعضی علمای شهر از جمله حاج آقا مهدی مظاهری هم به دیدن این علما می آمدند. در سال ۱۳۵۵ پدر ما تصمیم گرفت که به جای اینکه در یک خانه کوچک با جمعیتی محدود جلسات روضه را برگزار کند، آن را در مکانی بزرگتر و با افراد شناخته شده تر برگزار کند. پدر ما اول به آیت الله مطهری گفتند که ایشان نتوانستند. سپس به آیت الله مکارم گفتند و ایشان قبول کردند. وقتی این جلسات آغاز شد بسیاری از علمای اصفهان از جمله مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری در آن شرکت کردند.

پس از انقلاب، آیت الله مکارم هر سال در روضه پدر ما که در منزل برگزار می شد شرکت می کردند. یکی از افرادی که در منزل ما منبر می رفت حاج آقا مهدی مظاهری بود و آیت الله مکارم پای منبر ایشان می نشستند. من هم در سال ۵۸ با خانواده آقای مکارم وصلت کردم و داماد ایشان شدم و تبعاً به واسطه بنده ارتباط ایشان با آیت الله مکارم بیشتر شد. در سال های آخر عمر حاج آقای مظاهری و قبل از اینکه کسالت ایشان تشدید شود، از طریق دفتر آیت الله مکارم توانستیم وقتی از دفتر رهبری بگیریم تا حاج آقای مظاهری و جمعی از اعضای دانشگاه خدمت رهبر برسند. بحمدالله دیدار خیلی خوبی برگزار شد. حاج آقای مظاهری به رهبری علاقه خاصی داشتند و خود را پاینده ولایت فقیه می دانستند.

آیت الله مکارم تأکید داشتند که فعالیت های آقای مظاهری رسانه ای شود، چرا که ایشان فرد مخلص و باصداقتی است که توانسته منشأ خدمات بسیاری شود و از فعالیت های ایشان مخصوصاً خدمات اجتماعی و قرآنی شان خیلی راضی بودند. روی همین پیوندها و علاقه ها بود که ایشان حامی تأسیس این دانشگاه شد. یک بار آیت الله مکارم در دیدار با رئیس جمهور وقت از ایشان خواستند که در صدور مجوز این دانشگاه مساعدت های لازم را داشته باشند. در نتیجه این پیگیری، دانشگاه رسمی شد. آیت الله مکارم به من گفتند: «من بر خود لازم می دانم که از این دانشگاه حمایت کنم» چون به حاج آقای مظاهری اعتماد داشتند و می دانستند که دانشگاه قرآن منشأ کارهای مفید و مؤثر می شود.



**پس از انقلاب،
آیت الله مکارم
هر سال در
روضه پدر ما که
در منزل برگزار
می شد شرکت
می کردند.
یکی از افرادی
که در منزل ما
منبر می رفت
حاج آقا مهدی
مظاهری بود
و آیت الله
مکارم پای
منبر ایشان
می نشستند**



در پی ارتحال مرحوم مظاهری در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت

توصیف بی سابقه شخصیت ها از مرحوم مظاهری

فقدان حاج شیخ مهدی مظاهری برای علما، خیران و مردم نیکوکار ایران اسلامی ضایعه ای جبران ناپذیر بود، چه اینکه حوزه های علمیه، شخصیتی قابل افتخار و مردم اصفهان، پشتیبانی معنوی را از دست دادند. از این رو مسئولان و شخصیت های برجسته کشوری و لشکری و مراجع معظم تقلید در پیام های جداگانه ای رحلت این عالم ربانی را تسلیت گفتند. سابقه دوستی مرحوم مظاهری با بسیاری از علما و شخصیت ها پس از ارتحال ایشان مشخص شد، چرا که ایشان عالمی شهرت گریز، متواضع و فروتن بود.

شامگاه ۲۱ دی ماه سال ۱۳۹۶ اصفهان در ماتمی فراموش ناشدنی فرو رفت. برخی از مراجع عظام تقلید و اساتید حوزه علمیه در آغاز دروس خود به فقدان این عالم وارسته اشاره کردند و ارتحال ایشان را تسلیت گفتند. خیلی زود، پیام های تسلیت و تسلی بخش از سوی بزرگان به بیت مرحوم ارسال شد که پیام مقام معظم رهبری همچون نگینی بر تارک این پیام هادی درخشید. در ذیل، برخی از پیام های تسلیت را که حاوی نکات مهمی در توصیف ابعاد شخصیتی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری است، از نظر می گذرانیم:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

فقدان اسفناک دانشمند محترم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری (ره) موجب نهایت تأسف گردید. آن فقید سعید از علما و خطبای معروف و موافقی بود که ده ها سال در اصفهان و سایر مناطق کشور، مجالس دینی و دعا را به خوبی اداره می کرد و موجب هدایت نسل

جوان بود. خلوص نیت و علاقه و پشتکار آن فقید سعید موجب محبوبیت اجتماعی و موفقیت او در عرصه های مختلف بود، علاوه بر اینها با تأسیس موسسات بسیار پربرکتی با کمک خیرین، به کمک نیازمندان و اعتلای فرهنگی دینی می شتافت و گروه زیادی از موسسات خیریه ای و فرهنگی او بهره مند بودند.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به همه اهالی محترم اصفهان مخصوصاً به بیت شریف و فرزندان او تسلیت عرض کرده و اجر جزیل و صبر جمیل برای آن ها از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی:

رحلت عالم ربانی، روحانی زاهد و سالک الهی الله، زین الخطباء و المحدثین مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی مظاهری رضوان الله تعالی علیه موجب تأثر و تأسف گردید. آن عالم وارسته سالیان متمادی در تهذیب نفوس و تربیت انسانهای شایسته و ارشاد و هدایت مردم، نقش به سزایی داشت و در حقیقت معلم

اخلاق و مبلغ آثار و معارف نورانی اهل بیت علیهم السلام و عاشق دلباخته مولای خود حضرت بقیة الله الأعظم ارواح العالمین له الفدا بود. خدمات اجتماعی و عام المنفعه ایشان همیشه در دلها و خاطره ها باقی خواهد ماند رحمه الله علیه رحمه واسعه و اسکنه الله فی بحبوحات جناته و حشره مع مولانا امیر المؤمنین و الائمه المعصومین علیهم السلام.

اینجانب این مصیبت را به حضرات علمای اعلام و حوزه علمیه و مردم شریف و متدین اصفهان و به خصوص به خانواده مکرم آن فقید سعید تسلیت گفته و صبر جمیل و اجر جزیل برای همه بازماندگان از خداوند متعال مسئلت دارم.

آیت الله العظمی حسین مظاهری:

(مطلع شدید) عالم خدوم و خطیب توانا، حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی مظاهری رحمه الله علیه دار فانی را وداع گفته و به دیدار پروردگار متعال شتافت. این روحانی با فضیلت، یکی از شخصیت های برجسته و با اخلاصی بودند که ده ها سال با خدمات والای اجتماعی و معنوی خود، موقعیت دینی و مذهبی شهر اصفهان را ارتقا بخشیده است و همواره با خطابه ها و نوای گرم دعا و نیایش خود و همچنین با ایفای نقش برجسته و اثربخش در برنامه های اجتماعی و فرهنگی نظیر تأسیس دارالقرآن و دانشگاه معارف قرآن و مساجد و خیریه ها و مراکز درمانی و نظایر آن، در ترویج دین و خدمت به اهل ایمان، اهتمامی والا داشتند و این خدمات خالصانه هیچ گاه از ذهن و یاد مردم قدرشناس اصفهان محو نخواهد شد.

سالیان آخر عمر با برکت ایشان همراه با آزمایش الهی بیماری و مرارت سپری شد و این عالم با اخلاص، همواره با صبر و شکر، آن را پشت سر می



آیت الله علوی بر وجردی:

ارتحال اسفناک عالم عامل، متقی و خدمتگزار مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی مظاهری تغمده الله بغفرانه، ضایعه ای سنگین برای روحانیت شیعه، جامعه روحانیت و مردم فضیلت پرور منطقه اصفهان بود. آن فقید سعید بازمانده ای از روحانیت اصیل و مردمدار شیعه بود که سالیان دراز مشام جان عاشقان و دلباختگان اهل بیت معصومین علیهم آلف التحیته و الشنا را با عطر کلمات دلنشین و ادعیه روح پرور آن گزیدگان تشریع و تکوین فیض داد و با کشت بذر محبتشان دل های مستعد را جلا بخشید. نغمه سرایی های این عاشق دلخسته روح دعا را در قالب جانها امید و دمی از خدمت دلسوزانه و پدرا نه به ارباب حاجت نیاسود. در علم و عمل آسوه ای شایسته، در تربیت نفوس عاملی مؤثر و در عرضه معالم اهل بیت علیهم السلام مبلغی ساعی بود، و نام و یاد او سالیان دراز در ذهن و دل ارادتمندان حضرتش پایدار خواهد ماند. شیعه هرگز خدمتگزاران راستین خود را فراموش نمی کند، شیعه فراموشکار نیست. با تسلیت این فاجعه به محضر مبارک حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداء، جامعه روحانیت و مردم شریف اصفهان و بیت رفیع و همه بستگان و وابستگان آن فقید از خداوند منان علو درجات آن روح بلند را مسئلت دارم.

حجت الاسلام سید جواد شهرستانی،

ناماینده آیت الله العظمی سیستانی:

خبر درگذشت جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری موجب تأسف و تأثر گردید. ایشان از عالمان متعهد و دلسوز در ترویج مذهب اهل بیت (ع) بوده اند. بقای عمر بازماندگان و صبر و اجر از خداوند باریتعالی خواستارم و عفو این عالم جلیل القدر را از خالق متعال خواهانم.



آیت الله العظمی

صافی

گلپایگانی:

آن عالم وارسته

سالیان متمادی

در تهذیب

نفوس و تربیت

انسانهای

شایسته و ارشاد

و هدایت مردم،

نقش به سزایی

داشت و در

حقیقت معلم

اخلاق و مبلغ آثار

و معارف نورانی

اهل بیت علیهم

السلام و عاشق

دلباخته مولای

خود حضرت

حجت بود

بهترین گواه بر دلسوزی بر چنین طبقه بود. نیایش و دعای او در شبهای رمضان دلها را به سوی جهان دیگر متوجه می کرد و نغمه های روح بخش او به جوانان روح ایمان و تقوا می بخشید. ایشان مصداق آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» می باشند. مهر و محبت او در دل مردم اصفهان و کلیه کسانی که با او آشنا بودند، بر اثر خدمات ارزنده تبلیغی و خدمت صادقانه به جامعه است و به حق او مصداق این فقره است «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا». اینجانب این ضایعه اسفناک را به مردم شریف اصفهان و حوزه علمیه و روحانیت معظم بالأخص بازماندگان تسلیت می گویم و سخن خود را با این جمله به پایان می رسانم: سلام علیه يوم ولد و يوم مات و يوم یبعث حیا.

آیت الله العظمی علوی گرگانی:

خبر درگذشت عالم ربانی و فقیه پارسا جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی مظاهری رحمه الله علیه موجب تأثر و تألم اینجانب گردید. این عالم متقی سال های متمادی بانوای دلنشین خود قلبهای آماده و حقیقت جو را به سمت پروردگار رهنمون می ساخت و با تقوا و اخلاص خود در هدایت و ارشاد مردم سهمی به سزا داشتند. همچنین در امور عام المنفعه منشأ خدماتی بودند.

اینجانب درگذشت این عالم ربانی را در درجه اول به محضر مقدس امام زمان علیه السلام و سپس به مقام معظم رهبری و حوزه علمیه اصفهان، همچنین به مردم شریف و متدین اصفهان و بازماندگان آن مرحوم بالأخص داماد محترم ایشان حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ هادی نجفی تسلیت عرض می نمایم.

نهاد. درگذشت حجت الاسلام مهدی مظاهری را به خاندان وی و همه ارادتمندان ایشان خصوصاً فرزندان و دامادهای مکرمشان تسلیت گفت و از خداوند تعالی علو درجات این عالم متقی را مسئلت کرد.

آیت الله العظمی نوری همدانی:

بانهایت تأسف و تأثر خبر ارتحال خطیب محترم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی مظاهری رحمت الله علیه را دریافت کردم.

این عالم فرزانه و پرتلاش سالهای متمادی با اخلاص فراوانی که داشت هدایت مردم خصوصاً جوانان را بر عهده گرفت و با توسل و ادعیه و جلسات شب و روز جمعه و ایام رمضان المبارک که اینجانب به واسطه رفاقت و ارتباط با آن مرحوم از نزدیک مشاهده کرده بودم توانست در جان و روح افراد مستعد اثر گذار باشد. خدمات اجتماعی و فرهنگی و عام المنفعه نام او را ماندگار کرد و بی شک آثار معنوی آن روحانی خدمتگزار در اذهان مردم باقی خواهد ماند و اجر و مزد صالحان را از ذات اقدس حق دریافت خواهد کرد.

اینجانب درگذشت این عالم فقید و مخلص و خدمتگزار را به حوزه علمیه و اهالی شریف و متدین اصفهان و بازماندگان محترم ایشان تسلیت عرض نموده و علو مقام برای آن مرحوم مسئلت می نمایم.

آیت الله العظمی سبحانی:

درگذشت عالم ربانی، مبلغ والامقام حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی مظاهری (رحمه الله) را با کمال تأسف دریافت کردم. فقید سعید در قلمرو تبلیغ بهترین مبلغ بود و در جهت خدمتگزاری به ایتمام و محرومان و مستمندان پیشگام بود و آثار موجود در این زمینه



آیت الله سید ابوالحسن مهدوی، امام جمعه موقت اصفهان:

خبر ارتحال عالم ربانی روحانی خدوم حضرت حجت الاسلام و المسلمین مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری رحمه الله علیه موجب تأسف و تأثر فراوان شد. خدمات شایان ایشان در طول عمر پر برکتشان و نوای ملکوتی ایشان در شب های جمعه و زمزمه دعای پرفیض ابوحمزه ثمالی در سحرهای ماه مبارک رمضان برای اینجانب و تمام ارادتمندان آن بزرگوار پر بار بوده و فراموش ناشدنی است. فقدان این عالم ربانی و خدوم را به محضر حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفداء)، مقام معظم رهبری، مردم شریف و ولایت مدار اصفهان و به خصوص آقازاده مکرم و بازماندگان و ارادتمندان به آن مرحوم، تسلیت عرض کرده و برای ایشان غفران و حشر با اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) مسئلت نموده و برای بازماندگان صبر و اجر خواهانم.

آیت الله قربانعلی دری نجف آبادی، نماینده ولی فقیه و امام جمعه اراک:

ارتحال عالم فرزانه و خطیب توانا و منشأ خیر و برکت و اثرات فراوان فرهنگی و اجتماعی و واعظ شهیر و تاثیرگذار، احیا گیرنده سحرها و قرائت کننده دعای کمیل در شب های جمعه و دعای ابوحمزه ثمالی در شب های ارزشمند ماه شریف رمضان المبارک، در طول بیش از نیم قرن، که مشام همه را معطر می کرد و سحرها با ناله ها و زمزمه های نیمه شب به جوان ها گرمی می بخشید و پایگاه عظیمی برای جوانان و دلدادگان راه دوست و مکتب اهل بیت (ع) بود و با نفس گرم خود به این سفره های پر برکت و نورانی صفا می داد، مرحوم

ربانی حضرت آیت الله مظاهری را به بیت معظم آن مرحوم تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن فقید عزیز رحمت و رضوان الهی و برای همه بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می نمایم.

آیت الله سید یوسف طباطبایی نژاد، نماینده ولی فقیه و امام جمعه اصفهان:

ارتحال عالم ربانی و چهره ماندگار تبلیغ اصفهان، حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا مهدی مظاهری (رحمه الله علیه) موجب تأثر و تألم گردید.

آن عالم ربانی و واعظ مخلص، سال های متمادی با برگزاری دعای ابوحمزه ثمالی، دعای کمیل و ندبه به تبلیغ و ترویج معارف ناب اسلامی و اجرای برنامه های فرهنگی و مذهبی در شهر اصفهان پرداخت. نقش مؤثر ایشان در گسترش فرهنگ و معارف اسلامی را می توان با نگاهی به فعالیت های ایشان همچون تأسیس دانشگاه قرآن و معارف اسلامی، ستاد اقامه نماز استان اصفهان، دارالقرآن الکریم استان اصفهان، تلاش برای تأسیس انجمن خیریه مددکاری امام زمان (عج) و مؤسسه خیریه ابابصیر اصفهان، فعالیت های گوناگون در زمینه نشر و ترویج معارف دینی و کمک های مادی و معنوی به جبهه های حق علیه باطل در دوران هشت سال دفاع مقدس مشاهده کرد. ارتحال این عالم ربانی را به محضر حضرت بقیه الله الاعظم (عج)، مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، حوزه علمیه اصفهان، علاقه مندان به آن مرحوم خصوصاً بیت مکرم و معزز مظاهری و سایر بستگان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان غفران الهی و علو درجات برای آن واعظ مخلص و اجر برای کلیه بازماندگان خواستارم.

حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی، رئیس جمهور:

رحلت عالم پر تلاش و چهره ماندگار تبلیغ استان اصفهان، حجت الاسلام و المسلمین آقای مهدی مظاهری، موجب تأثر فراوان شد. این روحانی خدوم، در طول عمر با برکت خود در کنار فعالیت های ارزنده آموزشی و تبلیغ معارف دینی و اهتمام خالصانه به ترویج آموزه های قرآنی و با انجام خدمات مختلف عام المنفعه، کارنامه پر باری از عمل خیر برجای گذاشت. اینجانب این ضایعه را محضر علما و فضایی حوزه های علمیه، شاگردان و دوستان، مردم شریف استان اصفهان و بیت مکرم آن عالم وارسته تسلیت می گویم و از درگاه خداوند متعال برای ایشان علو درجات و همجواری با ائمه اطهار (ع) و برای عموم بازماندگان صبر مسئلت دارم.

دکتر علی لاریجانی،

رئیس مجلس شورای اسلامی:

درگذشت حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری از اساتید حوزه علمیه اصفهان موجب تأسف و تأثر گردید. اینجانب ضمن عرض تسلیت ضایعه فقدان ایشان به پیشگاه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حوزه علمیه و مردم شریف اصفهان، برای آن روحانی جلیل القدر، علو درجات و برای بیت شریف و سایر بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسئلت می کنم.

آیت الله جنتی،

رئیس مجلس خبرگان رهبری:

با نهایت تأسف و تألم مصیبت درگذشت عالم

حجت الاسلام
والمسلمین
حسن روحانی:
این روحانی
خدوم، در طول
عمر با برکت
خود در کنار
فعالیت های
ارزنده آموزشی
و تبلیغ معارف
دینی و اهتمام
خالصانه
به ترویج
آموزه های
قرآنی و با
انجام خدمات
مختلف
عام المنفعه،
کارنامه پر باری
از عمل خیر
بر جای گذاشت



عزیز می‌شود، بر کسی پوشیده نیست و چه شب‌هایی که خیل جوانان این شهر همراه بانوای ایشان در پیشگاه الهی نجوا کردند و صبح عازم مناطق عملیاتی شدند. اینجانب ضایعه ارتحال ایشان را که ثلمه‌ای جبران ناپذیر بر اسلام و تشیع است، به پیشگاه حضرت بقیةالله (عج)، مقام معظم رهبری، حوزه علمیه پرافتخار و کهن اصفهان و عموم دوستان و علاقه‌مندان و بیت داغدار تسلیت عرض کرده و از درگاه حضرت احدیت برای آن عالم باعمل بی ادعا و باتقوا، علو درجات و حشر با حضرت سیدالشهدا (ع) و برای بازماندگان محترم صبر جزیل خواستارم.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

درگذشت عالم خدوم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری (ره) از علمای محترم اصفهان موجب تأسف و تأثر گردید. این روحانی محبوب اهتمام ویژه به نشر معارف اهل البیت (علیهم السلام) داشت و احیاگر قرائت دعای شریف ابو حمزه ثمالی، دعای کمیل و دیگر ادعیه طی سالیان متمادی بوده و در امور فرهنگی از جمله تأسیس دانشگاه قرآن و معارف، ستاد اقامه نماز و موسسات خیریه همت گماشت.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم رحلت این عالم ربانی را به محضر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مقام معظم رهبری «مدظله العالی»، مراجع معظم تقلید «دامت برکاتهم»، و به ویژه حضرت آیت الله العظمی مظاهری «دامت برکاته» و علماء و حوزه علمیه و مردم متدین اصفهان، آقازاده محترم و بیت شریف ایشان تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم غفران و رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و اجر را از درگاه خداوند متعال خواستاریم.

می‌پرداختند و از او خاطرها دارند، دانشمند مکرم و معظم، جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی مظاهری است که در شب جمعه مهمان رسول خداوند (ص) و معصومانی (ع) شد که سال‌های سال، دعا و مناجات ایشان را برای مردم اصفهان قرائت و تفسیر می‌کرد. چه سخت و دشوار است جایگزینی چنین ستارگان و عالمانی در بلاد اسلامی. این ارتحال را به حجت مطلق عصر، امام زمان (عج) و سپس به عالمان، طلاب، همه مؤمنان شهر عالم پرور و پر خیر اصفهان، بستگان و وابستگان ایشان، بیوت محترم مظاهری، نجفی، دیانی و میر محمد صادقی به ویژه آیت الله حاج آقاهادی نجفی تسلیت عرض می‌نمایم.

سر تیپ دوم پاسدار حسین اشتری، فرمانده نیروی انتظامی:

ارتحال عالم ربانی، مجاهد و مبلغ پرتلاش، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی مظاهری را به دوستداران آن بزرگمرد و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تسلیت عرض می‌کنم، بدون شک خدمات شایسته، طولانی و ماندگار ایشان همگام با امام و انقلاب در جهت ترویج اسلام عزیز و مکتب تشیع در اصفهان و حتی دیگر نقاط کشور، از جمله تأسیس و راه اندازی چندین مرکز درمانی بهداشتی و خیریه‌های مؤثر به مراکز علوم دینی و قرآنی از یک سو و برپایی خالصانه محافل توسل و موعظه در مساجد و تکایای شهر اصفهان، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و اهتمام بی نظیر و مستمر در تشکیل جلسات توسل ادعیه و خصوصاً محفل نورانی قرائت دعای ابو حمزه در لیالی ماه مبارک رمضان با سابقه‌ای بیش از نیم قرن که موجب تحولی عظیم در دل‌های جوانان

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی مظاهری (طاب ثراه) را به حوزه مقدسه علمیه اصفهان، بیت شریف و فرزندان مکرم ایشان و مردم شریف استان اصفهان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن بزرگوار، رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان، خیر و صلاح و سلامت مسئلت می‌نمایم.

دکتر اسحاق جهانگیری،

معاون اول رئیس جمهور:

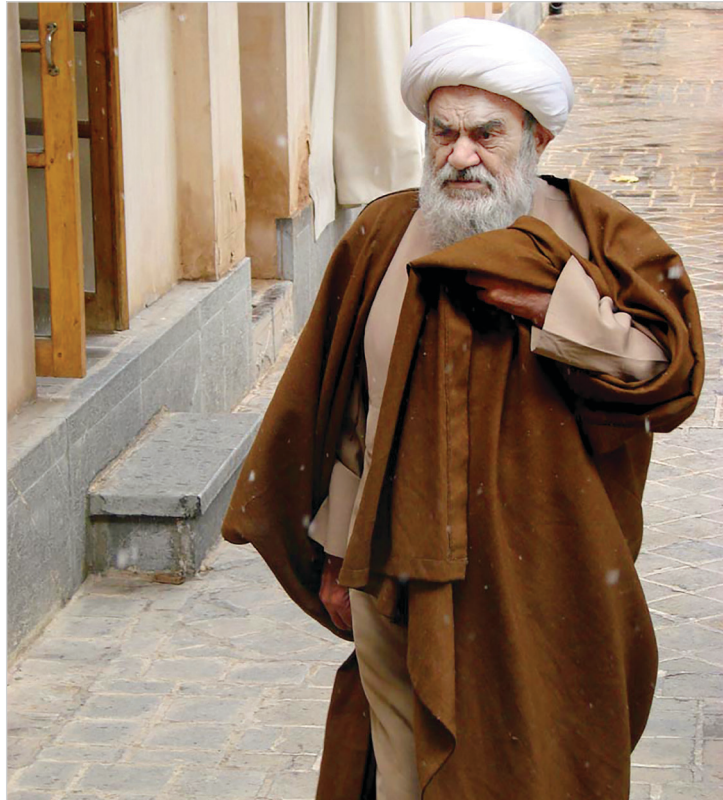
خبر تأسفانگیز درگذشت عالم جلیل القدر و روحانی پارسا و مردمی حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مهدی مظاهری که عمر بابرکت خود را در راه نشر و ترویج معارف اسلامی و قرآنی و نیز خدمت به مردم صرف نمود، موجب تألم و تأثر گردید.

این ضایعه غمبار را به حوزه‌های علمیه، مردم شریف استان اصفهان و به ویژه به بیت مکرم ایشان صمیمانه تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال برای ایشان رحمت واسعه الهی و علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت دارم.

آیت الله ابوالقاسم علی دوست،

استاد برجسته حوزه علمیه قم:

انسان موجودی است مختار بین دو بی‌نهایت؛ بی‌نهایت سقوط و بی‌نهایت تکامل و رشد. در گروه دوم، برخی چنان می‌درخشند که مردمان آشنا به ایشان، چونان ستاره‌ای در افق آسمان به آن‌ها می‌نگرند. از این ستارگان درخشان، پیشوای اهل خیر و خدمات عام‌المنفعه، جای گرفته در اذهان صالحان اصفهان و شخصیتی که در و دیوار مساجد بزرگ آن دیار با زمزمه داوودی او به مناجات با پروردگار



بشارت آیت الله العظمی مظاهری درباره «حاج شیخ مهدی»

در خدمت امام حسین (ع) خوش و خرم است

آیت الله العظمی حاج شیخ حسین مظاهری، مرجع عالیقدر جهان تشیع و رئیس حوزه علمیه اصفهان، صبح جمعه ۲۲ دی ماه ۹۶، هنگامی که می خواستند سخنرانی خود را در مسجد حضرت امیر المؤمنین (ع) اصفهان آغاز کنند، خبر فوت حاج شیخ مهدی مظاهری را دریافت کردند. ایشان بسیار متأثر شدند و گفتند: «این عزیزی که خبر مرگش را الان دادند یک وجود فوق العاده مفیدی بود برای اسلام عزیز. مخصوصاً برای اصفهان. کارهای فوق العاده ای را که یک جمعیت باید بکند این مرد انجام داد. یک عمر شب های جمعه مردم را می برد پیش خدا. آنچه که داشت و مخصوص خودش بود به مردم می داد. امیدوارم که خدا پاداش اولی که به او می دهد، همین شب جمعه

آنها را ببرد پیش خودش؛ الان پیش خداست. خیلی عمر ایشان پربرکت بود. مخصوصاً از نظر قرآن. خیلی کار کرد برای قرآن؛ البته خدا داند. توانست دانشگاه قرآنی درست کند. توانست مؤسسات قرآنی داشته باشد. کارهای عام المنفعه برای عموم مردم، مخصوصاً فقرا، ضعفا و بیچاره ها خیلی داشت. کم نظیر است. این صحبت (سخنرانی) امروز ما را از طرف همه شما به خدمت ایشان هدیه می کنم که او الان در عالم برزخ پیش اهل بیت (ع) و پیش خداست. این هدیه به محضر ایشان بالاترین هدیه است از طرف شما و من. امیدوارم مجلس ما مورد لطف ایشان قرار بگیرد. از خدا، از اهل بیت (ع) بخواهید این جلسه ما مفید برای عالم تشیع باشد.» همچنین آیت الله العظمی حاج شیخ حسین

مظاهری در جلسهای، که خانواده مرحوم شیخ مهدی مظاهری به دیدار ایشان شرفیاب شدند، در مورد حاج شیخ مهدی مظاهری چنین گفتند: «من یقین دارم که مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری الان در خدمت امام حسین (ع) خوش و خرم هستند. ایشان مورد عنایت آقا امام زمان (عج) بودند و الا یک فرد عادی و معمولی نمی توانست تا این حد به مردم خدمت کند و منشأ خیر باشد. خدمات فوق العاده مهم ایشان در اثر عنایت حضرت ولی عصر (عج) بود. آقای مظاهری خدمتگزار امام زمان (عج) بود و من علاقه زیادی به ایشان داشتم.» حاج علی دبیانی، نوه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، درباره روابط پدر بزرگشان با حضرت آیت الله مظاهری می گوید: «این دو بزرگوار حدوداً هم سن بودند و ظاهراً نسبت قوم و خویشی دوری با هم دارند. پدر بزرگمان یک بار به من فرمود که من و آیت الله مظاهری با هم همدرس بودیم. زمانی که لمعه را پیش آیت الله ادیب می خواندیم، آیت الله مظاهری هم همان جا تشریف داشتند. مرحوم پدر بزرگ ما در برخی مسائل از حضرت آیت الله مظاهری مشورت می گرفتند. من خود در ذهن دارم که چند ماه پس از ارتحال امام خمینی (ره)، مسئولان حرم امام از حاج آقا دعوت کردند تا دعای ابوحمزه را در شب قدر در حرم قرائت کنند، چون راه دور بود و مردم اگر می خواستند بیایند به زحمت می افتادند. ایشان تصمیم به مشورت گرفت و با نظر مثبت آیت الله مظاهری، ایشان برنامه را اجرا کرد. این اواخر که پدر بزرگ ما مریض بودند، خبر داشتم که حضرت آیت الله مظاهری اکثر روزها حال حاج آقا مظاهری را از حاج اکبر امینی، که دوست مشترکشان بود، جویا می شدند. وقتی حاج آقا مظاهری فوت کرد، ایشان با همه کسالت هایی که داشتند، نماز میت را اقامه کردند. نماز میت مرحوم آقا محسن را هم ایشان اقامه کردند. آقا زاده ایشان هم در همه امور دفن و تشییع و ختم شرکت داشتند و به عنوان صاحب عزا از طرف ایشان دم در می ایستادند. حضرت آیت الله مظاهری همیشه مراسم شب قدر را در مسجد حکیم برگزار می کردند، اما در سال ۱۳۹۸ مراسم شب قدر را در مسجد جامع، جایی که محل دعای مرحوم حاج آقا مظاهری بود، برگزار کردند. این کار موجب خوشحالی مردم شد و همه این طور استنباط کردند که گرامی داشت یاد حاج آقا در تصمیم آیت الله مظاهری مؤثر بوده است.»

**من یقین دارم
که مرحوم حاج
شیخ مهدی
مظاهری الان
در خدمت امام
حسین (ع)
خوش و خرم
هستند! ایشان
مورد عنایت آقا
امام زمان (عج)
بودند و الا یک
فرد عادی
و معمولی
نمی توانست تا
این حد به مردم
خدمت کند و
منشأ خیر باشد**

سازمان

ویژه‌نامه
بزرگداشت مرحوم
حاج شیخ مهدی مظاهری

«حاج شیخ مهدی»

از نگاه خانواده



توصیف آیت الله نجفی از حاج شیخ مهدی مظاهری

عبد صالح خدا و باور مند واقعی به معاد

آیت الله حاج شیخ هادی نجفی از اساتید صاحب نام و پرکار حوزه علمیه اصفهان است که در سال ۱۳۷۰ با چهارمین دختر مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری ازدواج کرد. با ایشان در کتابخانه مسجد نوبازار اصفهان، محل تدریس و تحقیق این نویسنده و پژوهشگر دینی، به گفت و گو نشستیم و از پدر خانمشان، که اسوه اخلاق سرزمین زاینده رود بود، سؤال کردیم.

باز می شد. فقرا، مستمندان و حاجتمندان تاظهر می آمدند و مسائل خود را با ایشان مطرح می کردند. هنگام ظهر و بعد از اقامه نماز جماعت در مسجد، منبر می رفتند. یک عده هم در مسجد مراجعه می کردند و ایشان مراجعات مسجد را جواب می دادند و مشکلات مردم را حل و فصل می کردند. وقتی به خانه برمی گشتند دو سه ساعتی تا افطار استراحت می کردند. مجدداً به مسجد می رفتند به جهت نماز و افطار و دوباره برنامه شب های قبل تکرار می شد.

● شما همیشه در شب های ماه رمضان همراه ایشان بودید؟

همیشه نمی توانستم همراهی کنم. گاهی توفیق حضور داشتم. من اگر یک شب به دعای ایشان می رفتم، بعد از اینکه نماز صبح را می خواندم تاظهر می خوابیدم. با اینکه من مستمع بودم و جلسه را اداره نمی کردم، ایشان بودند که دعا می خواندند، سخنرانی می کردند و مجلس را اداره می کردند. هیچ کس مثل ایشان توان نداشت. همین امسال یکی از نوه های ایشان همت کردند و به تبع ایشان ۳۰ شب دعای ابو حمزه برگزار کردند، اما بعد از ماه رمضان دیسک کمرشان بیرون زد و سه ماه به بستر بیماری افتادند. این را هم یادآوری کنم که برنامه های فشرده عبادی و تبلیغی مرحوم آقای مظاهری منحصر به ماه رمضان نبود و در بقیه سال

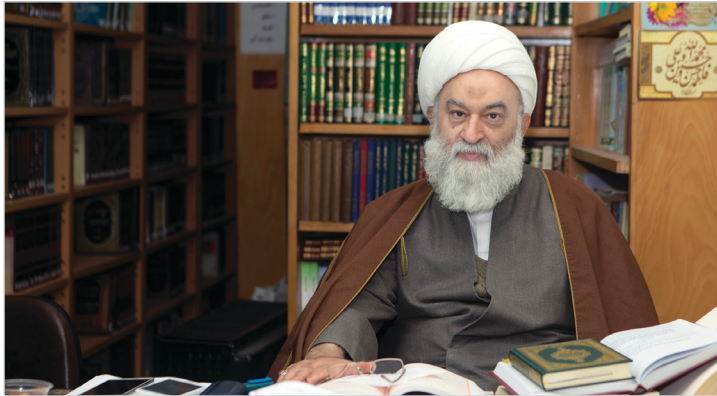
● آقای نجفی، شما داماد مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری هستید و حتماً با ایشان بسیار مانوس بوده اید. چگونه ایشان را توصیف می کنید؟

خدا آقای مظاهری را رحمت کند. اگر بخواهم ایشان را توصیف کنم، باید بگویم که عبد صالح خدا بودند، متدین بودند، به معاد و قیامت باور داشتند و باور داشتن به این ها نکته مهمی است. بعضی وقت ها ما متحیر بودیم که ایشان چه قوت و توانی دارد! ایشان هر شب ماه رمضان مجلس دعا داشتند، قبل از مجلس دعایشان بعضی از شب ها یکی دو تا منبر هم می رفتند. بیشتر وقت ها مجلس دعای ایشان سه ساعت کامل طول می کشید. قسمت های اصلی مجلس را ایشان خودشان اداره می کردند، یعنی محور اصلی خود ایشان بودند، کس دیگری نبود. البته در خواندن دعا یا مثلاً در ذکر مصیبت ممکن بود افرادی کمک کنند، ولی محور اصلی خودشان بودند. ایشان سه ساعت روی زمین می نشستند و دعا را می خواندند و مجلس را اداره می کردند. وقتی با ایشان بودم می دیدم وقتی که به خانه می آیند، اگر نماز شبشان مانده، نماز شب اقامه می کردند، بعد قرآن می خواندند؛ اندکی می خوابیدند و بعد برای نماز صبح مجدداً به مسجد می رفتند و نماز جماعت صبح را اقامه می کردند. از مسجد که می آمدند یک دو ساعتی تا ساعت ۸ صبح استراحت می کردند، در این ساعت در خانه

خاطره

درخواست مهریه کم برای دفتر فود

یکی از خاطرات مشترکی که فرزندان و حتی نوه‌های مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری نقل می‌کنند این است که وقتی آقای هادی نجفی به خواستگاری دختر حاج آقا آمدند، جلسه‌ای برای تعیین مهریه، که به مهربرون شهرت دارد، برگزار شد. در این جلسه پدر آقای نجفی مبلغی را برای مهریه پیشنهاد می‌کنند اما حاج آقای مظاهری می‌فرمایند که مبلغ مهریه باید کمتر از این باشد. پدر آقای نجفی اصرار می‌کردند که ما این مبلغ را نمی‌پذیریم و باید بیشتر از این برای عروسمان مهریه تعیین کنیم. این در حالی است که عموماً پدرها در جلسه خواستگاری اصرار می‌کنند مهریه دخترشان زیادتر شود اما حاج آقای مظاهری بالعکس اصرار می‌کردند که مهریه دخترشان کم باشد، زیرا کم گرفتن مهریه یک اخلاق دینی و اسلامی است و از توصیه‌های ائمه اطهار (ع) این است که مهریه را زیاد نگیرید. ایشان درباره ملاک‌های انتخاب همسر نیز سفارش می‌کردند به جای اینکه به مادیات توجه داشته باشید، به ایمان و اخلاق توجه کنید و شخصی را انتخاب کنید که باعث آرامش و آسایش شما باشد. ایشان، انتخاب همسر از بین خانواده‌های مشهور و ثروتمند را برای فرزندان و نوه‌های خود نمی‌پسندیدند، یعنی از ازدواج‌هایی که ظاهر دنیایی خوبی داشت ولی حقیقت و باطن خوبی نداشت نهی می‌کردند، ولی در عوض اگر آن خانواده، با ایمان و مذهبی بودند با اینکه ظاهر دنیایی خاصی نداشتند، به وصلت با آن‌ها سفارش می‌کردند.



حساب کنید، فکر می‌کنید عمر ۵۰۰ ساله داشته است، از بس که کار کرد. از ساختن دارالقرآن بگیرید تا مراکز خیریه مختلفی که امروز برکات آن راهمه مشاهده می‌کنند. همان تأسیس دارالقرآن واقعاً پروژه عظیمی بود و بعداً در امتداد آن چندین شعبه دارالقرآن، دانشگاه قرآن و چندین مدرسه نیز با نظارت ایشان تأسیس شد.

● علما معمولاً حساسیت‌های خاصی روی خانواده خودشان دارند. برخورد ایشان با خانواده چطور بود؟

ایشان به ساده‌زیستی سفارش می‌کردند و حساسیت داشتند ولی هیچ تحکمی به بچه‌ها نداشتند. اولادشان آزاد بودند هر طور که می‌خواهند زندگی کنند. زور گویی و دخالت‌های نابجا وجود نداشت. خود بچه‌ها بودند که می‌رفتند مشورت می‌گرفتند. حکومت و سلطنتی در خانواده‌شان به چشم نمی‌خورد. در امور خانه هم مداخله نمی‌کردند، چون این قدر در بیرون اشتغال داشتند که دیگر نمی‌توانستند در خانه مداخله‌ای کنند. لذا امور داخل خانه عمدتاً مربوط به خانواده یعنی همسر ایشان بود. آن زن که زن فداکاری هم بود—خدا رحمتش کند—امور خانه را به احسن وجه اداره می‌کرد. مدیر و مدبر بود. آن زن هم عاقل بود.

● به نظر شما روش تربیتی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری روی ایمان فرزندان‌شان چه تأثیری داشته است؟

وقتی پدری این اندازه قدرت ایمان، باور و اعتقادات دینی دارد، فرزندان تأثیر می‌پذیرند و از پدر الگو می‌گیرند، لکن این نکته مهم است که ایشان فشار، زور، اجبار و اکراه به کسی نداشت.

نیز جریان داشت. ایشان همچنین ۳۰ بار به سفر حج تمتع و بارها به عمره و جبهه مشرف شدند. در بعضی از این سفرهای حج، که همراه ایشان بودم، می‌دیدم که برنامه‌های عبادی فشرده‌ای نیز آنجا برای خود دارند. از ختم قرآن و نماز مستحبی گرفته تا برپایی جلسات دعاخوانی در مکه و مدینه.

● توان بدنی و معنوی زایدالوصف ایشان از کجانشئت می‌گرفت؟

این توان خارق‌العاده از جسم نشئت نمی‌گرفت، توان روح و توان ایمان ایشان بود. ایمانشان بود که ایشان را می‌کشید. اگر می‌خواست می‌توانست فقط مجلس را در مسجد اداره کند و بعد که به خانه برمی‌گردد بخوابد، اما در خانه خودشان و در دل شب هم به نماز و قرآن مشغول می‌شد. کسی نمی‌توانست برنامه‌های عبادی و تبلیغی خود را مثل ایشان تنظیم کند، مگر کسی که به معاد، اعتقاد واقعی داشته باشد و همه این زحمات را پای حساب خدا بگذارد. در کل به نظر من، ایشان دو خصوصیت عمده داشت: یکی همین اعتقاد، ایمان و باور ایشان به قیامت و معاد بود. خصوصیت دوم ایشان نیز عقلانیت بود. ایشان واقعاً فرد عاقلی بود. به خود ایشان هم یک زمان همین حرف را گفتم.

● شما عقل را چه چیزی معنای می‌کنید؟

هر معنایی برای عقل بخواهیم تعریف کنیم به معنای حمل شایع صناعی، ایشان مردی عاقل بود. وقتی با ایشان مشورت می‌کردیم، توصیه‌ای که بیان می‌کرد حرف عاقلانه و قابل پذیرشی بود. به واسطه همین عقلانیت از عمرش استفاده کرد؛ خیلی کار کرد و زحمت کشید، یعنی اگر عمر ایشان هشتاد و چند سال بود، حداقل ۵ برابر این مدت کار کرد. اگر خدمات ایشان را بخواهید



کسی نمی‌توانست برنامه‌های عبادی و تبلیغی خود را مثل ایشان تنظیم کند، مگر کسی که به معاد، اعتقاد واقعی داشته باشد و همه این زحمات را پای حساب خدا بگذارد

خاطره

شاکر و راضی از تقدیرات الهی

یکی از نوه‌های مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، می‌گوید که حاج آقا حدود ۱۴ سال آخر عمر خود را بیمار بودند، به طوری که چند سال آخر برایشان بسیار سخت بود.

در همان سال‌ها از ایشان شنیدم: «من برای شفاي خودم از باب وظیفه دعا می‌کنم اما اگر قرار است خداوند چیزی بهتر یا چیزی دیگر به جای شفا به من بدهد من راضی‌ام به راضی خداوند.»

یکی از بستگان ما وقتی از مشهد برگشت و خدمت مرحوم حاج آقا مظاهری رسید، به ایشان گفت که در حرم مطهر حضرت رضا (ع) گلایه کردم و گفتم یکی از سربازان و محبان شما در بستر بیماری هستند، چرا باید ایشان این‌چنین در بیماری و سختی باشند؟ تا این جمله را گفت مرحوم حاج آقا مظاهری به شدت ناراحت شدند و گفتند: «چرا این‌گونه گلایه کردی؟ بسیاری از بزرگان و اولیای خدا هم بیمار می‌شدند، اما گلایه و شکایتی نمی‌کردند. ما که چیزی نیستیم که بخواهیم این‌گونه بی‌تاب شویم و شما کار بدی کردید که گلایه کردید. همیشه شاکر خداوند باشید.» وقتی فرزندشان، حاج آقامحسن، که بسیار مورد علاقه پدرشان بودند از دنیا رفتند، یکی از بستگان، خدمت مرحوم حاج آقا رسید و پرسید: «آیا شما ناراحتید از اینکه این مشکلات و داغ‌ها و ناراحتی‌ها نصیبتان شد؟» حاج آقا فرمود: «گر تو نمی‌پسندی، تغییر ده قضا را؛ ما که در مقابل تقدیرات الهی کاری نمی‌توانیم بکنیم، وظیفه ما تنها صبر و شکیبایی و شکرگزاری است.»

کردند تا از تهران بیاید. ایشان آمد و به همراه آقای امامی و چند نفر دیگر هنگام صبح خبر فوت را به پدر دادند. پدر کوه ایمان بود و در برابر این مصیبت صبر نشان داد. همسر ایشان، یعنی مادر آقامحسن هم، زن صبوری بود. به من گفتند که خبر فوت را تو به مادرش بده. باور کنیدی یکی از سخت‌ترین روزهای عمر من بود که به یک مادر بخواهم خبر مرگ پسرش را بدهم. هیچ کسی جرئت نمی‌کرد به مادر بگوید. ما به هر شکلی بود گفتیم و مادر را در تشییع جنازه پسر آوردیم. ارتباط ایشان با پسرش رابطه تنگاتنگی بود؛ یک‌دفعه این پسر را از دست داد. دو سال بعد آن هم که زنده بودند حتی یک کلمه ناشکری خدا را نکرد و گله و اعتراضی به اینکه پسرش جوان مرگ شد، نداشت. وضعیت جسمی خودشان هم مناسب نبود، هم ویلچری بود و هم تکلمشان سخت شده بود اما با این حال هیچ ناسپاسی و هیچ ناشکری نمی‌کرد. همیشه می‌گفت: «الحمد لله» این خیلی مطلب بزرگی برای من بود که در داغ این بچه صبر کرد، با اینکه دلش خیلی می‌سوخت و اشک می‌ریخت ولی حتی اشکش را از بچه‌ها و خانمش پنهان می‌کرد.

● حاج خانم چه زمانی فوت کرد؟

حدود هشت ماه قبل از فوت مرحوم آقای مظاهری، قلبشان از کار افتاد. انگار نفس آن‌ها به هم گره خورده بود. اگر حاج خانم زنده بود، شاید آقای مظاهری بیشتر از این‌ها عمر می‌کردند.

● آخرین سخنان مرحوم آقای مظاهری در ماه‌های آخر عمر چه بود؟

همان‌طور که گفتم خیلی شاکر ذات حق بود. این یکی دو سال آخر عمر که دیگر به خاطر بیماری کاملاً زمین‌گیر شده بود، وقتی احوالش را می‌پرسیدیم می‌گفت: «خوبی‌اش این است که می‌گذرد» یعنی چون باور واقعی به معاد داشت، با فراغ بال، خود را آماده حرکت به سوی خدا کرده و شاید از دنیا خسته هم شده بود، چون کسی که روزگاری آن فعالیت‌هایی را که به شما گفتم داشت، برایش خیلی سخت بود که به بستر بیفتد، هیچ‌جا نتواند برود و پرستار هم بالای سرش باشد. این‌ها خیلی برای ایشان سخت بود، هم برای روح و هم جسم ایشان، ولی ناشکری خدا را نکرد. همواره حمد الهی را بر زبان جاری و تأکید می‌کرد که این ایام، پایانی دارد و بالاخره پایان آن هم فرارسید و از دنیا رفت. رحمت الله علیه رحمةً واسعة.

● روابط اجتماعی ایشان با مردم چگونه بود؟

مرد خدا بود و خیلی از اختلافات را هم حل و فصل می‌کرد؛ چه بسیار زن و شوهرهایی که با هم دعوا داشتند، ایشان میانشان آشتی برقرار می‌کرد و دستشان را در دست هم می‌گذاشت و اختلاف تمام می‌شد. اگر اختلافات مالی یا نزاعی بین خانواده‌ها رخ می‌داد، یا مثلاً میان دو نفر از ارکان و بزرگان شهر اختلافی به وجود می‌آمد، می‌رفت اختلاف را حل می‌کرد و صلح و صفایشان می‌داد. در این کارها نفوذ کلام عجیبی داشت. مردم حرف ایشان را قبول می‌کردند. اوایل انقلاب یک عده بر اثر پایین و بالا شدن امور اقتصادی بیکه‌و‌ورشکسته می‌شدند، تنها کسی که این ورشکسته را در اصفهان نجات می‌داد، مرحوم آقای مظاهری بود. اگر می‌دید دروغ نمی‌گوید، حقه‌باز نیست، مال مردم‌خور نیست و واقعاً ورشکسته و بدهکار است طلبکارهایش و نیز عده‌ای از خیرین را جمع می‌کرد. به طلبکارها می‌گفت که این شخص حالا چیزی ندارد، مالش را برده‌اند یا ضرر کرده است، مقداری از طلبتان را کم کنید، به‌خیرین هم می‌گفت به این شخص کمک کنید. تمام کارهای این چنینی شهر با ایشان بود. همه می‌دانستند اگر آقای حاج شیخ مهدی مظاهری وارد کار بشود، کار جمع می‌شود. حالا خاطراتی هم اینجا برای تلطیف فضا بگویم؛ خدا رحمت کند یکبار به ایشان گفتم آقا روش این پول جمع کردن برای امور خیر را به ما هم یاد بدهید که چگونه باید آن را انجام داد؟ چون ما اگر بخواهیم کاری انجام دهیم دو هزار تومان هم نمی‌توانیم جمع کنیم، آن وقت شما در همان جلسه چند صد میلیون جمع می‌کنید. خدا بیامرزدشان، نگاهی به من کرد و گفت: «تو تا آخر عمرت هم یاد نمی‌گیری.» (باخنده)

● بزرگ‌ترین درسی که از ایشان گرفتید چه بود؟

بزرگ‌ترین درس ایشان برای من، صبر و بردباری بود. پسر بزرگشان، آقامحسن، سال ۱۳۹۴ از دنیا رفت. آقامحسن برای مرحوم آقای مظاهری همه چیز بود. هم اولاد ارشد بود و هم تکیه‌گاه ایشان. حداقل ۱۰ یا ۲۰ سال آخر عمر، این پسر تکیه‌گاه پدر بود و خدا این پسر را ناگهان پیش خود برد. بیماری هم نداشت، یک‌دفعه سکنه کرد. مرد خیلی خوبی بود. حالا مانده بودند خبر فوت این پسر را چگونه به این پدر بدهند. آقای قرائتی را خبر

حاج عباس دیانی، داماد بزرگ مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، از معتمدین شهر اصفهان است که از سال ۱۳۵۲ مستمراً محضر ایشان را درک کرده است. از ایشان درباره پدر همسرشان پرسیدیم. معتقد بودند گفتنی‌ها را دیگران گفته اند چه اینکه «خوشتر آن باشد که سر دلبران / گفته آید در حدیث دیگران»؛ اما با این حال چند کلامی برایمان سخن گفتند.

● چه ویژگی‌هایی از مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری برای شما بسیار حائز اهمیت و تأثیرگذار بوده است؟

صداقت بارزترین ویژگی بود که من از ایشان یاد گرفتم. ایشان با صداقت، حقیقت و خوش‌رویی با مردم رفتار می‌کردند و به همین سبب مردم ایشان را قبول داشتند. حاج آقای مظاهری مردی پرتوان و پرکار بودند که هرگز آرام نمی‌گرفتند و هر جایی که کار خیری بود خود را به انجامی رساندند و در آن مشارکت می‌کردند؛ از رفع مشکلات زوج‌ها گرفته تا راه‌اندازی مؤسسات خیریه. از آنجایی که ایشان با مردم ارتباط قوی داشتند و خوش خلق بودند کارهای خیر را نیز با مردم تقسیم می‌کردند تا همه از این امور فیض ببرند. در باغی که برای دارالقرآن مهیا کردند کارهای متنوعی را به افراد مختلف واگذار و تلاش کردند همه در این خیر مشارکت داشته باشند. آن باغ به اردوگاه فرهنگی و تفریحی بزرگی تبدیل شد که در آن کلاس‌هایی برای قرآن، اخلاق و احکام پدید آمد. از خصوصیات بارز ایشان این بود که هیچ‌وقت سهم امام (ع) نمی‌گرفتند و در صورتی که افرادی سهم امام برای



روایت حاج عباس دیانی از مرحوم مظاهری

سکوتشان هم عبرت برانگیز بود

خاطره

انقلاب، ساعت ۱۲ شب با موتور به تکیه کوهی می‌آمدیم تا در مراسم دعا شرکت کنیم. یک شب دیدیم که مردی مست در خیابان نزدیک پیاده‌رو افتاده است. دیدیم ممکن است ماشین روی او برود. به رفقا گفتم بگذاریدش روی موتور تا ببریم او را در کوچه‌ای بگذاریم و برویم. سپس آمدیم تا تخت فولاد، پشت تکیه که شما احیا می‌گرفتید، یک جای مخروبه بود گذاشتیمش آنجا. وقتی سحر شد شما منبر و دعا را شروع کردید.

در آن روشنایی خیلی کم و مختصر ناگهان من نگاه کردم، دیدم همین مرد مست که آوردیم انداختیم توی این زمین مخروبه بلند شده است و دست‌هایش را گذاشته سر دیوار و دارد به جمع دعاخوان‌ها نگاه می‌کند. سپس اذان شد و شما ایستادید به نماز. دیدم که دوید وضو گرفت و آمد با ما نماز خواند و در یک کلمه آنچنان تغییر یافت که

تمول جان‌ها

با دعاخوانی «حاج شیخ مهدی»

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در طول بیش از پنجاه سال، که دعای کمیل، ندبه و ابوحمزه را بر منابر اصفهان زمزمه کردند، افراد بسیاری را از نظر معنوی و اخلاقی متحول کردند. خلوص و صدای کم‌نظیر ایشان باعث می‌شد که هر شنونده‌ای تحت تأثیر قرار گیرد. مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در یکی از خاطرات خود درباره اثربخشی ادعیه گفته‌اند: «یکی از دوستان ما گفت که ما چند نفر بودیم که پیش از



بدهم، بلکه خودش اهل رعایت باشد. در خانواده مادری و پدری ما کسی روحانی نبود، اما خودم علاقه مند بودم که همسر متدین داشته باشم و خداوند به من لطف کرد.

● **آیا مواردی بود که مثلاً بپایند تذکر بدهند و به شما که دامادشان بودید، بگویند فلان کار را انجام بدهید یا نه؟**

نه نمی گفتند، در این کارها وارد نمی شدند. اهل این نبودند که بخواهند در کارهای ما دخالت کنند یا نفوذی داشته باشند. اگر هم به نظرشان کار اشتباهی انجام می دادیم، گذشت می کردند و با این گذشت، مسئله حل می شد. حضور در کنار حاج آقا خودش برای ما درس آموز بود، حتی سکوتشان. یعنی سکوتشان برای ما جنبه امر به معروف و نهی از منکر داشت، گاهی از سکوتشان متوجه می شدیم که باید چه کاری را انجام دهیم و چه کاری را انجام ندهیم و در اعمالمان دقت بیشتری داشته باشیم. گاهی هم از فرمایشات ایشان بر منبر متوجه می شدیم که خطاب ایشان، به ماست گرچه در ظاهر آن را به عنوان نکته ای عمومی مطرح می کردند.

حوزوی و یاد گرفتن روضه خوانی امام حسین (ع) مبادرت کرد. البته چند سال بعد، تحصیل حوزوی را متوقف کرد و در کارخانه به کمک من آمد. یک بار وقتی محمدرضا ۱۸ ساله بود، در مراسم قرائت دعای ابو حمزه ثمالی از حاج آقای مظاهری خواست تا سخنرانی کند و ایشان قبول کردند. ما نگران بودیم که مبادا یک جوان ۱۸ ساله نتواند در آن مجلس باشکوه به خوبی سخنرانی کند اما بحمدالله او به خوبی سخنرانی کرد و این شد که محمدرضا آقا در مسیر تبلیغ و خدمت به دین مصمم شد. فرزند دیگر، علی آقا هم بنابه تشویق حاج آقای مظاهری به تحصیلات حوزوی وارد شد و الحمدلله اکنون در حوزه تدریس می کند و موفق است.

● **از دواج شما با دختر حاج آقا چطور اتفاق افتاد؟**

با توسل به امام زمان (عج)؛ من آن زمان مرید حاج آقا فخر کلباسی بودم و در مجلس دعای قائمیه مرتباً شرکت می کردم و همیشه در آن مجلس می گفتم خدایا به من همسری عنایت کن که نخواهم در رعایت انجام واجبات دینی به او تذکر

ایشان می آورند، آن را نزد سایر علما می بردند یا به مردم توصیه می کردند که به سایر علما بدهند.

● **نقش ایشان در تربیت فرزندان و نوه هایشان چطور بود؟**

مرحوم حاج محسن مظاهری که فرزند ارشد ایشان بود، فرد کم نظیری در کارهای خیر محسوب می شد. این پدر و پسر بسیاری از مواقع اجازه نمی دادند کارهای خیرشان را کسی بفهمد. گاهی با پسرشان مسجد و مدرسه ای می ساختند، ولی اعلام نمی کردند که این مسجد یا مدرسه را ما ساخته ایم. پسر دیگر ایشان، حاج حسین آقا، درس حوزه خوانده اند و تلاش دارند مانند ایشان سخنرانی و رفتار کنند. دختران حاج آقا هم در تدین از ایشان تبعیت کرده اند. از آنجا که رهبر حکیم انقلاب در پیام تسلیت خود به مناسبت رحلت حاج شیخ مهدی مظاهری فرمودند انتظار دارند مجالس معنوی آن مرحوم ادامه یابد، اکنون، فرزندان و نوه های ایشان، مراسم دعای کمیل و ابو حمزه را در مسجد جامع اصفهان به سبک و سیاق گذشته زنده نگاه داشته اند. حاج آقا به واسطه اینکه خود به هر چه می گفتند باور داشتند و عامل بودند، هر توصیه ای که می کردند خانواده می پذیرفتند. همه نوه ها به ایشان علاقه مند بودند و با تأثیر گرفتن از ایشان، بعضاً به درس حوزوی و تحصیل در علوم قرآنی مشغول شدند. همچنین ایشان فرزندان و نوه هایشان را به روضه خوانی برای امام حسین (ع) تشویق می کردند.

در مورد فرزندان من هم حاج آقای مظاهری بسیار تأثیر گذار بودند. آقا محمدرضا، فرزند بزرگ من، با تشویق حاج آقای مظاهری به تحصیل در درس



صدقت
بارزترین
ویژگی بود که
من از ایشان
یاد گرفتم.
ایشان با
صدقت،
حقیقت و
خوش رویی
با مردم رفتار
می کردند و به
همین سبب
مردم ایشان را
قبول داشتند

بعداً دعای ابو حمزه را حفظ کرد و (با اعمال صالحش) یکی از خوبان روزگار شد! یک روز خانمش گفته بود آن شخصی را که در تخت فولاد دعا می خواند به خانه ما بیاورید تا از او تشکر کنیم. آن مرد به من گفت که خانمم چنین تقاضا کرده است. از شما (حاج شیخ مهدی مظاهری) خواهش دارم یک بار به منزل ما بیایید. ما هم قبول کردیم با جمعی از رفقا به منزل ایشان رفتیم. خانمش گفت من فقط خواستم شما را ببینم تا تشکر کنم. تا زمانی که همسر من اهل شرب خمر بود از زندگی چیزی نمی فهمیدیم جز استغراق، فقر و محرومیت. بچه ها پدر عاقلی نداشتند و زندگی مان آشوب بود، ولی از شبی که به برکت دعا در تخت فولاد آن کار زشت را تعطیل کرد، زندگی ما سر و سامان گرفت.»

ایشان همچنین در خاطره دیگری گفته اند: «یک شب مقابل کعبه در مسجد الحرام

مشغول تلاوت قرآن بودم. مردی آمد پیش من. سلام کرد و گفت: آقا من را می شناسید؟ گفتم نه شما که هستید؟ گفت من یکی از کسانی هستم که در دعای کمیل شرکت کردم و متنبه و تائب شدم. پیش از انقلاب یک گوشه از گاردن پارتی اصفهان را من اداره می کردم. مشروب می خوردم و اعمال زشت دیگر هم انجام می دادم. شب جمعهای بود که من مست لای عقل داشتم راه می رفتم و دیدم که جمعیت زیادی با موتور و ماشین و پیاده دارند به تکیه کوهی می آیند. منی که همه معایب اخلاقی و صفات زشت را داشتم با منبر شما تصمیم به ترک تمام گناهان گرفتم. سایر رفقایم را نیز به این راه دعوت کردم. به او گفتم شما تأیید و تأیید واقعی دعایش مستجاب است. لذا داخل حجر اسماعیل برو و هم برای خودت و هم برای ما دعا کن.»

روایت نوه از پدر بزرگ

در ظاهر و باطن از خداوند می‌ترسید

حاج محمد رضا دیانی، از کارآفرینان برجسته کشورمان و نوه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری است که علاوه بر تحصیلات حوزوی، توفیق روضه‌خوانی و خدمت به دستگاه ابا عبدالله الحسین (ع) را نیز یافته است. برخی از خیره‌های تأسیس شده به دست مرحوم مظاهری همچون بنیاد آلاء امروز با نظارت عالی وی مدیریت می‌شود. حاج محمد رضا دیانی در این مصاحبه تفصیلی به جزئی‌ترین ویژگی‌های اخلاقی پدر بزرگ خویش و خاطراتی از ایشان اشاره می‌کند.

دیدگاه

کارش آسان بود

قرآن کریم در آیه ۱۸۵ سوره بقره می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خداوند می‌خواهد (به واسطه دین) بر شما آسان گیرد، نه اینکه سخت گیرد.» پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرمایند: «همانا من به دینی یکتاپرست و آسان گیر بر شما مبعوث شده‌ام.» امیرالمؤمنین (ع) نیز در خطبه مشهور خود، که به خطبه متقین موسوم شده است، یکی از ویژگی‌های مؤمن را چنین برمی‌شمرد: «سهلاً امره؛ کارش آسان است.» مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به گواه دوستان و آشنایان خود مصداق چنین عبارتی بودند. یکی از دوستان نزدیک ایشان می‌گوید: «ویژگی بارز مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین مظاهری، که از قرآن و نهج‌البلاغه نشئت داشت، این بود که ایشان امورشان آسان بود، یعنی حقیقتاً مصداق یکی از عبارت‌های خطبه متقین امیرالمؤمنین بودند که می‌فرمایند یکی از صفات متقین این است که کارشان آسان است، مثلاً دوستی با مرحوم حاج‌آقا، مهمانی رفتن با ایشان، مهمان شدن به منزلشان و دعوت از ایشان آسان بود. وقتی از ایشان برای کاری مثلاً برای منبر، تبلیغ، خدمت به فقرا و شرکت در امور خیر دعوت به عمل می‌آمد، به راحتی می‌پذیرفتند، در حالی که گاهی افراد با سختی دعوتی را می‌پذیرند. زودرنج نبودند، بدبین نبودند، پرتوقع نبودند، به بهداشت خیلی اهمیت می‌دادند اما ابداً وسواسی نبودند، بسیار هم متواضع بودند، خلاصه که کار و هم‌نشینی و رفاقت با ایشان آسان بود. به خاطر چنین خصوصیتی ایشان مصداق سهلاً امره بودند.»



بکاء و گریه در خانه خدا، ملکه وجودی ایشان شده بود. عشق و علاقه به ائمه اطهار (ع) در وجود ایشان موج می‌زد.

به حضرت زهرا (س) ارادت بسیاری داشتند. نوکری امام حسین (ع) در وجود ایشان متبلور بود و حتی در جمع‌های خصوصی هم برای امام (حسین) روضه می‌خواندند و اشک می‌ریختند. ارادت ویژه‌ای به حضرت ولی عصر (عج) داشتند و مردم را برای توسل به آن حضرت ترغیب می‌کردند. بعد از نماز صبح، دعای عهدی می‌خواندند و به امام عصر (عج) توجه می‌کردند و علاقه‌مند بودند که به حضرت خدمت کنند. عاشق امام زمان (عج) بودند و این عشق و سوز را در وجود ما هم نهادینه کردند و می‌فرمودند خدا شما و فرزندان‌تان را مورد عنایت ولی عصر (عج) قرار دهد. «یا بن الحسن» گفتن هایشان و اینکه می‌گفتند هر گاه به بن بست خوردید، بگویید «یا صاحب‌الزمان» در زندگی ما همیشه مؤثر و راهگشا بوده است. به این مسئله توجه داشتند و ما را هم توجه می‌دادند که هر خدمتی به شیعیان امام زمان (عج) کنیم در اصل به خود امام زمان (عج) خدمت کرده‌ایم.

به اخلاص توجه ویژه‌ای داشتند و به ما می‌گفتند که هر کاری می‌کنید اول توجه کنید که این کار را برای چه کسی انجام می‌دهید. نیت در کار خیر و امور خیر برایشان بسیار مهم بود؛ همیشه به من می‌گفتند: «مش محمد! آن که از پل بگذرد خندان بود.» من به ایشان می‌گفتم شما این همه کارهای خوب داشته‌اید و این همه شب‌زنده‌داری، کارهای خیر و ... کرده‌اید، می‌گفتند که اینها مهم نیست

بلکه مهم این است که کدام یک قبول شده باشد. هیچ‌گاه غره به عباداتشان نبودند و مدام به اطرافیان یادآوری می‌کردند که قبول شدن، پذیرش الهی و اخلاص در عمل مهم است. همیشه در رفتارها، جملات و کلماتشان تأکید می‌کردند که با قلب سلیم به مردم خدمت کنید.

به تبعیت از پیامبر (ص) که برای ایمان آوردن مردم حریص بودند، ایشان هم در امور خیر و خدمت به دین و مردم حریص بودند. هر کس برای هر کاری به ایشان مراجعه می‌کرد «نه» نمی‌گفتند. همیشه اهل بله گفتن بودند و هر کسی مراجعه می‌کرد دستش را می‌گرفتند. حریص بودن ایشان در حل مشکلات، کار فرهنگی و هدایت مردم برای من درس بود. گاهی با ایشان سوار تاکسی می‌شدیم یا جایی می‌رفتیم، همین که جوانی را می‌دیدند یک حدیث برایش می‌گفتند یا یک حکم شرعی را تشریح می‌کردند. در جمع خانوادگی می‌گفتند مجلسی که در آن یاد خدا نباشد مایه غفلت است و همان‌جا خدا را یاد می‌کردند. می‌گفتند هرگز به این فکر نکن کسی که مراجعه می‌کند مستحق است یا نیست. کسی را رد نکن و رد نکردن مردم و سائلان و گرفتارها درس بزرگی بود که از ایشان گرفتم. اگر اطرافیان ایشان هم در جاهایی کار خیری می‌کنند و موفق می‌شوند ایشان سرمشق آن هستند.

اهل صمت و سکوت بودند. وقتی در یک جلسه قرار می‌گرفتند سعی می‌کردند که اگر حرفی برای خدا ندارند و یا نکته مثبت، دعا، روایت، حدیث و آیه‌ای ندارند کم حرف بزنند. به شاد کردن دل مردم توجه زیادی داشتند. اصرار داشتند که دل‌ها را شاد کنند. مثلاً به دیدن افرادی می‌رفتند که زمین گیر شده‌اند و یا محروم، مظلوم، گرفتار و ... هستند و این افراد ایشان را پناه خود می‌دانستند.

دوست نداشتند هیچ جلسه‌ای بدون یاد خدا بگذرد. گاهی گریه می‌کردند و به حال افرادی که کارهای خوب و خیر انجام می‌دادند غبطه می‌خوردند. تکبر نداشتند؛ گاهی در خیابان سوار وانت می‌شدند یا پیاده می‌رفتند؛ گاهی سر خیابان می‌ایستادند و تاکسی می‌گرفتند. کارهای شخصی خانواده‌شان را خودشان انجام می‌دادند. برای علما و بزرگان دین اهمیت قائل بودند.

در مسائل دینی و اجتماعی غیور بودند و بی تفاوت نبودند. اگر مسئله محرومیت «بشاگرد» و نیاز آن منطقه مطرح می‌شد به آنجا می‌رفتند. اگر زلزله

● جناب دیانی، مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری از نظر شما چه ویژگی‌های اخلاقی داشتند؟

مرحوم حاج آقا مظاهری، جد ما، در تمام مراحل زندگی و عمرشان چند ویژگی بارز داشتند که بر من تأثیر داشت. نگاه و توجه ایشان همیشه به خدا بود؛ در همه امور به خدا توجه می‌کردند و رابطه و توجه به خدا در ایشان بروز داشت. اهل تهجد، نماز شب و شب‌زنده‌داری بودند. در دوره کودکی که کنار ایشان می‌ماندم و یا با ایشان به مسافرت می‌رفتم شاهد نمازهای شب ایشان بودم. روزهای جمعه، شب‌های ماه رمضان و تمام مناسبت‌هایی که در آن، خواندن دعا و مناجات وارد شده است، با دعا به در خانه خدا می‌رفتند و ما را نیز عادت داده بودند که از این ایام برای ارتباط با خدا به خوبی استفاده کنیم.

بکاء و گریه در خانه خدا، ملکه وجودی ایشان شده بود. عشق و علاقه به ائمه اطهار (ع) در وجود ایشان موج می‌زد. به حضرت زهرا (س) ارادت بسیاری داشتند. نوکری امام حسین (ع) در وجود ایشان متبلور بود و حتی در جمع‌های خصوصی هم برای امام حسین (ع) روضه می‌خواندند و اشک می‌ریختند. ارادت ویژه‌ای به حضرت ولی عصر (عج) داشتند و مردم را برای توسل به آن حضرت ترغیب می‌کردند. بعد از نماز صبح، دعای عهدی می‌خواندند و به امام عصر (عج) توجه می‌کردند و علاقه‌مند بودند که به حضرت خدمت کنند. عاشق امام زمان (عج) بودند و این عشق و سوز را در وجود ما هم نهادینه کردند و می‌فرمودند خدا شما و فرزندان‌تان را مورد عنایت ولی عصر (عج) قرار دهد. «یا بن الحسن» گفتن هایشان و اینکه می‌گفتند هر گاه به بن بست خوردید، بگویید «یا صاحب‌الزمان» در زندگی ما همیشه مؤثر و راهگشا بوده است. به این مسئله توجه داشتند و ما را هم توجه می‌دادند که هر خدمتی به شیعیان امام زمان (عج) کنیم در اصل به خود امام زمان (عج) خدمت کرده‌ایم.

به اخلاص توجه ویژه‌ای داشتند و به ما می‌گفتند که هر کاری می‌کنید اول توجه کنید که این کار را برای چه کسی انجام می‌دهید. نیت در کار خیر و امور خیر برایشان بسیار مهم بود؛ همیشه به من می‌گفتند: «مش محمد! آن که از پل بگذرد خندان بود.» من به ایشان می‌گفتم شما این همه کارهای خوب داشته‌اید و این همه شب‌زنده‌داری، کارهای خیر و ... کرده‌اید، می‌گفتند که اینها مهم نیست

دیدگاه

اخلاق قرآنی

بسیاری از دوستان و آنانکه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری را می‌شناسند می‌گویند که ایشان جلوه بارزی از اخلاق قرآنی بودند، از جمله اینکه دکتر حسن مشکاتی می‌گوید: «اخلاق ایشان، قرآن مجسم بود.» یکی از دوستان مرحوم مظاهری در خاطره‌ای بسیار آموزنده می‌گوید: «ایشان مرد کینه‌توزی نبودند و چنانچه کسی اذیت یا ظلمی به ایشان کرده بود به تبعیت از اخلاق قرآنی و ائمه اطهار(ع) با محبت جوابشان را می‌دادند. متأسفانه بعضی از آقایان که در سلک روحانیت و از خطبای شهر بودند، پیش از انقلاب در اثر حسادت، به روی منبرها به ایشان تهمت‌هایی زدند و گفتند ایشان این کمک‌ها را برای مصرف شخصی خودشان جمع می‌کند! علمای شهر از جمله آیت‌الله شمس آبادی و آیت‌الله خادمی در مقابل افراد تهمت‌زننده ایستادند و از مرحوم مظاهری حمایت کردند، اما به هر حال دل خیلی از مردم اصفهان از تهمت به حاج آقا خون شده بود. مرحوم مظاهری خودشان گفتند که این تهمت‌ها نه تنها اثری نداشت، بلکه من روز به روز محبوب‌تر می‌شدم و مردم برای امور خیر بیشتر کمک می‌کردند. بعد از انقلاب یکی از آن سه نفر به خاطر خلاف‌هایی که مرتکب شده بود (نه به خاطر تهمت به حاج آقا) خلع لباس شد. دو نفر دیگر مریض شدند و به بستر بیماری افتادند. حاج آقا مظاهری نه تنها از آنان دوری نکردند، بلکه به عیادت آن‌ها رفتند و بدون اینکه به روی خودشان بیاورند، آن‌ها را تحت حمایت مالی و معنوی خودشان قرار دادند!»



ایشان در ظاهر و باطن از خدا می‌ترسیدند. یعنی اگر در ظاهر حرفی می‌زدند در باطن هم به آن اعتقاد داشتند و اگر به مطلبی اعتقاد داشتند آن را اصلاً بیان نمی‌کردند. مثلاً اگر سلیقه سیاسی ایشان دفاع از انقلاب بود، واقعاً به این مسئله در باطن هم اعتقاد داشتند و آن را در ظاهر نیز بیان می‌کردند. اگر در ظاهر برای مردم دعا می‌خواندند و گریه می‌کردند، در منزل هم وقتی که دعای سحر را می‌خواندند اشک از چشمانشان جاری می‌شد. به فکر این بودند که فرزندان اهل دین و صلاح باشند و برای این مسئله دعا می‌کردند.

می‌شد کمک جمع‌آوری می‌کردند. اگر می‌گفتند لبنان کمک نیاز دارد کمک می‌کردند. برای امور شخصی‌شان هرگز از مردم انتظاری نداشتند با این حال از آبرویشان برای خدمت به مردم و دین مایه می‌گذاشتند. مناعت طبع داشتند و برای خود و یا اولادشان به کسی رونمی‌زدند، اما برای دین و مردم آبرویشان را گرومی‌گذاشتند. بی‌ رغبت به دنیا بودند و اهل کارهایی نبودند که انسان وقتی به شهرت می‌رسد انجام می‌دهد و از انجام آن‌ها لذت می‌برد. اهل زهد در زندگی شخصی و اهل ولخرجی در امور خیر بودند. اهل صله رحم بودند و به ارحامشان توجه می‌کردند. ایشان در ظاهر و باطن از خدای ترسیدند. یعنی اگر در ظاهر حرفی می‌زدند در باطن هم به آن اعتقاد داشتند و اگر به مطلبی اعتقاد نداشتند آن را اصلاً بیان نمی‌کردند. مثلاً اگر سلیقه سیاسی ایشان دفاع از انقلاب بود، واقعاً به این مسئله در باطن هم اعتقاد داشتند و آن را در ظاهر نیز بیان می‌کردند. اگر در ظاهر برای مردم دعا می‌خواندند و گریه می‌کردند، در منزل هم وقتی که دعای سحر را می‌خواندند اشک از چشمانشان جاری می‌شد. به فکر این بودند که فرزندان اهل دین و صلاح باشند و برای این مسئله دعا می‌کردند.

را این‌طور تربیت می‌کردند که یادشان باشد مرگ و عالم پس از مرگ هست و خودشان را باید برای آخرت آماده کنند؛ همیشه می‌گفتند فرزندان آخرت باش نه فرزند دنیا. به همین دلیل وقتی در جوانی می‌خواستند دعا بخوانند، مردم را به قبرستان تخت فولاد اصفهان می‌بردند تا مردم یاد عالم مرگ بیفتند. وقتی هم که مسن‌تر شدند و قبرستان تخت فولاد به باغ رضوان منتقل شد، دعا را به آنجا بردند. خدمت آیت‌الله العظمی تبریزی که بودیم ایشان هم فرمودند که جد شما عالم مرگ و قیامت را حقیقتاً باور دارد و می‌خواهد دیگران را هم در این باور شریک کند.

● ارتباطشان با شما چگونه بود و چه تأثیری از ایشان پذیرفتید؟

ایشان برای نوکری ابا عبدالله الحسین(ع) مشوق من بودند. اصرار داشتند که در زمان نوجوانی طلبه شوم و اهل منبر و روضه باشم. وقتی هم که از حوزه و طلبگی فاصله گرفتم مرا تشویق کردند به روضه‌خوانی. در نوجوانی برای من روضه می‌نوشتند و یاد می‌دادند که چطور روضه بخوانم. می‌گفتند با این دستگاه و با این صوت بخوان. فراز و فرود در صدایت داشته باش. روضه‌هایت را صحیح و از منابع موثق از جمله مرحوم شیخ عباس قمی، شیخ شوشتری، خصایص الحسینی و... بخوان. زمانی که می‌خواستم ازدواج کنم، این مسئله

دیدگاه

یاد معاد در هر لحظه

یکی از خصوصیات مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری این بود که بسیار یاد مرگ و قیامت بودند، نه تنها در مجالس، منابر و دعاخوانی‌ها، بلکه در خلوت و تنهایی خودشان نیز بسیار از مرگ و قیامت یاد می‌کردند. ایشان در مجالس دعا مرتب از مرگ، سكرات موت و سؤالات نكیر و منكر در شب اول قبر یاد می‌کردند و می‌گفتند شخصیتی مثل حضرت امام زین العابدین (ع) برای این لحظات گریسته‌اند. همچنین مکرراً متذکر این روایت می‌شدند که حضرت امام حسن مجتبی (ع) وقتی به یاد قیامت و صراط می‌افتادند، گریه و وقتی به یاد عرضه اعمال می‌افتادند، غش می‌کردند. یکی از نوه‌های ایشان می‌گوید که گاهی مرحوم حاج آقای مظاهری من را صدا می‌کردند و بنده فکر می‌کردم می‌خواهند کاری برایشان انجام دهم ولی می‌فرمودند: «سكرات موت خیلی سخت است، قیامت خیلی سخت است، امان از موقعی که در قیامت بر خدا وارد می‌شویم.» بسیار دغدغه یوم‌الحسرت داشتند و نگران ترازی اعمالشان بودند و گاهی که افراد موفق را می‌دیدند، به شدت منقلب می‌شدند. مرحوم حاج آقا در سفری به قم مشرف شدند و در دفتر آیت‌الله‌العظمی مکارم پشت سرایشان نماز خواندند، وقتی بیرون آمدند و سوار ماشین شدند شروع به گریه کردند و به من گفتند شخصیتی مثل آقای مکارم این قدر کتاب و منبر و تدریس مفید داشته و به اسلام خدمت کرده است، اما من برای قیامتم عمل صالحی نرستاده‌ام. یعنی همیشه اعمال صالح خودشان را ناچیز می‌انگاشتند.

● عملکرد مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری

چه تأثیری بر جامعه و مردم داشت؟

ایشان از دوره جوانی همت بلندی در راز و نیاز و مناجات با خدا داشتند و این عملکرد، مردم را در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار داده است. یک بُعد مهم رفتار ایشان توجه دادن مردم به خدا بود. جامعه و مردم را به خدا توجه می‌دادند تا در امورشان به خدا مراجعه کنند و این راز و نیاز با خدا را در مردم و جامعه نهادینه کردند. ایشان ضمن راز و نیاز، نکات اخلاقی را به مردم می‌آموختند. دعا‌هایی که می‌خواندند فقط راز و نیاز نبود، بلکه اخلاق هم بود. سعی می‌کردند مردم را به ادب اهل بیت (ع) متخلق کنند. گاهی افرادی را که سالیانی به گناه مشغول بودند با یک تبه و توجه روحی به راه صلاح می‌کشاندند. ایشان بر دینداری مردم اصرار داشتند و مُصر بودند که مردم و جامعه، اهل دین و اخلاق باشند. با همین تشویق‌ها اطرافیان ایشان هم اهل خیر بودند. کسی با ایشان رفاقت و انسی نداشت، جز اینکه آن فرد هم، موفق به انجام کار خیر و کمک به دیگران می‌شد. هر کس هرطوری می‌توانست با الهام گرفتن از محضر ایشان به مردم خدمت می‌کرد. اگر اکنون در اصفهان خیریه‌های زیادی داریم و مردمی داریم که در ضمن اینکه در زندگی‌شان مقتصد هستند اهل خیر هم هستند، فرهنگی است که ایشان و امثال ایشان در جامعه به خصوص شهر اصفهان نهادینه کرده‌اند.

● نگاه سیاسی ایشان چطور بود؟

نگاه سیاسی ایشان در جامعه تأثیرگذار بود. ایشان با اینکه سمت و پست سیاسی نداشتند و از دستگاه‌های دولتی استفاده نمی‌کردند، همیشه به مردم می‌گفتند اهل شایعه و دروغ‌پردازی نباشید و مردم را تشویق می‌کردند که پشت امام و رهبری باشند، بدبین نباشند و به دنبال شایعه‌ها و حرف‌ها نروند. حفظ امنیت نظام و جامعه را مهم می‌دانستند و مردم را به وحدت تشویق می‌کردند و اهل راست و چپ و تندروی نبودند. ایشان حتی با مخالفان سیاسی خودشان هم مصالحه می‌کردند و ظن و گمان خوب داشتند. به همین دلیل مورد وثوق سیاستمداران بودند و گروه‌های مختلف سیاسی ایشان را قبول داشتند، چون ایشان اهل افراطی‌گری، تندروی، بدبینی، تکفیر و تحقیر دیگران نبودند و می‌خواستند اعتدال در امور را در جامعه ترویج دهند.



مطرح شد که با دختر یکی از بزرگان ازدواج کنم. ایشان به من متذکر شدند که در ازدواج به دنبال شهرت و عنوان نباش، بلکه به دنبال ازدواج صحیح و ازدواج برای خدا باش. چند بار که این امکان پیش آمد تا با خانواده بزرگان وصلت کنم خیلی با سربدی استقبال کردند، ولی به محض اینکه مادرم یک دختر شهید از نزدیکان را به من معرفی کرد، من را صدا کردند و این حدیث را گفتند: «بالا تر از هر خوبی، خوبی دیگری هست تا اینکه یک نفر جانش را در راه خدا بدهد» و امروز شما توجه کن که دوست داری پدر همسرت در بین مردم مشهور و معروف باشی یا کسی باشد که نزد اهل بیت (ع) معروف است و جانش را در راه خدا داده؟ ایشان من را به این ازدواج تشویق کردند و همیشه می‌گفتند زندگی و فرزندان شما عاقبت بخیر هستند و خدا را شکر که ازدواج من برکات زیادی برای زندگی‌ام داشت. وقتی ۱۶ ساله بودم در یک سفر حج خدمت ایشان بودم. عبادت‌های ایشان از جمله ختم قرآن در مدینه و مکه، راز و نیازهایشان در طواف، مسعی، عرفات و دعاخوانی ایشان در روزها و شب‌های جمعه در ایام حج به راستی حجاج را متحول می‌کرد. احوال ایشان در زیارت امام رضا (ع) نیز دیدنی بود. طوری با امام رضا (ع) در حرمشان حرف می‌زدند که گویی ایشان را می‌بینند و به ما هم متذکر می‌شدند که در محضر حضرت مؤدب باشید و با ادب با ایشان صحبت کنید.



ایشان با

اینکه سمت و

پست سیاسی

نداشتند و از

دستگاه‌های

دولتی استفاده

نمی‌کردند،

همیشه به

مردم می‌گفتند

اهل شایعه و

دروغ‌پردازی

نباشید و مردم

را تشویق

می‌کردند که

پشت امام و

رهبری باشند

احترام علما به ایشان

یکی از نکاتی که برجستگی شخصیت مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری را نشان می‌دهد، این بود که علمای طراز اول اصفهان همچون آیت‌الله خادمی، آیت‌الله شمس آبادی و آیت‌الله ادیب (که معروف به شیخ بهایی زمان بودند و در علم نجوم، اطلاعات فوق‌العاده‌ای داشتند و تقویم نجومی ایشان بین عوام و خواص مشهور است) علاقه و احترام خاصی برای ایشان قائل بودند.

مثلاً آیت‌الله خادمی که رئیس حوزه علمیه اصفهان بودند، به حاج آقا مظاهری گفته بودند: «شما هر مبلغی را که از سهم امام (ع) برای کارهای خیر در نظر می‌گیرید اعلام بفرمایید تا بنده خدمتان تقدیم کنم.» این کمال اعتماد یک مرجع و شخصیت طراز اول حوزه به شخصیتی همچون حاج آقای مظاهری است. یا این که آیت‌الله ادیب صبح‌ها پس از اقامه نماز صبح در مسجد به منبر می‌رفتند و من نیز همراه حاج آقای مظاهری به مسجد می‌رفتم. مرحوم آیت‌الله ادیب هر روز قبل از اذان در مسجد حضور پیدای می‌کردند و در محراب می‌نشستند. یک روز که با حاج آقا مظاهری به مسجد رفتیم، حدود ۱۰ دقیقه بعد از اذان نیز صبر کردیم ولی خبری از آیت‌الله ادیب نشد. همه بر این اعتقاد بودند که ایشان حتماً امروز به مسجد نمی‌آیند که تا ۱۰ دقیقه بعد از اذان هم هنوز به مسجد نرسیده‌اند. به این ترتیب در نبود آیت‌الله ادیب، حاج آقا مظاهری به نماز ایستادند، اما بلافاصله آیت‌الله ادیب داخل مسجد شدند و به ایشان اقتدا کردند. پس از اتمام نماز، حاج آقای مظاهری عذرخواهی کردند و گفتند من دیدم شما تشریف نیاوردید نماز را خواندم؛ آیت‌الله ادیب گفتند: «من در ماشین نشسته بودم تا شما بیایید و من به شما اقتدا کنم! اگر من را می‌دیدید اجازه نمی‌دادید به شما اقتدا کنم!» این درحالی بود که آیت‌الله ادیب، استاد حاج آقا مظاهری بود.

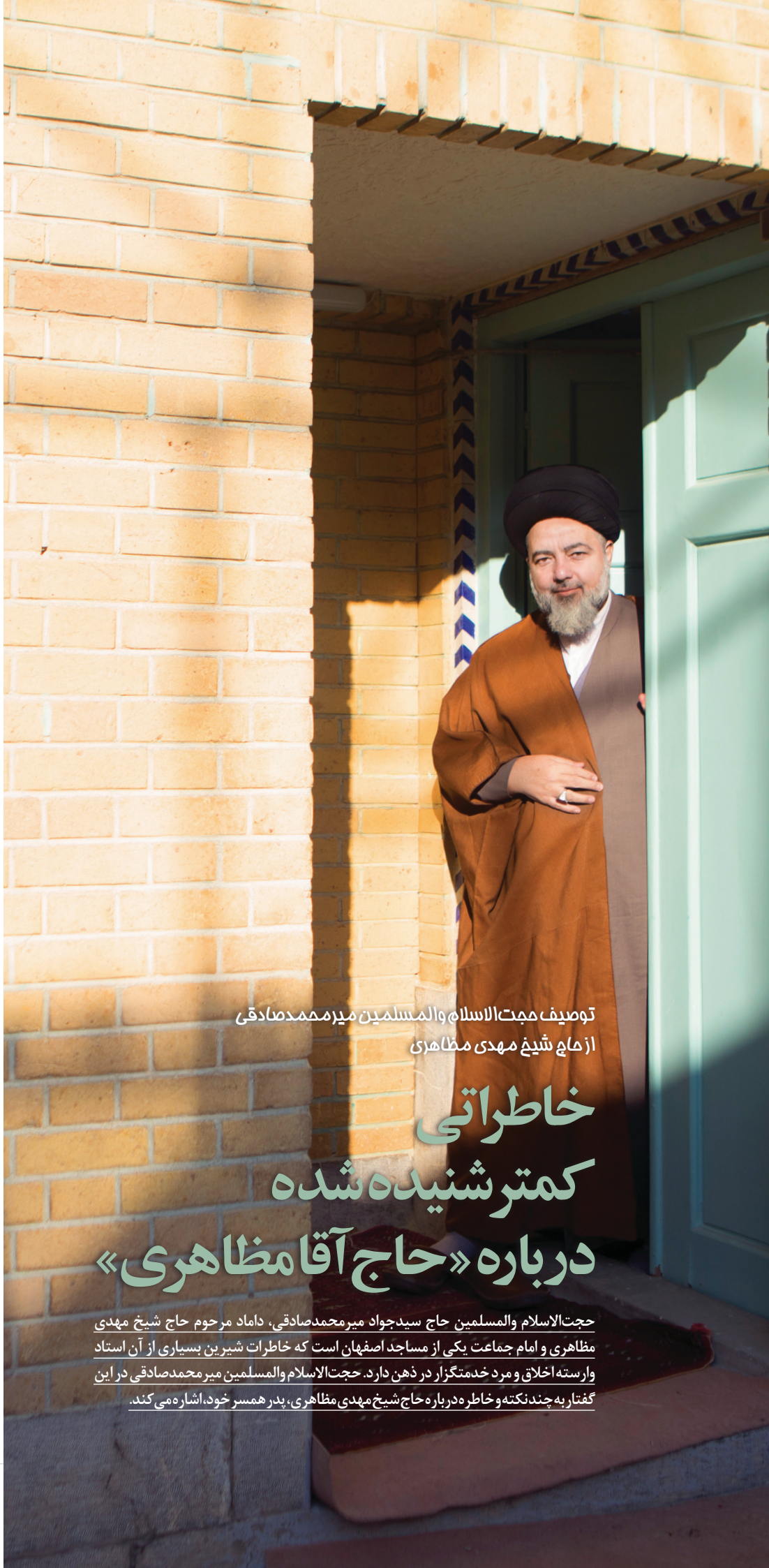
امر به معروف و نهی از منکر

از خصوصیات حاج آقای مظاهری این بود که هیچگاه از امر به معروف و نهی از منکر غافل نمی‌شدند، روزی با حاج آقا مظاهری به اداره ثبت رفته بودیم. فردی به مشکلی برخورد و عصبانی بود و در مورد امام خمینی (ره) حرفی زد. حاج آقا مظاهری علاقه و ارادت فوق‌العاده‌ای

توصیف محبت الاسلام والمسلمین میر محمدصادقی
(از حاج شیخ مهدی مظاهری)

خاطراتی کمتر شنیده شده درباره «حاج آقا مظاهری»

حجت الاسلام والمسلمین حاج سیدجواد میر محمدصادقی، داماد مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری و امام جماعت یکی از مساجد اصفهان است که خاطرات شیرین بسیاری از آن استاد وارسته اخلاق و مرد خدمتگزار در ذهن دارد. حجت الاسلام والمسلمین میر محمدصادقی در این گفتار به چند نکته و خاطره درباره حاج شیخ مهدی مظاهری، پدر همسر خود، اشاره می‌کند.





پول بگذرد خندان بُود. «معتقد بودند انسان تا از پول نگذرد، رستگار نمی شود.

خدمت همه جانبه به مردم

خدمات ایشان دو دسته بود. دسته اول خدمات اجتماعی بزرگ مثل تأسیس دارالقرآن، دانشگاه، مؤسسه خیریه، بیمارستان و... بود که عام المنفعه بودند و املاک قرار می دادند. اما نکته مهم این بود که ایشان بر خلاف برخی خیرین، از خدمات جزئی به مردم هم غافل نبودند، یعنی در کنار خدمات بزرگ و ماندگار، به رفع نیازهای جزئی نیازمندان نیز اهتمام نشان می دادند و از انجام کارهای کوچک ابایی نداشتند، یعنی در کنار ایجاد دارالقرآن و مؤسسات خیریه و... کمک های موردی به نیازمندان نیز داشتند. فردی به خود من نقل می کرد که به سراغ حاج آقا رفتم و درخواست پول کردم و فردای آن روز مبلغی که نیاز داشتم در یک بسته به داخل خانه ام انداخته شده بود. از این کمک های موردی در زندگی حاج آقا فراوان وجود داشت.

اشک چشم

یکی از ویژگی های حاج آقا مظاهری که نشان از خلوص ایشان داشت، این بود که در دعا و در توسل به اهل بیت (ع) چون ابر می باریدند و انسان گاهی تعجب می کرد که این اشک را از کجا آورده اند. چندین نفر از علمای اصفهان همچون آیت الله مجلسی و آیت الله فانی اعلام کرده بودند که حاضرم ثواب درس و بحث فقهی خود را با بکاء و اشک چشم حاج آقا مظاهری که از حضرت زهرا (س) گرفته است، عوض کنیم.

جمع آوری کمک های نقدی برای امور خیریه ید طولایی داشتند. مثلاً در مسجدالنبی (ص) اصفهان به منبر رفتند و پس از اقامه نماز مغرب و عشا، گفتند من استخاره کردم که چند کلمه در مورد بیماری ام اس صحبت کنم؛ همین چند کلمه صحبت ایشان سبب شد ۱۰۰ میلیون تومان پول برای ساخت طبقات بیمارستان ام اس اصفهان جمع آوری شود. اما شاید کمتر کسی مطلع باشد که ایشان در مجالس فامیلی و در جمع خانواده هم منبر می رفتند و موعظه می کردند و می گفتند برای آخرتتان به نیازمندان کمک کنید. این طور نبود که فقط از مردم کمک های مالی جمع آوری کنند، بلکه در خانه و خانواده نیز برای کمک به امور خیر کمک می گرفتند. دختران حاج آقا با میل و رغبت خود، النگو و انگشتر دستشان را برای کمک به امور خیر در اختیار حاج آقا قرار می دادند.

انسان باید مفید باشد

حاج آقا معتقد بودند که انسان باید مفید و خیررسان باشد و برای آخرتش کار کند. این اواخر خیلی اشک می ریختند و می گفتند «قیامت سخته». یک روز مرا صدا کردند و گفتند از برزخ و قیامت برایم بگو. گفتم: «آقا شما که خودتان استادید!» گفتند: «دوست دارم تو برایم بگویی.» از افراد زیادی که کنارشان می نشستند، درخواست می کردند تا در مورد قیامت صحبت کنند؛ با این کار قصد داشتند مردم را متوجه این مسیر سخت و دشوار کنند. شعر معروف «هر که از پل بگذرد خندان بُود» را اینگونه می خواندند: «هر که از

به امام خمینی (ره) داشتند و معتقد بودند شخصیت امام (ره) بی نظیر و بی بدیل است، جالب است بدانید ایشان (از نظر شرعی) مقلد آیت الله خویی بودند اما ارادت ایشان به امام (ره) بسیار زیاد بود به طوری که حاضر نبودند کسی جلوی ایشان یک نکته نامطلوب در مورد امام (ره) ایراد کند. وقتی آن شخص به امام (ره) اهانت کرد، مرحوم حاج آقا مظاهری با شتاب و عتاب با او برخورد کردند. به طوری که من تا آن روز حاج آقا را چنین عصبانی ندیده بودم. اما نکته درس آموز این بود که چند روز بعد نشانی آن فرد را پیدا کردند و برای دلجویی به منزلش رفتند و با اعطای گل و مبلغی پول به او گفتند: «اگر تو را امر به معروف و نهی از منکر کردم بخاطر آخرت خودت بوده نه بخاطر خودم، انسان باید احترام علما و مراجع به خصوص شخصیتی مثل امام خمینی (ره) را نگه دارد و بخاطر مسائل دنیوی، آخرت خود را خراب نکند.» آن مرد هم عذرخواهی کرد و گفت من در آن لحظه عصبانی شدم و اشتباه کردم. بهر حال نکته اینجاست که اگر در مورد مسائل دینی گاهی ناراحت می شدند حتما جبران می کردند و به سراغ آن فرد می رفتند و عذرخواهی می کردند. این رفتارهای حاج آقا، موجب اثرگذاری امر به معروف و کشتن افراد به ایشان می شد.

نظم و ورزش

حاج آقای مظاهری بسیار مقید به ورزش بودند به طوریکه هر روز پیاده روی می کردند. اگر یک روز از خانه بیرون نمی رفتند و منبر نداشتند، حتماً در داخل خانه و به دور حیاط پیاده راه می رفتند. گاهی هم دست ما را می گرفتند و دور حیاط می چرخاندند که به ورزش و تحرک بدنی وادار شویم؛ ما خسته می شدیم اما ایشان خسته نمی شدند. نظم ایشان مثال زدنی بود، همیشه قبل از اینکه ماشین برسد، پشت در منتظر بودند. اگر جایی منبر داشتند، رأس ساعت و بلکه زودتر، آنجا حاضر می شدند. همچنین در سراسر عمر به جز دوسال پایانی عمرشان که حاج آقا محسن را از دست دادند، بر خضاب کردن ریش همدام و تم می ورزیدند.

دعوت خانواده به امور خیر

همه می دانیم که مرحوم حاج آقا مظاهری در

آیت الله خادمی
که رئیس حوزه
علمیه اصفهان
بودند، به حاج
آقا مظاهری
گفته بودند:
«شما هر مبلغی
را که از سهم
امام (ع) برای
کارهای خیر در
نظر می گیرید
اعلام بفرمایید
تابنده

خدمتتان
تقدیم کنم.»
این کمال
اعتمادی که
مرجع و
شخصیت طراز
اول حوزه به
شخصیتی
همچون حاج
آقای مظاهری
است



روایت دفتران «هاج شیخ مهدی» از پدر

پشت و پناه ما بودند

با خاطرات پدر هم بغض می کنند و هم لبخند رضایت بر صورتشان می نشیند. دلنگی در عمق واژه هایشان فریاد می زند. مردی که برای سالیان دراز چشم و چراغ اصفهانی ها بود، در منزل نیز پشت و پناه دخترهایش بود. از مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چهار صبیبه به جای مانده است. پای صحبت آن ها نشستیم و درباره پدر پرسیدیم.

● اخلاق مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در خانه چگونه بود؟

صبیه دوم: پدرم بسیار مهربان و خوش اخلاق بودند و با وجود تراکم کاری بالایی که در خارج از منزل داشتند و زمان کمتری را در خانه به سر می بردند، همیشه ما را مورد لطف خود قرار می دادند و ما نیز متقابلاً برای پدر احترام بسیار خاصی قائل بودیم. به صله رحم اعتقاد راسخی داشتند و در ماه رمضان با جعبه زولبیا و بامیه به دیدار اقوام و دوستان می رفتند. همچنین از بیماری فرزندانمان بسیار آشفته و ناراحت می شدند و اگر بیمار می شدیم در حقمان دعا و ختم قرآن نذر می کردند.

● چه رفتاری از فرزندان باعث می شد خیلی خوشحال شوند؟

صبیه سوم: وقتی شب های جمعه با ایشان به دعای کمیل می رفتیم یا صبح جمعه در دعای ندبه شرکت می کردیم، همچنین زمانی که در پای منبرهایشان حضور می کردیم خیلی خوشحال می شدند.

● انجام چه رفتارهایی از فرزندان باعث

● ناراحتی ایشان می شد؟

صبیه سوم: از اینکه خواندن نماز به تعویق بیفتد و یا بچه ها خلاف شرع انجام دهند، بسیار ناراحت می شدند.

● ساده زیستی در زندگی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چه جایگاهی داشت؟

صبیه سوم: همیشه از کودکی زندگی خوب و مرفه ای داشتیم، ولی در عین رفاه، خیلی ساده زندگی می کردیم. پدر هیچ وقت اهل تجملات نبودند و راضی به استفاده از وسایل تزئینی اضافه در خانه نمی شدند.

● ایشان به عنوان واعظی مشهور و استاد اخلاق چگونه احکام دین را به شما آموختند؟

صبیه سوم: بارفتارشان؛ از دوره کودکی تا نوجوانی و جوانی ام به یاد ندارم که خواندن دعای کمیل در شب های جمعه، دعای ندبه در صبح های جمعه، نماز شب در دل شب و یا غسل جمعه از سوی پدرم ترک شده باشد. عملکرد پدر نوعی آموزش برای ما بود که سبب نهادینه شدن اعمال دینی در

وجودمان شد، به طوری که من به خواندن دعای کمیل عادت کرده ام و آن را ترک نمی کنم. صبیه اول: توصیه زیادی به خواندن نماز اول وقت داشتند و ما را به تلاوت قرآن سفارش می کردند، در این حد که بر ایمان معلم خصوصی گرفته بودند تا در منزل به ما روخوانی قرآن و معارف دین را یاد بدهد. معلم خصوصی ما آقای شکوهنده، معلم مشهور قرآن، بودند. وقتی مقام معظم رهبری به اصفهان آمدند، فقط به دیدن یک نفر رفتند و آن آقای شکوهنده بود. خیلی شخصیت باتقوا و عابدی بود. هشت ساله بودیم که ایشان را به منزل ما آوردند و ما خدمت ایشان علاوه بر قرآن، اصول و فروع دین را هم یاد می گرفتیم.

صبیه دوم: هرگاه خانواده دور هم جمع می شدند، حاج آقا به بیان احکام دینی و اخلاقی می پرداختند، رفتارهای پدرم آن قدر آرامش بخش و جذاب بود که ناخودآگاه سعی در تقلید از ایشان داشتیم. در واقع رفتار و کردار ایشان آموزش عملی برای ما بود.

● اگر در کودکی و نوجوانی مرتکب رفتار اشتباهی می شدید، ایشان چگونه به شما تذکر می دادند؟

صبیه اول: ما خودمان به خاطر ابهت و شخصیت ایشان طوری رفتار می کردیم که از چیزی ناراحت نشوند، طوری با ما برخورد کرده بودند که خیلی مؤدبانه با ایشان برخورد می کردیم. هیچ وقت جلوی ایشان پیمان را دراز نکردیم. صحبت هایمان با ایشان خیلی حساب شده و از روی حجب و حیا بود. یعنی شخصیت ایشان طوری بود که بچه ها سعی می کردند کوچکترین خطا و اشتباهی از آن ها سر نزنند که حاج آقا بخواهند تذکر بدهند و این خیلی موضوع ارزشمندی بود. این خودش یک روش تربیتی است که بچه ها خودشان حساب ببرند و بدون اینکه تذکر خاصی لازم باشد، راه درست را ببرند.

● اجبار و زور هم در مسائل داشتند؟

صبیه اول: نه اصلاً؛ با دخترها خیلی راحت برخورد می کردند ولی به پسرها بیشتر سخت می گرفتند. البته نه اینکه سخت گیری کنند، بلکه به پسرها بیشتر از دخترها توصیه می کردند و گاهی تذکر هم می دادند اما با دخترها خیلی ملایم بودند و خیلی دوستانه و مهربانانه رفتار می کردند.



صبیه سوم: نه بلکه در مورد آن موضوع صحبت و گوشزد می کردند و من با ایشان راحت بودم. به طوری که حتی پس از ازدواج نیز اگر به مشکلی برخورد می کردم به خاطر احساس صمیمت و راحتی که با پدر داشتم حتماً با ایشان مشورت می کردم.

صبیه سوم: جذبهای که پدر برای ما داشتند بسیار ناب بود؛ حتی نگاههایشان برای ما خیلی قشنگ بود. خیلی هوای من را داشتند. شوهر من که از مکه می آمد اولین دیدار کننده، پدرم بودند. اگر به مسافرت می رفتم، اولین کسی که به دیدار ما می آمد پدرم بودند. یادم هست سالی که بیمار شده بودم و سرم گیج می رفت و به زمین می خوردم، پدر به منزل ما آمدند و گفتند باید دکتر برویم. با برادر آمدند و مرا داخل ماشین گذاشتند و نزد دکتر بردند؛ دکتر گفت که مشکلی نیست و علت سر گیجه گوش میانی است. دارو داد و من بهتر شدم اما پدر مدام سراغ می گرفتند و سؤال می کردند که بهتری؟ دیگر سرت گیج نرفت؟ تا یک ماه نگذاشتند من منزل خودم بیایم و از من در خانه خودشان مراقبت کردند. وقتی می خواستم غذا بپزم، نگران بودند، به دنبال می آمدند تا نکند سرم گیج برود و به زمین بخورم.

صبیه چهارم: خیلی مدافع ما بودند؛ هر حرفی در امور زندگی خودمان داشتیم خدمت ایشان می گفتیم؛ از نظر مالی هم خیلی حمایتان می کردند. چون شوهران مادو خواهر (صبیه سوم و چهارم) طلبه بودند، وقتی ازدواج کردیم خیلی از ما پشتیبانی مالی کردند. در زمانی که من در قم زندگی می کردم، هر زمان که پدرم به قم می آمدند، سری هم به من می زدند اما برای اینکه من اذیت نشوم می گفتند ما نهار نمی مانیم، فقط مرا می دیدند و می رفتند. اما ماشینشان را پر از اغذیه می کردند و به من می دادند. حتی پول نقد هم می دادند. همیشه سؤال می کردند که از همسر تان راضی هستی؟ در خانه خوش رفتاری می کنی؟ خیلی دلواپس بچه هایشان بودند و دغدغه آنان را داشتند.

دائماً به ایشان می گفتند حاج دایی من در خدمت شما هستم. حرف پدر برای ما سند بود و روی چشم می گذاشتیم. در زمان ازدواج دخترانم هم از نظرات حاج آقا استفاده می کردیم.

● نظرشان در مورد تحصیل دخترانشان در دانشگاه چه بود؟

صبیه چهارم: در زمان ما به علت شرایطی که دانشگاهها از نظر سیاسی و ... داشتند، خیلی مخالف بودند ولی نوههایشان به دانشگاه قرآنی رفتند و اصلاً مخالفتی هم نکردند.

● رابطه ایشان با مادر مرحومتان چگونه بود؟

صبیه چهارم: در حق خانمشان خیلی مهربان بودند و اصلاً سختگیری نمی کردند و پولهایشان را هم تقدیم حاج خانم می کردند. همه اختیارات را به مادرم سپرده بودند و در مسائل مختلف و یا خرج و مخارج دخالتی نداشتند. در واقع مدیریت منزل با مادرم بود.

● آیا مرحوم حاج شیخ مهدی در امر ازدواج جوانان محل کمک می کردند؟

صبیه سوم: بله بسیار زیاد؛ همسایه ها و خصوصاً فامیل هایی را که ضعیف بودند در این زمینه کمک می کردند. اگر من دوستی داشتم که برای ازدواج نیاز به جهیزیه داشت و تمکن مالی نداشت می گفتند: بگو فوری بیا بد تا برایش اقدامی کنیم.

● پدر بزرگوارتان چگونه از شما دخترها حمایت می کردند؟

صبیه سوم: نه بلکه در مورد آن موضوع صحبت و گوشزد می کردند و من با ایشان راحت بودم. به طوری که حتی پس از ازدواج نیز اگر به مشکلی برخورد می کردم به خاطر احساس صمیمت و راحتی که با پدر داشتم حتماً با ایشان مشورت می کردم.

● نگرش و منش مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری درباره ازدواج فرزندانسان چگونه بود؟

صبیه سوم: هیچ اجباری برای ازدواج فرزندانسان نداشتند. اگر پسری به خواستگاری می آمد و از نظر شخصیتی، ایمانی و خلقی ملاک های خوبی داشت، پدرم به مسائل مادی توجه نمی کردند و درگیر مواردی همچون مهریه نبودند. مهریه من مختصر و مراسمی که بر گزار شدنیز بسیار ساده بود.

● توصیه ایشان به شما درباره حجاب چه بود؟

صبیه چهارم: در مورد حجاب و روگیری ما بسیار حساس بودند، زمانی که با پدر به مجلس روضه می رفتیم، نزدیک محل روضه که می شدیم می گفتند: «خانم ها رویتان را بگیرید.» خیلی هم اهل این نبودند که ما دبیرستان برویم و به تحصیل در حوزه توصیه می کردند.

● شما در حوزه درس خواندید؟

صبیه چهارم: من بعد از راهنمایی به حوزه رفتم و تا مقطعی خواندم اما دلم می خواست به دبیرستان بروم. وقتی پدر علاقه من را به دبیرستان دیدند، اجازه دادند.

● شما را در امر ازدواج مختار گذاشته بودند؟

صبیه چهارم: بله، برای انتخاب کاملاً آزاد بودیم اما دوست داشتند که زود ازدواج کنیم. خیلی دلشان می خواست با یک روحانی ازدواج کنیم، ولی ما را اجبار نکردند.

صبیه دوم: پدرم بسیار مایل بودند که با پسر عمه ام ازدواج کنم و مکرراً از فضایل اخلاقی ایشان برایم می گفتند، اما اجباری در این قضیه نداشتند. من با پسر عمه ام ازدواج کردم؛ سال ها بعد هم سرم در نجف، در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) و بعد از زیارت فوت کردند و ایشان را در وادی السلام دفن کردیم. هم سرم تابع پدرم بودند و

هرگاه خانواده دور هم جمع می شدند، حاج آقا به بیان احکام دینی و اخلاقی می پرداختند. رفتارهای پدرم آن قدر آرامش بخش و جذاب بود که ناخودآگاه سعی در تقلید از ایشان داشتیم. در واقع رفتار و کردار ایشان آموزش عملی برای ما بود



مراجع بود، ۲۸ تیر ۱۳۹۴ پس از بازگشت از زیارت امام رضا (ع) دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت. آنچه در ذیل می آید بخشی از مصاحبه با مرحوم محمد محسن مظاهری در زمان حیاتش است. او در این مصاحبه از اخلاق نیکو و خدمات پدرش، حاج شیخ مهدی مظاهری، یاد می کند.

● اخلاق حاج آقا مظاهری با خانواده و فرزندان نشان چگونه است؟

حاج آقا خیلی به ما، به من، به خواهران و اخوی برای احترام به مادر سفارش می کنند. همیشه می گویند که مادر تان به شما خیلی محبت می کند و زحمت می کشد چون من اکنون در خانه نیستم و زحمت زندگی روی دوش مادر تان است. هر جایی بیند که ما کوتاهی می کنیم یا توجهی به موضوعی نداریم بلافاصله تذکر می دهند. نسبت به فرزندان شان خیلی عاطفی هستند. احساسم این است که ایشان دخترها را خیلی بیشتر از ما دوست دارند. یادم هست که وقتی خواهرهایم برای زایمان به بیمارستان می رفتند، در حالی که امری عادی بود، آن شب می دیدم که حاج آقا به خواب نمی روند و اضطراب دارند. اگر حادثه کوچکی برای خانواده یا یک مریضی جزئی پیش می آمد، حاج آقا خیلی اضطراب پیدا می کردند و در این مشکلات و مسائل کم صبر بودند. فوراً به دعا مشغول می شدند و از خدا کمک می خواستند. آن دعاها در حق ما خیلی کار ساز بود. حاج آقا به نوه ها هم خیلی علاقه مند هستند و کوچکترین مسئله و مشکلی که یک وقت برای بچه ها پیش می آید خیلی پیگیر هستند و سؤال می کنند. اگر یکی از نوه ها مریضی مختصری هم پیدا کند، حاج آقا با دکتر تماس می گیرند، قرار می گذارند و پیگیری می کنند تا نتیجه را بفهمند که آزمایش چطور شد و وضع بیماری چطور است. خیلی در این جهات حساسیت دارند. دعایی که همیشه بر زبان داشتند این بود که می گفتند: «خدا یا داغ به دلمان نگذار.» حاج آقا از قدیم همیشه این دعا را بیان می کردند. از تکیه کلام هایی که حاج آقا در دعایشان داشتند و در مجالس عمومی و خصوصی آن را تکرار می کردند این بود که می گفتند: «خدا یا ما را و اهل ما را از خطر و خطا و بلا و فساد دور بدار.» بعضی از دوستان حاج آقا و نزدیک ترها به ایشان می گفتند وقتی که می خواهید این دعا را بیان کنید ما را هم جزء اهلتان در نظر بگیرید.



ماجرای پسری که عزیز پدر بود و ناباورانه رفت

مرحوم محسن مظاهری؛ ادامه دهند مسیر پدر

محمد محسن مظاهری، فرزند ارشد حاج شیخ مهدی مظاهری، ۱۱ شهریور ۱۳۳۶ در اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان مدرس و متوسطه را در دبیرستان احمدیه، که پدر شان جزء مؤسسان آن بودند، پشت سر گذاشت. او پیش از پایان تحصیلات متوسطه در مدارس علمیه ذوالفقار و صدر خواجو مشغول به تحصیل شد. در زمان طلبگی چندین بار بامیلغان مؤسسه احمدیه به مناطق فاقد روحانی در اطراف اصفهان اعزام شد و تبلیغ دین کرد. محمد محسن دروس حوزه را تا قبل از شرح لمعه ادامه داد و سپس حوزه را ترک کرد. او پس از ترک حوزه، وارد «بازار بزرگ» شد و چند سالی به خرید و فروش لوازم خانگی مشغول شد.

امور خیر اهتمام ویژه به خرج داد. بسیاری از امور خیریه در اصفهان بعد از انقلاب اسلامی با کمک مالی و مشارکت محمد محسن به انجام رسید. او که در سال ۱۳۸۲ کار آفرین نمونه استان اصفهان شد و عزیز دل پدر و مورد علاقه بسیاری از علما و

فرزند ارشد «حاج شیخ مهدی» در سال ۱۳۶۴ با کمک متخصصان موفق به ساخت اولین ماشین چاپ روتاری در ایران شد و از آن زمان وارد صنعت نساجی شد. محمد محسن از آن هنگام به بعد، تمکن مالی زیادی پیدا کرد و به تبعیت از پدر برای انجام

دیدگاه

یک روح در دو بدن

علیرضا مظاهری، فرزند مرحوم محمد محسن و نوه حاج شیخ مهدی مظاهری، درباره سیره اخلاقی پدر خویش می گوید: مسیری که پدر من انتخاب کردند در راستای تربیت مرحوم حاج آقا مظاهری بود که خواسته بودند جز در راه رضای خدا قدم برندارد. رفتار پدر من طوری بود که عموماً در برنامه های مربوط به خیریه حرف و اسمی از ایشان نیاید، اما مردم ایشان را به عنوان خیر عام المنفعه می شناختند. پيامی که مقام معظم رهبری در پی فوت پدر من دادند بیانگر فعالیت های خیر ایشان است.

تجلیلی که از پدرم شد کم از تجلیلی که از پدر بزرگ شد نبود، چرا که پدرم پایشان را دقیقاً جای پای پدرشان گذاشتند و این باعث شده بود که مانند یک روح باشند در دو بدن. پدر من یک بازرگان و تاجر متمول نبودند، بلکه از ابتدای جوانی هدفشان ایجاد اشتغال و کارآفرینی بود و این هدف هم ناشی از آموزش های پدرشان بر مبنای کمک به مردم بود.

پدرم معتقد بودند که باید نان در آوردن به مردم یاد بدهیم، نه اینکه نان دستشان بدهیم. لذا زمانی که به رحمت خدا رفتند، بیش از سه هزار نفر در مجموعه های ایشان مشغول کار بودند. حاج آقا مظاهری به من می گفتند: «آقا علیرضا، امام صادق (ع) به یکی از اصحاب خود می فرمودند وقتی پیش من هستی، احساس راحتی می کنم؛ من هم همین حس را به پدر تو دارم. چون اینقدر او برای من مایه سربلندی است که دلم نمی خواهد حتی یک لحظه از او جدا باشم.»



بعد از این، مؤسسه آموزشی ابابصیر و انجمن مددکاری امام زمان (عج) تأسیس شد. انجمن مددکاری امام زمان (عج) ویژه ایتم بود. برای خانواده های یتیم که سرپرستان را از دست داده اند و تحت پوشش بیمه نبودند، خدمات گسترده ای را ارائه می کرد. مؤسسه ابابصیر برای تحصیل نابینایان و کمک اجتماعی به آنان بود، چون دو مؤسسه در اصفهان به نام کریستوفر و نورآیین وجود داشت که این دو مؤسسه زیر نظر کشور انگلیس و آلمان اداره می شدند. به نابینایان تعلیم می دادند و ضمن آن عقایدشان را هم از اسلام و تشیع به مسیحیت تغییر می دادند. آقایان اصفهان به ریاست مرحوم آیت الله شمس آبادی و جمعی از معتمدین فرهنگی به کمک یکدیگر مؤسسه ابابصیر را تشکیل دادند. بعد از این مؤسسه ای به نام صندوق ازدواج صاحب الزمان (عج) در خیابان احمدآباد برای کمک به جهیزیه فقرا تأسیس شد. بعد از صندوق ازدواج، مؤسسه دارالقرآن، که مؤسسه ای فرهنگی است، به همت حاج آقا تأسیس شد. اخیراً هم حاج آقا دو انجمن برای بیماری های صرع و ام اس تشکیل دادند. این ها بخشی از کارهای خیر حاج آقا است که به شکل رسمی تابلو دارد اما کارهای بدون تابلو هم خیلی داشتند، مثلاً مساجد زیادی در اصفهان با پیگیری و سفارش ایشان ساخته شده است. منطقه ای در بیرون از اصفهان به نام لردگان هست که روستاهای آن مسجد نداشت. با همت حاج آقا ۱۶ مسجد در آنجا ساخته شد. حاج آقا در امور مالی کارهای خیر دخالت نمی کردند و امور مالی و اجرایی را به دیگران می سپردند. از ویژگی های ایشان در مسائل مادی این بود که خیلی منبع الطبع بودند و حتی می گفتند در اوایل طلبگی نیز از حقوق سهم امام (ع) استفاده نکردند.

● آیا ایشان با توجه به جایگاه رفیعی که بین مردم دارند، از آن استفاده ای به نفع خانواده خود انجام داده اند؟

حاج آقا هیچ وقت در امور مادی از کسوت روحانیت برای خانواده خود استفاده ای نکرده اند. برای ماهیچ سفارشی به جایی نداشته اند، چون الحمدلله در هیچ کاری تا به حال احتیاج ما جز خدا به کسی دیگر نبوده و خداوند این لطف را در حق ما کرده است. نیازی به کسی پیدا نکرده ایم که حاج آقا بخواهند سفارشی کنند. همیشه هر چه بوده، حاصل دعا های حاج آقا و لطف خداوند بوده است.

● درباره خدمات اجتماعی حاج آقا مظاهری بر ایمان توضیح می دهید؟

امور اجتماعی و کارهایی که حاج آقا به صورت عام المنفعه و خیریه انجام داده اند تقریباً از چهل و چند سال قبل آغاز شد. مؤسسه ای در خیابان مسجد سید اصفهان به نام احمدیه تأسیس شد که در رأس آن مرحوم آیت الله خادمی بودند و عده ای از آقایان مثل مرحوم صهری، مرحوم منصورزاده و جناب ناطق و حاج آقا مظاهری کمک می کردند. عمده کار جمع آوری کمک های مردم را حاج آقا انجام می دادند. اولین کاری که در اصفهان در امور فرهنگی انجام شد همین مؤسسه احمدیه بود که در ذیل آن دبیرستان و کتابخانه مفصلی هم تشکیل دادند. همچنین مؤسسه ای فرهنگی برای تبلیغات در مناطقی که روحانی ندارد تشکیل دادند. مرحوم آیت الله خادمی با عده ای از این آقایان برنامه ریزی و در مناسبت هایی مثل محرم و ماه رمضان مبلغ اعزام می کردند. جلسات دعای حاج آقا مظاهری هر کدام خیرات و برکات خاص خود را داشت. مثلاً به برکت دعای ابو حمزه، مدرسه ای به نام ابو حمزه در منطقه کمربور خور دارزنبیه تأسیس شد.

حاج آقا
محسن،
کارآفرین برتر،
عزیز دل پدر
و مورد علاقه
بسیاری از علما
و مراجع بود که
۲۸ تیر ۱۳۹۴
پس از بازگشت
از زیارت امام
رضا (ع) دعوت
حق را لبیک
گفت و به دیار
باقی شتافت



پای صحبت های فرزندان مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری

سفارش همیشگی به زندگی بی تجمل

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین مظاهری، فرزند مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، به توصیه پدر قدم در مسیر طلبگی نهاده است و در کنار برادر بزرگترش، «مرحوم آقا محسن»، بیشترین همنشینی را با حاج آقا مظاهری داشت. پای صحبت های او نشستیم و کمی درباره پدر پرسیدیم.

● شیوه تربیتی مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چگونه بود و چه تأثیری در شکل دهی شخصیت شما داشت؟

حاج آقا تربیتشان هم به زبان بود و هم به عمل. به کرات مطالبی را تذکر می دادند و از ما می خواستند که به نماز اول وقت، تهجد و به خصوص تلاوت قرآن و جدیت در تحصیل کوشا باشیم. خیلی مطالب را هم به صورت «کونوا دعاة الناس بغير السننکم» و با عملکرد خودشان به ما می آموختند. مثلاً همین وارد شدن در وادی دعا، خواندن دعا و التجا به خدا و ائمه اطهار (ع) که این تقریباً با گوشت و خون ما ممزوج شد، بواسطه ایشان بود. در دوره طفولیت در جلسات دعا و وعظ و خطابه ای که حاج آقا داشتند شرکت می کردیم، چون حس دعا در ایشان وجود داشت، همه ترغیب و تشویق می شدند به این سمت و سو. در جهت

اینکه انسان، آموزش را به خدا واگذار کند و به ائمه (ع)، به خصوص امام زمان (عج) توسل داشته باشد و ایشان را ملجأ و پناه خودش بداند، توصیه زیادی می کردند. این مطالبی بود که از آن اول حاج آقا زیاد تذکر می دادند و ما هم استفاده می کردیم.

یادم هست که از همان دوره طفولیت در جلسات دعا و وعظ و خطابه ایشان گاهی حس بکاء و توسل به اهل بیت (ع)، که در بقیه بچه ها نبود، در ما ایجاد می شد. مثلاً اگر هزار کودک در آن مجلس وجود داشت، پنج نفرشان هم این طور نمی شدند. اما حال ما به این جهت بود که حاج آقا ما را به این مطالب آشنا کرده بودند و آگاهی می دادند و رهنمود می کردند و ما هم خیلی استفاده می کردیم. حاج آقا به فرزندان تأکید می کردند که امر خلاف شرع در زندگی شان نباشد. همچنین همیشه به رفاقت

با افراد خوب و دوری از افراد ناباب و اهل گناه توصیه می کردند. همیشه اندرز می دادند که زندگی مان بی تجمل باشد.

● به نظر شما، علت اعتماد گسترده مردم به پدرتان چه بود؟

در هر کاری که وارد می شدند خلوص ایشان به نظر من حرف اول را می زد و همین در موفقیت ایشان تأثیر داشت. در کارهایی که وارد می شدند دنبال این نبودند که موقعیت خودشان هم در آن کار حفظ شود یا منفعی برایشان داشته باشد. همیشه معتقد بودند که اگر آدم برای کار خیر حس پیدا کرد و ملهم شد، باید آن را انجام دهد. بارها پیش می آمد که به کسی می گفتند: «آقا این کار خیر را برو انجام بده. این مبلغ را کمک کن.» بعد در دنباله اش می گفتند من امروز ملهم شده ام که این کار خیر را انجام دهم. آن وقت این بخش از دعای ابو حمزه را می خواندند که امام سجاد (ع) از خدا مسئلت می داشتند: «واللهی الخیر والعلم به؛ خدایا خیر را به من الهام کن و توان عملش را هم به من بده.» آقای یراقی که مدیر عامل دارالقرآن بودند می گفتند که من یاد نمی رود که چهل سال پیش حاج آقا مظاهری آمدند به بازار، جایی که من مغازه فرش فروشی داشتم. به من گفتند فلانی من امروز ملهم شدم که بیایم به اتفاق با هم کاری برای ایتمام انجام دهیم. من هم خیلی استقبال کردم و گفتم من در خدمت هستم. افراد را به همین صورت یعنی با حس خدایی به کار خیر فرامی خواندند و پیگیرش می شدند. وقتی مردم می دیدند که ایشان از روی خلوص حرف می زنند و پیگیر هستند که کار انجام شود، آن ها هم به میدان می آمدند و هر طور که از دستشان، زبانشان، مالشان و یا علمشان برمی آمد، کمک می کردند. یک مطلب مهم تر آنکه دعای مستجابی از ناحیه مادر برای ایشان بود (که پروردگارا فرزندانم را محبوب القلوب مردم قرار بده) و ما شاهد بودیم که حتی در سال های آخر عمر با وجود بیماری، وقتی حالشان مساعد بود و در جلسه ای حضور پیدا می کردند، مبالغ کثیری برای امور خیر جمع می شد. یکی از آخرین اقداماتی که انجام دادند و تا آخر هم پیگیرش بودند انجمن ام اس بود و مردم هم کمک زیادی به آن کردند.



حاج آقا تربیتشان هم به زبان بود و هم به عمل. به کرات مطالبی را تذکر می دادند و از ما می خواستند که به نماز اول وقت، تهجد و به خصوص تلاوت قرآن و جدیت در تحصیل کوشا باشیم

دیدگاه

نقش پدر و مادر در تربیت

مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در خاطره‌ای درباره نقش پدر و مادر در تربیت فرزند می‌گوید: «اگر کسی خواست اولاد او صالح و خوب شود هم خود پدر و مادر باید مربی خوبی باشند و هم آن بچه را به دست معلمان خوب بسپارند تا آن معلم، اثر خوب بر او بگذارد. عمر ابن عبدالعزیز، سب امیرالمؤمنین (ع) را که معاویه ملعون دستور داده بود، ترک کرد. معاویه دستور داده بود در خطب نماز جمعه، امیرالمؤمنین را سب کنند و این کار را خلفای بعد از او هم می‌کردند. ولی عمر ابن عبدالعزیز، سب امیرالمؤمنین را ترک کرد به لحاظ اینکه معلم عمر ابن عبدالعزیز او را به محبت امیرالمؤمنین (ع) دعوت کرده بود. معلم خیلی مدخلیت دارد، پدر و مادر و معلم، هر کس خواست اولاد او صالح و مفید باشد باید پدر و مادرش معلم خوبی برای او باشند و فرزند را تعلیم کنند. خوبی‌ها را در عمل به فرزند نشان دهند و هم معلم خوب برای او باشند... من به سهم خودم از پدر مرحومم تشکر می‌کنم و به ایشان دعا می‌کنم که به وظایف پدری عمل کردند... یکی از خصوصیات ایشان این بود که در هر مجلسی وارد می‌شدند، در صف نعال قرار می‌گرفتند یعنی همان دم در می‌نشستند. اهل این نبود که بخواهد مردم به او جا بدهند و برایش بلند شوند. یکی از خصوصیات ایشان این بود که به هر کسی عبور می‌کرد، سلام می‌کردند.



مظاهری ما را تشویق کردند تا به این خیرات و برکات رسیدیم. خلاصه این روحیه در ایشان وجود داشت و طلبه پرور بودند.

● اگر ممکن است خاطره‌ای از مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری تعریف کنید.

خاطره که خیلی هست، هر وقت با حاج آقا می‌رفتیم بیرون منتظر راننده و ماشین نمی‌شدند، می‌رفتند سر خیابان یک کسی سوارشان می‌کرد. هر وقت منتظر ماشین می‌ماندیم به من می‌گفتند: «سه تا قل هو الله برای آقای شمس‌آبادی بخوان.» تا می‌خواندیم ماشینی می‌رسید و ما را سوار می‌کرد. این خاطره را از این جهت گفتم که بسیار برای مرحوم آیت الله شمس‌آبادی، آن عالم جلیل‌القدر، ارزش و احترام قائل بودند. خاطره جالبی از حج در ذهن دارم؛ سال ۱۳۷۳ در حالی که حدوداً هجده ساله بودم، با حاج آقا به حج مشرف شدم؛ در خاطرم هست شب عرفه که با شب جمعه هم مصادف شده بود، ایشان برای مردم دعا کردند. در یکی از دعاهایشان هم گفتند که دعا می‌کنم این فرزند من از علمای عاملین شود. آن وقت مردم در آن حال آمین گفتند. یک سیدی بود که بعد هم با ما نسبت پیدا کرد. من هم نمی‌شناختمش. وقتی برای وضو رفتیم آمد و به من گفت: «امشب خیلی غبطه به حالت خوردم. امشب در حق تو دعا و آمین گفته شد که من خیلی غبطه خوردم که ای کاش برای من هم چنین دعایی می‌شد.» از خداوند واقعاً سپاس داریم و تشکر می‌کنیم که مادر این بیت و مسیر قرار گرفتیم.

البته راهی که می‌پیمودند خالی از سختی هم نبود، اما ایشان از تلاش خسته نمی‌شدند و از گوشه و کنایه‌ها دلسرد نمی‌گشتند. خیلی‌ها ممکن است اگر برخوردی با آن‌ها شود، اصلاً آن کار و مسیر را عوض کنند و از آن وادی بیرون بیایند؛ می‌گویند ما چه وظیفه‌ای داریم، زندگی‌مان را می‌کنیم، مسجدمان را می‌رویم، چه کار داریم به این کارها، در حالی که ایشان در هدفشان بسیار سرسخت بودند.

● مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری چقدر در اینکه شما طلبه شوید و در حوزه علمیه تحصیل کنید دخیل بودند؟

خیلی، چون اصلاً این فکر را، این حال را، این منش را ایشان در ما ایجاد کرد، اما نه به صورت اجبار و اصرار. اصل طلبگی‌ام شروعش با تشویق و ترغیب ایشان بود. آن روح را ایشان در من و خیلی‌های دیگر دمیدند. یکی از ویژگی‌های حاج آقا این بود که وقتی مردم را به کارهای خیر و عام‌المنفعه دعوت می‌کردند، تذکرشان هم این بود که یکی از فرزندان‌تان را نوکر امام زمان (عج) کنید. آن وقت که ندای «یا بن الحسن» سر می‌دادند و مردم «یا بن الحسن» می‌گفتند و اشک از چشمانشان جاری می‌شد، ایشان می‌گفتند که بیایید امروز قراری با حضرت بگذارید، اگر دو تا، سه تا، چهار تا پسر دارید، یکی از آن‌ها را نوکر امام زمان (عج) کنید. خیلی‌ها به حاج آقا می‌رسیدند و می‌گفتند حاج آقا ما این لباس و کسوت و کار را از جلسات شما داریم. به ما هم گاهی بعضی طلبه‌ها می‌گویند که حاج آقا



یکی از ویژگی‌های حاج آقا این بود که وقتی مردم را به کارهای خیر و عام‌المنفعه دعوت می‌کردند، تذکرشان هم این بود که یکی از فرزندان‌تان را نوکر امام زمان (عج) کنید



(روایتی از تلاقی امید و یأس برای دوست و دشمن)

روز وداع باشکوه با «حاج شیخ مهدی»

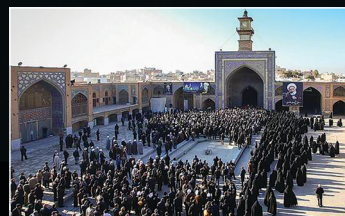
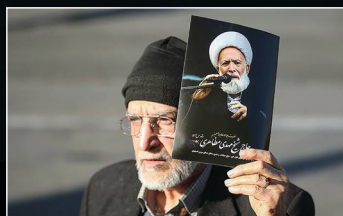
پیکر مطهر مرد نیایش و خدمت، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری، ۲۳ دی ماه ۱۳۹۶ بر دوش انبوه مردمان سرزمین زاینده رود تشییع شد و در گلستان شهدای تخت فولاد، جایی که سال‌ها محل برگزاری مجالس دعای ایشان بود، آرام گرفت. حجت الاسلام والمسلمین حاج علی دینانی، نوه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، درباره تشییع پیکر ایشان و درس‌هایی که می‌توان از آن گرفت بر ایمان سخن گفت.

می‌شود، اما متأسفانه در سال‌های اخیر به سبب زندگی شهرنشینی و ازدحامی که در شهرهای امروزی هست، این سنت مقدس اسلامی بسیار تضعیف و در جامعه کم‌رنگ شده است. متأسفانه کمتر دیده می‌شود که در شهرها تشییع جنازه انجام شود و مردم

یکی از دستورات اسلام، شرکت افراد در تشییع جنازه است و برای این عمل، ثواب زیادی در نظر گرفته شده، مثلاً در احادیث هست که انسان وقتی در تشییع جنازه شرکت می‌کند، همه گناهان او آمرزیده و توفیق شفاعت کردن در قیامت به او داده

به واسطه آن متنبه گردند. انصافاً تشییع جنازه موجب تنبه است، زنگ بیدارباش و درس اخلاق است و جامعه و مردمی که در تشییع جنازه شرکت کنند، مسلماً از نورانیت بیشتری برخوردار می‌شوند، خصوصاً اگر عالمی از دنیا برود، بسیار بجاست که از او در تشییع جنازه اکرام شود، چون در اسلام بسیار به احترام و ارج نهادن عالم تأکید شده است و وقتی عالمی از دنیایم رود، اگر افراد در تشییع جنازه او شرکت کنند، به چند هدف می‌رسند؛ یک هدف، تشییع جنازه است که در اسلام به آن سفارش شده و هدف مهم‌تر از آن، تکریم عالم است که باز هم در اسلام به آن زیاد سفارش شده است. الحمدلله تشییع پیکر مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری در اصفهان بسیار با عظمت برگزار شد و وجود پربرکت و با معنویت ایشان حتی بعد از مرگ هم برای مردم اصفهان نورانیت ایجاد کرد. افراد بسیار زیادی در تشییع جنازه ایشان شرکت کردند و خیابان‌هایی که در مسیر





حرکت تشیع پیکر ایشان قرار داشت موقتاً بسته شد.

نماز میت مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری را آیت‌الله العظمی حاج شیخ حسین مظاهری، رئیس حوزه علمیه اصفهان، اقامه کردند. سپس تشیع جنازه آغاز شد که مسیر آن چندین کیلومتر بود، یعنی جمعیت بسیار زیادی از «مسجد سید» در خیابان مسجدسید اصفهان به حرکت درآمد و خود را پس از چند ساعت با پای پیاده به گلستان شهدا رساند. پیمودن چنین مسافتی برای مردم خصوصاً پیران، زنان و کودکان سخت بود اما با این حال، به صورت باشکوهی در تشیع جنازه شرکت کردند و روزی به یادماندنی را برای اصفهان رقم زدند. تشیع پیکر ایشان مردم را به یاد مجالس دعای با معنویتشان می‌انداخت. طبیعی بود که عشق مردم به آن مجالس معنوی باعث شد که سختی پیمودن مسیر، با پای پیاده را تحمل کنند و حضوری با عظمت در تشیع جنازه

داشته باشند.

مجالس ختم ایشان هم باشکوه بود، مجالس تنبیه و تجدید خاطره با مجالس معنوی دعا و وعظ حاج شیخ مهدی مظاهری بود و طلاب جوان از آن شخصیت ارزشمند الگوگیری کردند. در شهرهای مختلفی از جمله اصفهان، مشهد، قم، تهران، اهواز و بعضی از شهرهای اطراف اصفهان مراسم ختم برای مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری برگزار شد که پرشور و با عظمت بود و علاوه بر حضور آحاد مردم، شخصیت‌های کشوری و لشکری هم عاشقانه در آن شرکت کردند.

بسیاری از علما و مراجع معظم تقلید در مجلس ختمی که در مسجد اعظم قم برای ایشان گرفته شد، شرکت کردند و یاد ایشان را گرامی داشتند. این در حالی است که برپایی مجلس ختم در مسجد اعظم قم، با چنین شکوهی، معمولاً تنها برای مراجع تقلید سابقه داشته است، در حقیقت، مراجع معظم تقلید با حضور خود خواستند

بگویند که مردم باید راه این مرد خدا را با دعا، مناجات و خدمت به مردم ادامه دهند. از طرف دیگر، طلاب و علما هم از ایشان الگو بگیرند و در کنار طلب علم و ترویج معنویت، خدمات مردمی هم داشته باشند.

مجالس ختم و تشیع پیکر ایشان برای دشمنان مأیوس‌کننده بود، زیرا نشان داد که هنوز بحمدالله علمای راستین در بین مردم محبوب هستند و مردم علمای راستین و عامل به دستورات قرآن و اهل بیت (ع) را دوست دارند و دشمنان چنین چیزی را نمی‌خواهند. دشمنان می‌خواهند میان مردم و علما فاصله بیندازند و القا کنند که روحانیت محبوبیت خود را از دست داده است. از طرفی همان‌طور که روز تشیع و تدفین ایشان برای دشمنان، روز یأس و ناامیدی بود، برای دوستان روز امید و نشاط معنوی بود. دوستداران ایشان از اینکه جامعه ما هنوز علاقه‌مند به معنویت و علمای دین هستند، خشنود شدند و شکر خداوند را به جای آوردند.



مجالس ختم

و تشیع

پیکر ایشان

برای دشمنان

مأیوس‌کننده

بود، زیرا نشان

داد که هنوز

بحمدالله

علمای راستین

در بین مردم

محبوب

هستند





شمع خاموش ناشدنی

دی ماه ۱۳۹۶، اصفهان، مردی را از دست داد که وجودش نه تنها برای یک شهر، بلکه برای جامعه اسلامی مفید و مؤثر بود. آن روزها، روحانی بافضیلتی چهره در نقاب خاک کشید که از مردان با اخلاص روزگار بود و با ده‌ها سال خدمت شبانه‌روزی خود، موقعیت معنوی و فرهنگی شهر اصفهان را از تفتاب بخشید. یاد مردان خدا هیچ‌گاه از اذهان مردم، فراموش نمی‌شود و شمع‌هایی که برافروخته‌اند، خاموشی نمی‌گیرند. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.



▲ حجج الاسلام شیخ حسین یزدی و شیخ مهدی مظاهری



▲ حاج شیخ مهدی مظاهری در محضر رهبر کبیر انقلاب



▲ ایستاده از راست نفر پنجم حجت الاسلام والمسلمین مهدی مظاهری



▲ مراسم تشییع پیکر مرحوم آیت الله سید احمد امامی



▲ از راست حجج الاسلام و آیت شیخ مهدی مظاهری، محمد مظاهری و سید حسن فقیه امامی



▲ از راست حجت الاسلام والمسلمین شیخ مهدی مظاهری و آیت الله حسین مظاهری



▲ ایستاده از راست حجج الاسلام و آیت هاشمی، ناصری، مظاهری، ناصری، فقیه ایمانی، رضایی و از راست نشسته حجج الاسلام و آیت عظام فقیه ایمانی، میر محمد صادقی، مستجاب الدعواتی



متن دعا را می خوانند. اما دعای حاج آقا مظاهری این ویژگی را داشت که ضمن قرائت دعا، آیات و احادیث مربوط به آن فراز دعا را می خواندند، آن را ترجمه، تفسیر و تأویل می کردند و اشعار مناجات گونه همراه با آن دعا قرائت می کردند و این حالت عجیبی بود.

من به عینه شاهد بودم که در طول سه ساعت مجلس دعا، ایشان در حین خواندن دعا توسط خود یا دیگران، گریه می کردند، یعنی به یکایک فرازهایی که می خواندند باور داشتند. من از اول مجلس دعا تا پایان آن شاهد اشک ریختن حاج آقا بودم و می دیدم که این اشکها ساختگی نیست.

این نشان از ایمان قلبی ایشان به این مضامین بود، به همین دلیل افرادی که شرکت می کردند این دعا برای آن ها تکراری نمی شد. همین انقلاب درونی و اشکهای ایشان، جلسه را متحول می کرد و چه بسا افراد گناه کاری که اتفاقی به مجلس می آمدند، توبه می کردند و پایبند این مجالس می شدند.

یکی از نکات دیگر این بود که ایشان دعای ابو حمزه را به دو نیمه تقسیم کرده بودند و بین دو نیمه همیشه سخنرانی می کردند، ایشان همیشه در ابتدای نیمه اول و نیمه دوم دعا به امام زمان (عج) توسل می کردند به این معنا که ابتدا دعای فرج را می خواندند و قلبها را متوجه امام زمان (عج) می کردند.

مطلب دیگر، توسل های ایشان به ائمه اطهار به ویژه به امام حسین (ع) بود. همینطور در دعای کمیل، که ایشان هر شب جمعه خود را مقید به خواندن آن کرده بودند، قسمتی را برای توسل به امام زمان (عج) اختصاص داده بودند. یعنی دعا را نگه می داشتند، به امام زمان (عج) توسل می کردند و پس از آن دعا را ادامه می دادند. ضمن اینکه در هر فراز دعای کمیل، بعضاً آیات و روایات آن دعا را یادآور می شدند و اشعار مناجات گونه می خواندند. یاد جلسات ایشان بخیر. این روزها بیش از هر زمان دیگر دلم برای آقا جان تنگ است و نقش ایشان هیچگاه از لوح دل و جانم بیرون نمی رود.

۱- این لقب را آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در پیام تسلیت خود، برای مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری به کار برده اند.



دلم برای آقا جان تنگ است

یادی از جلسات دعای «زین الخطبا»

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی نجفی، نوه مرحوم حاج شیخ مهدی مظاهری، پای ثابت و از یاوران اصلی مجالس دعای پدر بزرگ، در سال های پایانی عمر ایشان بوده است. بایشان که کتاب «زین الخطبا» را در باره حاج شیخ مهدی مظاهری و «یادنامه مرحوم حاج آقا محسن مظاهری» تألیف کرده است، به گفت و گو نشستیم و درباره همراهی شان با حاج آقا سؤال کردیم.

“
**ایشان دعای
ابو حمزه را
به دو نیمه
تقسیم کرده
بودند و بین دو
نیمه همیشه
سخنرانی
می کردند،
ایشان همیشه
در ابتدای نیمه
اول و نیمه دوم
دعا به امام
زمان (عج)
توسل
می کردند**

مجلس دعا، علاقه مند کنند مثلاً می گفتند شما همراه من بیا و به من کمک کن، اگر شما نیایی من نمی توانم بروم و ... این بهانه های شد تا ایشان در من، برای حضور مستمر در جلسات دعا، علاقه ایجاد کنند و موفق هم شدند، لذا حدود ۱۵ سال با ایشان به مجلس دعا می رفتم، به این شکل که ابتدا به منزل حاج آقا می رفتم و سپس با ایشان به جلسه دعا می رفتم، از ابتدا تا انتها کنار صندلی حاج آقا می نشستم و بعد هم با ایشان به منزل برمی گشتم.

رسم ایشان از قدیم این بود که دعا را خودشان می خواندند، دعای ایشان امتیاز ویژه ای داشت که سی شب برقرار بود، متن دعا هم یکی بود اما برای مخاطبان یکنواختی ایجاد نمی شد. همین الان در بسیاری از شهرها، در شب های ماه رمضان، دعای ابو حمزه قرائت می شود، اما اکثر اینگونه است که

مرحوم حاج آقا هر سی شب ماه رمضان به مدت سه ساعت دعای ابو حمزه برگزار می کردند، یک عده افراد هر سی شب، پای دعا و منبر ایشان حاضر بودند که مردم اصطلاحاً به آن هابی گفتند «مشتی هر شبی»، که جمعیتی بالغ بر دو تاسه هزار نفر را شامل می شدند. افرادی هم بودند که شب های به خصوصی مانند شب های تعطیل، شب های قدر، شب های جمعه در دعای ابو حمزه شرکت می کردند لذا در این شب ها جمعیت خیلی بیشتر می شد. بنده هم نوجوان بودم و جزء آن افرادی بودم که در این شب ها شرکت می کردم.

اوایل دهه ۸۰ شمسی بود که دیگر راه رفتن برای حاج آقا سخت شده بود و نیاز بود یک نفر دست ایشان را بگیرد تا به مجلس دعا یا هر جای دیگری بروند. در آن وقت من نوجوان بودم، حاج آقا این مسئله را بهانه کردند تا ما را برای حضور مستمر در